

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۱۸ تا ۲۴ فروردین ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۷۲



«حجاب»

در برابر
انقلاب ملی؟!
هرگز!



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۷۲ (۴۰۶)

جمعه ۱۸ تا ۲۴ فروردین ماه ۱۴۰۲

۷ تا ۱۳ آوریل ۲۰۲۳



مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



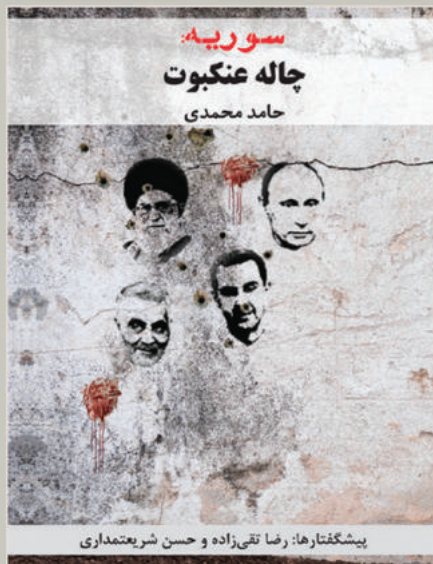
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hornuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

* * فهرست مطالب * *

- ۴ سر مقاله - کابوس مکرر جمهوری اسلامی: نداوم خیزش انقلابی ملت! / الاله بقرراط
- ۴-۵ «حجاب» در برابر انقلاب ملی؟! هرگز! ... / روشنگر آسترکی
-
- ۶-۷ چهار دهه تحمیل حجاب اجباری به زنان ایرانی: از پونز تا ماست! /
- ۷ بیانیه هماهنگی مشروطه خواهان ایران برای ایجاد پارلمان باز... /
- ۸ موج مهاجران به اروپا و پاپا پرو و ازهای مستقیم از خاور میانه... /
- ۹ اعتصاب غذای منوچهر بختیاری در زندان... /
- ۱۰ ادعای عفوی بیش از ۸۸ هزار زندانی؛ ۹ روز نامه نگار همچنان در زندان... /
- ۱۱ دست دادن یا ندادن، مسأله این است!... (۹) / احمد احرار
- ۱۲-۱۴ آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۷) / دکتر هوشنگ نهادی
- ۱۴ حسین امیر عبداللهیان: «اغتصابات پاییز» آمریکای بر خیزش کشورها را با... /
- ۱۵-۱۷ رضا پهلوی، فرصت یا خطر؟ / الاله بقرراط
- ۱۸ واشنگتن فری بیکن: کنگره آمریکای حمایت از خیزش ضد حکومتی... /
- ۱۹ ۲۸۰ شهر و ۹۲۰۰ روستای ایران با جمعیتی بالغ بر ۱۹ میلیون در خطر فرونشست... /
- ۲۰-۲۱ «اکونومیست»: مشروعیت روبه زوال روحانیت شیعه و نظر به پردازی... /
- ۲۲ وزیر آموزش و پرورش استعفاداد... /
- ۲۳ توافق مجدد تهران و ریاض بر سر یک توافق امنیتی که ۲۲ سال پیش... /
- ۲۴-۲۵ تشدید فشارها به بهانه حجاب: تهدید از سوی سه وزارتخانه به ممنوعیت ارائه... /
- ۲۵ سوره بانلاق نبی و های «سپاه قدس»... /
- ۲۶ علی خامنه‌ای: کشف حجاب حرام شرعی و حرام سیاسی است... /
- ۲۷ بیش از ۸۷۰ کشته در تصادفات نوروزی... /
- ۲۸-۲۹ ادامه مسمومیت دانش آموزان دست کم در پنج شهر دیگر... /
- ۲۹ طرح شهرداری تهران برای تبدیل «سراهای محله» به فرازگاه‌های امنیتی... /
- ۳۰ بررسی پرونده قتل کیان پیر فلک در دادگاه نظامی... /
- ۳۱ خروش اعتراضات خیابانی در زادروز حمیدرضا روحی... /
- ۳۲ پشت جلد - عکس هفته ۱۴/ فروردین ۱۴۰۲ / چهارمین روز اعتصاب غذای وحید بهشتی

بازنشر

بازنشر

بازنشر



سرمقاله کابوس مکرر جمهوری اسلامی:

تداوم خیزش انقلابی ملت!

چهارشنبه ۱۶ فروردین زادروز حمیدرضا روحی از جانب‌اختگان میهن بود. او در این روز تازه بیست ساله می‌شد. اما ۲۷ آبان ۱۴۰۱ در شهرزیبای تهران با شلیک مستقیم مأموران سرکوب کشته شد. حمیدرضا روحی یکی از صدها شهروندیست که در جریان اعتراضات آزادیخواهانه کشته شدند و «سازمان حقوق بشر ایران» نام ۵۳۷ تن را که بیشتر آنها در شهريور و مهر و آبان ۴۰۱ جان باختند، ثبت کرده است.

شهرزیبا، محله‌ای که خانواده روحی در آن زندگی می‌کند در



اعتراضات در زادروز بیست سالگی حمیدرضا روحی / شهرزیبا تهران / ۱۶ فروردین ۱۴۰۲

زادروز بیست سالگی وی ملت‌هپ بود. مأموران امنیتی تصاویر و تزییناتی را که در و دیوار خانه‌ی وی را پوشانده بود کردند و بردند. بر اساس گزارش‌ها، امنیتی‌ها از حضور خانواده‌اش بر مزار وی در «بهشت زهرا» نیز جلوگیری کردند. اما از نخستین ساعات شامگاه چهارشنبه شعارهایی که در تمام روزهای اعتراضاتی که خود معترضان آن را انقلاب خوانده‌اند، بار دیگر در غرب تهران فضا را پر کرد؛ مردم خانواده‌ی روحی را که یکی دیگر از پسران ایران را تقدیم آزادی میهن کرده تنها نگذاشتند. در این میان، جمهوری اسلامی در حالی به خیال خود «بساط اغتشاش» را جمع کرده، که مثل همیشه با سرکوب خونین، آتش خشم و انزجار مردم را تنها به زیر خاکستر رانده است بدون اینکه برای حل مشکلات مردم که خود نظام مهم‌ترین آنهاست، راهکاری عملی داشته باشد. در کجا دیده شده که مشکل بتواند خودش را حل کند و یا گره با گره باز شود؟! تحركات منطقه‌ای رژیم نیز که بتواند با همکاری چین و روسیه، روابط خود را با عربستان سعودی نه تنها به عنوان یک قدرت منطقه‌ای بلکه به مثابه «مهد» و «قبله جهان اسلام» بهبود بخشد و شاید راه‌های بازیگری را برای ورود ارز به کشور باز کند، تنها ممکن است التیامی بر زخم‌های عمیق خود نظام باشد و نه اینکه بتواند به خواست‌های حقوقی معترضان صنفی و شهروندانی پاسخ دهد که اساسا جمهوری اسلامی را به عنوان حکومتی نمی‌خواهند که آزادی و امنیت و رفاه را از آنها سلب و دریغ کرده است.

این حکومت بیش از چهار دهه فرصت داشت تا با تکیه بر زیرساخت‌های محکمی که پیش از انقلاب بنا شده بود و با استفاده از منابع عظیم اقتصادی اعم از طبیعی و نیروی انسانی، سطح آزادی و امنیت و رفاه ملت و مملکت را ارتقاء دهد. اما بنا بر سرشت فرقه‌ای و ضدبشری خود، همه این امکانات را صرف گروگانگیری و جنگ و سلطه‌جویی و صدور انقلاب و غارت منابع و تخریب محیط زیست و سرکوب بی‌امان دست‌کم سه نسل از ایرانیان کرد.

در این میان، مخالفت و مقاومتی که در برابر این فاشیسم مذهبی شکل گرفت، موازی با ناتوانی و ناکارآمدی مرمز رژیم، توانمند و کارآمد شد اگرچه هر بار حکومت با کابوس سرنگونی به سرکوب خونین پرداخت و خود را تضعیف و منفرتر از پیش کرد. امروز اما آینده بیش از پیش روشن است: پیروزی ملت و انقلاب ملی برای آزادی!

تیر هفته

«حجاب» در برابر انقلاب ملی؟! هرگز!



● در حالی که زنان و دختران طی ماه‌های گذشته از سد حجاب اجباری عبور کرده و استفاده ایدئولوژیک از حجاب را به سُخره گرفته‌اند، نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در درون کشور نیز مانند نیروهای نیابتی در منطقه، به اخلاص و سلب آرامش مردم پرداخته و به تهدید دیگری علیه امنیت اجتماعی به ویژه برای زنان و دختران تبدیل شده‌اند.

در هفته‌های گذشته موج تازه‌ای از فشارهای قضایی و اجتماعی علیه زنان و دختران به بهانه مبارزه با بی‌حجابی و بدحجابی توسط جمهوری اسلامی به راه افتاده و هرچه می‌گذرد تشدید می‌شود. این فشارها از یکسو از سوی نهادهای رسمی مانند وزارت کشور و مجلس شورای اسلامی در حال سازماندهی است و از سوی دیگر توسط نیروهای «لباس شخصی» و «آتش به اختیاران» به عنوان نیروهای نیابتی نظام در داخل پیش می‌رود.

در آنسو اما زنان و دختران طی ماه‌های گذشته از سد حجاب اجباری عبور کرده و استفاده ایدئولوژیک از حجاب را در شرایطی به سُخره گرفته‌اند که جمهوری اسلامی تحت عنوان مبارزه با «کشف حجاب» اهدافی چند جانبه را دنبال می‌کند.

میلیون تومان محکوم می‌شوند. همچنین گزارش‌های زیادی از برخوردهای فیزیکی و کلامی افراد وابسته به حکومت موسوم به «لباس شخصی» و «آتش به اختیار» منتشر شده است. در یکی از آخرین نمونه‌ها یک بسیجی و مداح در منطقه طرقله مشهد سطل ماست را بر سر یک مادر و دختر که روسری نداشتند خالی کرده و با مالک فروشگاه و دیگر شهروندان حاضر در مغازه درگیر شد. چند روز بعد از انتشار بیانیه وزارت کشور، معاون امور زنان و خانواده ابراهیم رئیسی از تشکیل ستادی در وزارت کشور برای کنترل حجاب خبر داد.

آموزش و پرورش، وزارت علوم و وزارت بهداشت نیز همزمان با پایان تعطیلات نوروزی و بازگشایی دانشگاه‌ها و مدارس در اطلاعیه‌هایی جداگانه اعلام کردند که از ارائه خدمات آموزشی و رفاهی به دانش‌آموزان و دانشجویانی که شئون اسلامی و حجاب اجباری را رعایت نکنند، خودداری می‌شود.

در شرایطی که مردم در ایران با شدیدترین بحران‌های اقتصادی و معیشتی روبرو هستند و تولیدکنندگان و صنعتگران از ورشکستگی و عدم توانایی ادامه فعالیت اقتصادی خبر می‌دهند، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز پس از تعطیلات نوروز بر موضوع مبارزه با بی‌حجابی تأکید کرده و گفته در صورت ارائه لایحه‌ای در اینباره مجلس آن را در «اولویت بررسی» قرار خواهد داد و حاضر به رفع هرگونه «خلاء قانونی» است.

علی خامنه‌ای نیز روز سه‌شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۲ در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام به موضوع حجاب پرداخت و گفت مسئله حجاب محدودیت شرعی و قانونی است و محدودیت دولتی نیست. او همچنین با تأکید بر اینکه «کشف حجاب حرام شرعی و حرام سیاسی است»، برای برخوردهای خشن‌تر با زنان و دختران به مقامات و حامیان حکومت چراغ سبز نشان داد. او حتی تأکید کرد که روح‌الله خمینی رهبر انقلاب ۵۷ در همان اوایل پیروزی انقلاب تکلیف حجاب

پیش‌درآمد فشارهایی که این روزها به اوج رسیده، زمستان گذشته با تدوین طرح «حجاب و عفاف» در مجلس شورای اسلامی آغاز شد و پیش از نوروز با پلمب چندین مرکز تفریحی و توریستی و اقامتگاه گردشگری ادامه یافت. در تعطیلات نوروزی نیز صدها مرکز توریستی و اقامتگاه پلمب شد و انتقادهای تندی از سوی هواداران حکومت نسبت به پوشش زنان مطرح گشت. مقامات زیادی مواضع تندی درباره الزام به رعایت حجاب اجباری در سطح جامعه گرفته و گفته‌اند حکومت در برابر بی‌حجابی کوتاه نخواهد آمد.

در ادامه این پروژه سازمانیافته، وزارت کشور با صدور بیانیه‌ای بار دیگر بر رد حق انتخاب زنان درباره پوشش تأکید کرد.

همانندگی و سازماندهی همه جانبه پیش‌درآمد فشارهایی که این روزها به اوج رسیده، زمستان گذشته با تدوین طرح «حجاب و عفاف» در مجلس شورای اسلامی آغاز شد و پیش از نوروز با پلمب چندین مرکز تفریحی و توریستی و اقامتگاه گردشگری ادامه یافت. در تعطیلات نوروزی نیز صدها مرکز توریستی و اقامتگاه پلمب شد و انتقادهای تندی از سوی هواداران حکومت نسبت به پوشش زنان مطرح گشت. مقامات زیادی مواضع تندی درباره الزام به رعایت حجاب اجباری در سطح جامعه گرفته و گفته‌اند حکومت در برابر بی‌حجابی کوتاه نخواهد آمد.

در ادامه این پروژه سازمانیافته، وزارت کشور با صدور بیانیه‌ای بار دیگر بر رد حق انتخاب زنان درباره پوشش تأکید کرد.

همزمان جزئیاتی از طرح «عفاف و حجاب» که در مجلس شورای اسلامی با هدف آنچه «زندگی عقیفانه» خوانده شده تصویب شد. بر اساس این طرح زنان «بی‌حجاب» یا «بدحجاب» به انواع مجازات‌های نقدی و غیرنقدی از جمله ضبط گواهینامه و پاسپورت و جریمه نقدی ۵۰۰ هزار تا ۳

→ اجباری را روشن کرده بود.

خامنه‌ای در حالی به تعیین تکلیف روح‌الله خمینی با حجاب اشاره کرده که با سخنان خود وی در سال‌های گذشته

از همین رو به نظر می‌رسد بخشی از اتاق فکر جمهوری اسلامی پروژه «حجاب» و فشارهای سازماندهی شده در اینباره را به عنوان جایگزینی برای «جنبش براندازی» تعریف کرده و به دنبال ایجاد چرخش در افکار عمومی هستند تا حق مردم برای آزادی و سرنگونی رژیم را به موضوع «حجاب» کاهش دهند.

نشانه‌های چنین علاقه‌ای از سوی نظام در همان اوایل آغاز اعتراضات نیز دیده می‌شد. صرفاً «زنانه» قلمداد کردن انقلاب ملی به دلیل شعار «زن، زندگی، آزادی» از سوی برخی جریان‌ها، این بهانه و فرصت را به حکومت داد تا تا حق مردم برای تغییر ساختار سیاسی را به خواست «حجاب اختیاری» محدود کند.

مردم معترض اما با هوشیاری «مرد، میهن، آبادی» را به «زن، زندگی، آزادی» پیوند زدند تا فرصت چنین سوء استفاده‌ای را از حکومت بگیرند و دامنه‌ی حقوق و آزادی سراسری را به آن یادآوری کنند. اکنون پروژه تقلیل خواست «براندازی» به «حجاب» به شکلی سازمانیافته‌تر در حال اجراست. این روند به جمهوری اسلامی فرصت می‌دهد که سطح تنش میان جامعه و نظام را از اعتراضاتی که شعارهایش بطور مشخص خواستار «سرنگونی» جمهوری اسلامی و عبور از انقلاب ۵۷ است به زمین تنش درباره «حجاب» هدایت کند. در ادامه نیز این پتانسیل را ایجاد کند که بخشی از جریان‌ها و چهره‌های نظام «حق داشتن حجاب اختیاری» را برای مردم قائل شده و با راه‌اندازی یک گفت‌وگو انحرافی، وزن کثی اجتماعی را، دست کم برای مدتی، تغییر داده و شکاف میان حکومت و مردم را، به خیال خود، ترمیم کنند.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی با این فرصت خواهد توانست به جهان بفهماند که موضوع «حجاب» امری قابل «طرح» و «حل» در چارچوب نظام و ساختار سیاسی مستقر است و «مردم ایران به دنبال براندازی نیستند!»

جدا از آنکه هوشمندی مردم در درون کشور طی سال‌های گذشته این امیدواری را ایجاد می‌کند که نه تنها تسلیم این سناریوی انحرافی نشوند، بلکه از آن نیز به عنوان پتانسیلی برای پیشبرد انقلاب ملی استفاده کنند، طراحان این سناریو نیز اطمینان ندارند روحانیتی که «کشف حجاب» را «حرام» سیاسی و حرام شرعی» می‌داند، از این پروژه برای حفظ نظام حمایت کند!

با اینهمه برخی تحلیلگران اصلاح طلب و اصولگرا با درک عبور کامل مردم از جمهوری اسلامی، با برخورداری قضایی و امنیتی با موضوع حجاب، و استفاده از نیروهای آتش به اختیار مخالفت کرده و چنین رویه‌ای را «غیرقانونی» و حتی خطرناک برای نظام ارزیابی می‌کنند.

اینهمه در حالیست که جمهوری اسلامی بجز آزادی پوشش، حقوق زنان را در ابعاد انسانی نادیده گرفته است. قوانین ناعادلانه در زمینه‌ی حقوق مدنی مانند ازدواج و ارث و طلاق و سرپرستی فرزندان و همچنین در قوانین کیفری که زنان را از نصف مرد نیز کمتر می‌شمارد، علیه همه زنان اعم از باحجاب و بی‌حجاب است و در زمانی که هنوز جمهوری اسلامی حجاب را اجباری نکرده بود، تدوین شده و به اجرا درآمدند! به همین دلیل است که زنان و دختران تا امروز زیر بار جنگ زرگری حکومت با حجاب اجباری نرفته و اجازه نداده‌اند حجاب به موضوع اصلی آنها در مبارزات سیاسی و اجتماعی تبدیل شود. زنان ایران دوشادوش مردان خواستار تغییر ساختار سیاسی در ایران هستند تا با جایگزین شدن یک حکومت سکولار و دموکرات بجای جمهوری اسلامی از حقوق انسانی و شهروندی خود بهره‌مند شده و به «برابری حقوقی» در کنار «آزادی» دست یابند.

روشنگ آسترکی

برای تخریب چهره نظام مرتبط کنند و بدین ترتیب با یک تیر دو نشان بزنند. چنانکه در حمله مداح و بسیجی منطقه طرقله با سطل ماست به یک مادر و دختر در لاینات فروشی



نیز برخی هواداران نظام مدعی شدند که از کجا معلوم این فرد «آمر به معروف» بوده و شاید نفوذی دشمن بوده است!

حجاب، یک تاکتیک انحرافی

واقعیت اینست که حجاب اجباری در طول جنبش اعتراضی که در پی قتل حکومتی مهسا امینی از شهریور گذشته در ایران آغاز شده، ماهیت تحمیلی خود را از سوی حکومت از دست داده و به یکی از محورهای مبارزات مردم تبدیل شده است؛ برداشت روسری و سوزاندن روسری‌ها در خیابان از جمله اقداماتی بود که معترضان در اکثر نقاط ایران انجام دادند.

هرچند از چند سال پیش در برخی نقاط از جمله مناطق شمالی کلانشهرها رعایت حجاب اسلامی با سر افتادن شال و روسری و پوشیدن مانتهای بدون دکمه و جلو باز کم‌رنگ شده بود اما در جنبش اعتراضی اخیر «کشف حجاب» به یکی از نمادهای مبارزه‌ی ملی برای آزادی تبدیل شد. با فروکش کردن اعتراضات خیابانی هم باز در اکثر شهرهای ایران زنان از روسری گذاشتن خودداری کردند. تصاویر و ویدئوهای زیادی از نقاط مختلف کشور منتشر شده که نشان می‌دهد زنان و دختران بدون روسری در خیابان‌ها و اماکن عمومی حضور دارند. در تعطیلات نوروزی ۴۰۲ هم که حکومت تلاش داشت با پلمب قلعه‌ای مراکز گردشگری و اقامتگاه‌ها نمایش قدرت مبارزه با بی‌حجابی را به راه بیاورد اما همچنان زنان و دختران بدون حجاب در مراکز تفریحی و گردشگری حضور پیدا کردند. آنها در کنار مردان و پسران چه در جشن چهارشنبه‌سوری و چه در ادامه تعطیلات نوروزی به جشن و رقص و آواز در خیابان‌ها و مراکز تفریحی ادامه دادند.

مردم در حالی که از حجاب اجباری و تحمیلی عبور کرده‌اند، همچنان از هر فرصتی برای پیشبرد اعتراضات انقلابی استفاده می‌کنند. از جمله مجموعه تجمعات اعتراضاتی که شامگاه چهارشنبه ۱۶ فروردین‌ماه و در زادروز حمیدرضا روحی یکی از جوانان جانبازان در اعتراضات ملی در تهران برگزار شد و آتش زیر خاکستر اعتراضات را دوباره شعله‌ور ساخت.

مقامات جمهوری اسلامی به خوبی دریافته‌اند که جنبش ملی در برابر جمهوری اسلامی که از سال‌ها پیش در ایران آغاز و در تجمع هزاران نفر در پاسارگاد در هفتم آبان ۹۵، اعتراضات دی ۹۶ ادامه یافته و به اعتراضات انقلابی پاییز و زمستان گذشته رسیده، خاموش می‌شود.

تناقض دارد. رهبر جمهوری اسلامی سال ۱۳۷۶ در یک سخنرانی گفته بود: «در سال ۱۳۶۴ که آقای ناطق نوری وزیر کشور بودند، من یادم نمی‌رود که عده‌ای از جوانان در خیابان‌ها به بدحجاب‌ها حمله می‌کردند. امام به ایشان نوشت بروید و این جوانانی را که به بدحجاب‌ها حمله می‌کنند، بگیرید، بزنید، زندان و حبس‌شان کنید!»

آرایش نیروهای نیابتی در داخل

جمهوری اسلامی که در سال‌های گذشته با هدف دخالت در منطقه، پیشبرد اهداف ایدئولوژیک و با توهم «تقویت عمق استراتژیک» از نیروهای غیررسمی با عنوان «نیابتی» در دیگر کشورها استفاده می‌کرد، اکنون نیز در حال سازماندهی و صف‌آرایی «نیروهای نیابتی» علیه مردم ایران در داخل کشور است؛ نیروهایی که نام و نشان رسمی جمهوری اسلامی را نداشته باشند اما به عنوان لباس شخصی، آمر به معروف و آتش به اختیار همان اهداف نظام را پیش ببرند.

نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در داخل نیز مانند نیروهای نیابتی در منطقه به اخلاص پرداخته و با سلب آرامش مردم، به تهدیدی جدی علیه امنیت اجتماعی به ویژه برای زنان و دختران تبدیل شده‌اند. به نظر می‌رسد وحشت‌آفرینی و ایجاد فضای امنیتی- تروریستی در خیابان‌های کشور بدون استفاده از نیروهای رسمی تنها یکی از اهداف جمهوری اسلامی در تحریک آتش به اختیاران باشد و از این موضوع اهدافی چند وجهی را دنبال می‌کند از جمله اینکه نیروهای سرکوبگر لباس شخصی به بهانه مبارزه با بی‌حجابان در سطح شهر و اماکن عمومی مستقر می‌شوند تا بطور نامحسوس با شکل‌گرفتن هرگونه جرقه اعتراضات به مقابله با آن بپردازند.

همچنین همانطور که جمهوری اسلامی سال‌هاست در منطقه از نیروهای موسوم به نیابتی استفاده کرده و با نپذیرفتن مسئولیت اقدامات آنها در بزرگراه‌ها، توانسته هزینه‌های نظام را کاهش دهد، در داخل نیز به دنبال اینست که با استفاده از نیروهای سرکوبگر «نیابتی» از پاسخگویی نسبت به سرکوب زنان و دختران، چه در افکار عمومی داخل و چه برای مخاطب خارجی شانه خالی کند. چه بسا این محاسبه نیز وجود دارد که در صورت افزایش تنش میان مردم و حکومت، مقاماتی در رأس نظام به همین نیروهای نیابتی و گماشته‌ی جمهوری اسلامی نیز حمله کرده و یا آنها را به «دشمن» و «پروژه نفوذ»

چهار دهه تحمیل حجاب اجباری به زنان ایرانی؛ از پونز تا ماست!



به معروف نیست بلکه جاهل و نادانی است که باید به دلیل این رفتار زشت و غیراخلاقی و زشتش مواخذه و محاکمه شود. نهایت مرحله امر به معروف و نهی از منکر در موضوع حجاب که بر افراد عادی جامعه واجب است، تذکر با زبان است. بیش از این بر عهده حاکمیت است.» مالک شریعتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی نیز گفته که برای «امر به معروف و نهی از منکر معمولاً زبان خوش و احترام جواب می‌دهد که اکثریت مردم نیز قبول دارند. برخورد تند، اهانت و بی‌احترامی، نتیجه عکس دارد که خوشبینانه از سر جهل است و بدبینانه خروجی نفوذ. وظیفه دستگاه‌ها بررسی همه گزینه‌هاست.»

این توجیها در حالی مطرح می‌شود که بر اساس اطلاعات منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی فرد حمله کننده با سطل ماست «مصطفی عبیدی» نام دارد که از نیروهای بسیجی و مداحان در منطقه طبقه مشهد است. علی مجتهدزاده وکیل دادگستری در ایران با انتشار توثیقی در واکنش به این موضوع نوشته که «اقدام کاسب باشرقی که در حمایت از دو خانم فاقد حجاب در مغازه خود با شوری که به بهانه امر به معروف با ماست به مشتریانش حمله کرده به هیچ عنوان وصف مجرمانه نداشته یعنی اساساً عنوان مجرمانه‌ای نمی‌توان برایش یافت بلکه عملی اخلاقی و انسانی و قانونی بوده که شایسته تکریم و قدردانی است.»

محسن برهانی دیگر حقوقدان و وکیل دادگستری که خودش دانش‌آموخته حوزه علمیه است در اینستاگرام نوشته «کسی که سطل ماست را بر روی سر دو خانم ریخت اولاً مرتکب جرم تعرض و مزاحمت برای بانوان موضوع م ۶۱۹ شده است و ثانیاً نسبت به سطل ماست مرتکب جرم تخریب موضوع م ۶۷۷. آقای دادستان طبقه! صاحب مغازه، مرتکب هیچ جرمی نشده است؛ حتی اگر فیلم را شخصاً در فضای مجازی پخش کرده باشد.»

علی ضیا مجری سابق صداوسیما جمهوری اسلامی هم در اینستاگرام خود درباره حمله یک فرد با سطل ماست

خانم متهم به ارتکاب فعل حرام به لحاظ تظاهر به کشف حجاب هستند.»

دادستانی طبقه همچنین گفت که به صاحب مغازه هم «جهت رعایت اصول شرعی و قانونی وفق مقررات تذکرات لازم داده شده است.» بعد گزارش شد که محمود هاجرپور (فروشنده لبنیاتی) ساعت ۲۱ شنبه با قرار وثیقه آزاد شده است.

امیر شهلا عضو سابق شورای اسلامی شهر مشهد به نقل از یکی از نزدیکان مغازه‌داری که در آن جنجال «امر به معروف به سطل ماست» رخ داد، خبر داد که مردم با گل و شیرینی از این مغازه‌دار که با حمله‌ی این فرد مذهبی افراطی به مشتریان مقابله کرده بود، تقدیر کرده‌اند. تصاویری از گلباران کردن فروشگاه توسط مردم نیز در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

همچنین کمپینی در شبکه‌های اجتماعی از سوی مردم راه‌اندازی شده که شهروندان در مشهد را تشویق به خرید از لبنیات هاجرپور در شاندیز مشهد می‌کند تا از اقدام صاحب مغازه برای افشای ویدئوی حمله مداح حکومتی به دو بانوی جوان و بیرون انداختن فرد «آتش به اختیار» تقدیر شود.

واکنش‌ها به حمله وحشیانه این فرد به زنان با سطل ماست همچنان ادامه دارد در حالی که این حمله آشکارا غیرقانونی است و برخی حقوقدانان نیز بر این امر تأکید کرده‌اند اما برخی حامیان حکومت به دنبال تلاش جهت توجیه این حمله هستند و تندروهای مذهبی نیز می‌گویند اقدامات «آتش به اختیاران» ادامه خواهد یافت!

حمید رسایی فعال اصولگرا، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و از اعضای «جبهه پایداری» در اینباره نوشته که «اولاً هیچ دلیل و نشانه‌ای دال بر اینکه درگیری اینها به خاطر بی‌حجابی بوده، نیست. ثانیاً هیچ دلیل و نشانه‌ای مبنی بر اینکه این فرد، آمر به معروف یا بسیجی باشد، نیست.» حمید رسایی در ادامه گفته «ثالثاً بر فرض که موضوع درگیری بی‌حجابی این افراد بوده باشد، قطعاً آن فرد آمر

● واکنش‌ها به حمله وحشیانه این فرد به زنان با سطل ماست همچنان ادامه دارد در حالی که این حمله آشکارا غیرقانونی است و برخی حقوقدانان نیز بر این امر تأکید کرده‌اند اما برخی حامیان حکومت به دنبال تلاش جهت توجیه این حمله هستند و تندروهای مذهبی نیز می‌گویند اقدامات «آتش به اختیاران» ادامه خواهد یافت!

● کمپینی در شبکه‌های اجتماعی از سوی مردم راه‌اندازی شده که شهروندان در مشهد را تشویق به خرید از لبنیات هاجرپور در شاندیز مشهد می‌کند تا از اقدام صاحب مغازه برای افشای ویدئوی حمله مداح حکومتی به دو بانوی جوان و بیرون انداختن فرد «آتش به اختیار» تقدیر شود.

● در پی اقدامات جدید جمهوری اسلامی در زمینه تشدید قوانین مرتبط با حجاب اجباری، نیروهای «آتش به اختیار» هم فعال‌تر شده‌اند تا آنچه را از اندک امنیت و آرامش زنان و دختران و نظم اجتماعی در کشور باقی مانده نیز به این بهانه بهم بزنند.

● جمهوری اسلامی از نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب ۵۷، انقلابی که یکی از شعارهایش «آزادی» بود، آزادی زنان ایران را با تحمیل حجاب اسلامی به همراه سلب دیگر آزادی‌های اجتماعی و سیاسی هدف قرار داد.

انتشار ویدئویی از مردی که به دلیل آنچه «بدحجابی» نامیده می‌شود با سطل ماست به دو زن در یک مغازه در شاندیز مشهد حمله می‌کند، هشدارها نسبت به نیروهای «آتش به اختیار» مورد حمایت حکومت که یکی از عوامل بر هم زدن امنیت و نظم اجتماعی به شمار می‌روند بیش از پیش افزایش یافته است.

طی دو روز گذشته ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی مربوط به روز جمعه ۱۱ فروردین از دوربین یک فروشگاه لبنیات در طبقه مشهد منتشر شده که نشان می‌دهد فردی سطل ماست را روی سر مادر و دختری که حجاب اسلامی ندارند خالی می‌کند. در واکنش به این اقدام خشونت‌آمیز، محمود هاجرپور فروشنده‌ای که پشت دخل بود وارد عمل می‌شود و فرد مهاجم را از مغازه بیرون می‌کند.

عباس هاجرپور مالک مغازه و پدر محمود هاجرپور به خبرگزاری «رکتنا» گفته که یکی از مشتری‌ها در حمایت از زانی که مورد حمله قرار گرفتند مرد مهاجم را بیرون انداخته و درگیری بیرون مغازه ادامه داشته است.

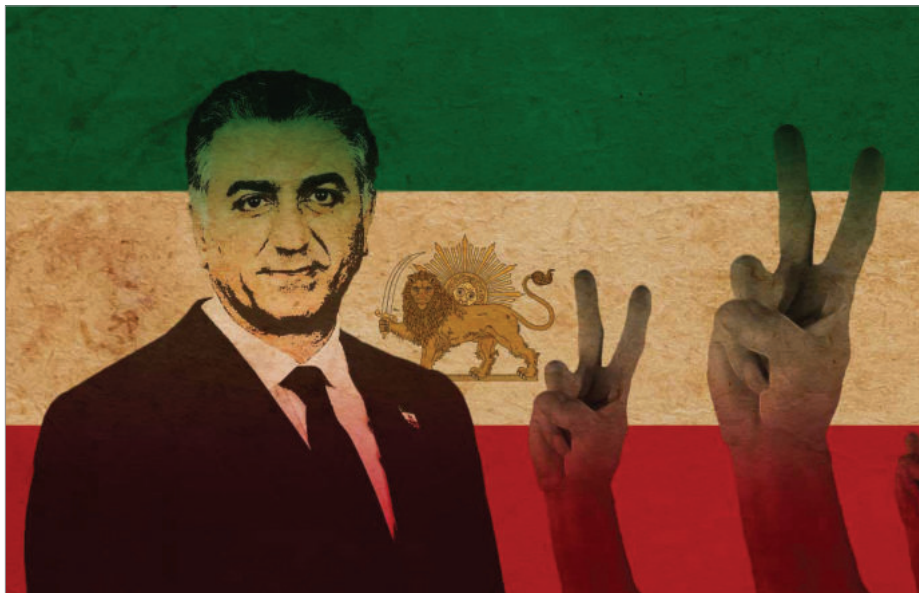
عباس هاجرپور توضیح داد که ساعت ۱۱ شب جمعه مأموران با حکم قضایی مغازه او را پلمب کردند اما صبح شنبه اعلام شد که مغازه باید از پلمب خارج شود.

او گفت فیلم‌های دوربین‌های مدار بسته را بردند و قرار شده است که او دوشنبه ۱۴ فروردین برای ارائه توضیحات به دادگاه مراجعه کند.

دادستانی طبقه هم روز شنبه ۱۲ فروردین از صدور حکم بازداشت مرد مهاجم و دو زنی که مورد حمله قرار گرفتند خبر داد. بنا بر اعلام دادستانی طبقه «پس از تظاهر به کشف حجاب توسط دو خانم در ملاء عام و برخورد غیرمتعارف یک فرد با این دو خانم، دستورات قضایی لازم در این زمینه صادر و این افراد جلب شدند.»

دادستانی طبقه همچنین گفته است که دلیل صدور دستور جلب این سه نفر به این خاطر است که فرد اول متهم به «توهین عملی و اخلال در نظم و همچنین ۲ نفر

بیانیه هماهنگی مشروطه خواهان ایران برای ایجاد پارلمان باز، معرفی نمایندگان خود، و همکاری‌های سازنده با شاهزاده رضا پهلوی و مشروطه خواهان داخل ایران



ملی‌گرا و دموکراسی‌طلب مشروطه‌خواه، تمام تلاش خود را برای تحقق این اهداف به کار گیریم:

۱. برگزاری نشست فراگیر مشروطه‌خواهان ایران (پارلمان باز مبتنی بر شفافیت و گزارش عمومی)
 ۲. همکاری‌های سازنده با شاهزاده رضا پهلوی
 ۳. انتخاب نمایندگان مشروطه‌خواهان برای حضور در نهادها، شوراهای و کارگروه‌های اپوزیسیون
 ۴. ارتباط هدفمند با مشروطه‌خواهان در داخل ایران
- شایان ذکر است که جزئیات برنامه‌های مرتبط با اهداف یادشده، به اطلاع ملت شریف ایران خواهد رسید.

نور بر تاریکی پیروز است
پاینده ایران

اسامی امضاکنندگان بیانیه‌ی هماهنگی مشروطه‌خواهان ایران تاکنون به ترتیب زیر است. پارلمان باز مشروطه‌خواهان، که نشست فراگیر، از پایین به بالا، و بر اساس شفافیت و گزارش عمومی‌ست، از حضور تمامی مشروطه‌خواهان و ایران‌گرایانی که با اصول و اهداف این بیانیه همراه‌اند، استقبال می‌کند.

مسعود اسپنتمان، شبنم اسداللهی، مجتبی اسکندری، مرتضی اسماعیل‌پور، آرش اشرف‌زاده، بهار بهاری، خسرو بیت‌اللهی، فؤاد پاشایی، سیما تاج‌دینی، علیرضا ثمری، مینو جلوداری، سارا جهان‌بخش، بهمن چهل‌امیرانی، آرزو رز، هاله رستمی، افسانه روشن، رامین ژوبین، امین سوفیامهر، امین شاه‌مرادی، امید طاووسی، آریا فرد، مجید فلاح، نیما قاسمی، آرش کارن، امیر کارن، آریا کلانتری، آرش کمانچه، آرش ماد، هاییل ماهور، فربرز محمدخانی، سروش مرادی، محمدرضا مردانیان، سیاوش معنوی، شاهین مقدم، شهرام نامورآزاد، شاهین نژاد، بهرام ورجاوند.

با خجسته‌باد نوروز باستانی به پیشگاه ملت بزرگ ایران و با احترام به مبارزان راه آزادی میهن.

در این دوران سرنوشت‌ساز انقلاب ملی ایران، اتحاد و ایجاد وحدت رویه در مبارزه با جمهوری اسلامی از سوی مشروطه‌خواهان و ایران‌گرایان که از احزاب، سازمان‌ها، جبهه‌ها، و اشخاص مختلف با نظرات و رویکردهای متفاوت تشکیل شده، بایسته و تأمین‌کننده‌ی اهداف تمامی نیروهای ملی‌گرا که همان آزادی و آبادی ایران است، خواهد بود.

ما امضاکنندگان این بیانیه در روز دوازدهم فروردین ۲۵۸۲، روز «نه به جمهوری اسلامی»، ضمن حفظ استقلال فردی و حزبی خود، در همراهی با بیانیه‌ی کنشگران و زندانیان سیاسی مشروطه‌خواه داخل کشور مبنی بر بازگشت به ارزش‌های مشروطیت و حاکمیت قانون، این اصول را به عنوان مبنای حرکت هماهنگ و هدفمند خود معرفی می‌کنیم:

۱. تمامیت ارضی ایران، یگانگی ملت ایران، پذیرش زبان فارسی به عنوان زبان مشترک و پرچم شیروخورشیدنشان به عنوان نماد همبستگی ملی.
۲. استقرار دموکراسی سکولار در ایران که فرم آن با مراجعه به آرای مردم پس از براندازی جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس موسسان تعیین خواهد شد.
۳. حقوق شهروندی برابر برای همه‌ی ایرانیان، فارغ از باور، قومیت، زبان و جنسیت؛ که قوانین مربوط به آن پس از تشکیل مجلس شورای ملی توسط نمایندگان منتخب مردم تعیین خواهد شد.

ما امضاکنندگان این بیانیه متعهد می‌شویم در راستای اصول ذکرشده، ضمن ایجاد وحدت رویه میان نیروهای

به دو خانم بی‌حجاب نوشت: «این آقا به چه خدایی اعتقاد داره که به زنان این سرزمین اینگونه حمله می‌کند؟ من به دینی که بتونه اینگونه با خانم‌ها برخورد کنه کافر». جمهوری اسلامی از نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب ۵۷، انقلابی که یکی از شعارهایش «آزادی» بود، آزادی زنان ایران را با تحمیل حجاب اسلامی به همراه سلب دیگر آزادی‌های اجتماعی و سیاسی هدف قرار داد.

بسیاری از زنانی که در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به ویژه در شهرهای بزرگ زندگی می‌کردند خاطراتی از پاشیدن رنگ و تهدید به خاطر نوع پوشش توسط حزب‌اللهی‌ها و انقلابیون را در ذهن دارند. برخورد وحشیانه مأموران جمهوری اسلامی با زنان در آن سال‌ها تا جایی پیش رفت که گفته می‌شود برخی انقلابیون از جمله اکبر گنجی پونز بر پیشانی زنانی که پوشش آنها «اسلامی» ارزیابی می‌شد می‌زده‌اند و وی به همین دلیل به «اکبر پونز» معروف شد.

محمدحسین صفار هرندی معاون فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اینباره گفته «اکبر گنجی که امروز ادعا می‌کند آنروزها دنبال دخترهایی می‌گشت که چند تار مو از زلف‌شان بیرون زده و به روی آنها اسید می‌پاشید و اینکه به او اکبر پونز می‌گفتند برای این بود که به پیشانی دخترهای جوانی که پوشش متفاوتی داشتند پونز می‌چسباند».

تحمیل حجاب اسلامی که بر اساس ایدئولوژی جمهوری اسلامی پیش برده شده همچنان پس از چهار دهه ادامه دارد و حالا در پی اقدامات جدید جمهوری اسلامی در زمینه تشدید قوانین مرتبط با حجاب اجباری، نیروهای «آتش به اختیار» هم فعال‌تر شده‌اند تا آنچه را از اندک امنیت و آرامش زنان و دختران و نظم اجتماعی در کشور باقی مانده نیز به این بهانه بهم بزنند.

جدا از ویدئوی حمله به زنان با سطل پر از ماست، در ویدئوی دیگری که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، شماری به آزادی پوشش در رامسر، استاندار مازندران را تهدید می‌کنند که اگر در برخورد با «بی‌حجابی» نمی‌تواند کاری کند، آنها به صورت «آتش به اختیار» وارد عمل خواهند شد!

تلاش نیروهای تندرو مذهبی در ایران برای تسلط بر خیابان و جامعه به بهانه حجاب و «امر به معروف» به اظهارات رسمی نیز رسیده است. محمد هادی رحیمی صادق مدیر حوزه علمیه استان تهران هشدار داده است که در صورت ادامه بی‌حجابی زنان «صبر مردم متدین ما به پایان خواهد رسید و ممکن است خودشان دست به اقداماتی بزنند، آنوقت جامعه دچار نابسامانی و هرج و مرج خواهد شد.»

یک روز پیش از ماجرای حمله با ماست، وزارت کشور بیانیه‌ای صادر کرده بود که در آن خود را مخاطب مطالبات عموم «مردم وفادار ایران در موضوع حجاب» دانسته بود. در این بیانیه وزارت کشور مشخصاً اعلام کرده که برای خوشامد «وفاداران به حجاب» تصمیم می‌گیرد و عملاً بخشی را که به حجاب اجباری اعتقاد ندارند نادیده می‌گیرد. در این بیانیه آمده است که وزارت کشور «بر خواسته برحق ایشان [مدافعان حجاب اجباری] مبنی بر داشتن جامعه‌ای عقیف و باحیا صحه می‌گذارد و گوشی شنوا و زبانی پاسخگو و بازویی توانمند برای تأمین حقوق مردم به ویژه حق زیست عقیفانه به عنوان یکی از حقوق اساسی آحاد ملت است.»

حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان چاپ تهران نیز در همین ارتباط گفته قرار نیست امتیازات قابل توجهی به معترضان و سکولارها داده شود و کسی از سال آینده هیچ بی‌حجابی در خیابان‌های ایران نخواهد دید!

موج مهاجران به اروپا با پروازهای مستقیم از خاورمیانه؛ لیتوانی آماده مقابله با «صدور مهاجران» از طریق ایران و بلاروس می شود



خطوط ای مسیری هوایی انتقال مهاجر از خاورمیانه به بلاروس است و خطوط قرمز مسیر زمینی آن

دولت بلاروس و جمهوری اسلامی همکاری کند. گیدر بالچیتیتسه صدراعظم لیتوانی می گوید: «این موقعیت های مدیریت بحران به ما نشان داده اند که به داده های فوری نیاز داریم تا بتوانیم یک موقعیت بحرانی را به سرعت ارزیابی کنیم.»

وزارت کشور لیتوانی پیش بینی کرده اولین پرواز عراق به مینسک در روزهای آتی انجام می شود. یک واحد مدیریت بحران به صورت تمام وقت مسئول رصد پروازها از عراق و ایران شده است. این مرکز متخصصی را از چهار موسسه مختلف، از پلیس گرفته تا اداره گمرک، به کار گرفته است. صدراعظم لیتوانی توضیح می دهد که این مرکز از منابع مختلفی برای بررسی تهدیدات احتمالی علیه لیتوانی کمک می گیرد. طیف گسترده ای از مأموریت بر عهده این مرکز است. از سنجش میزان تشعشعات هسته ای در نزدیکی لیتوانی تا نظارت بر تحرکات نظامی مختلف در نزدیکی مرز این کشور. همچنین نشانه هایی دیده می شود که بیانگر اینست که به زودی سرازیر شدن پناهجویان آغاز خواهد شد. لیتوانی تلاش کرده تا پروازهای عراق به مینسک را متوقف کند. با کمک اتحادیه اروپا، این پروازها از عراق به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. اما مقامات می گویند ادامه این روند غیرممکن است به ویژه در مورد پروازهایی که از ایران به مقصدهای اروپایی از جمله صربستان و بلاروس یا کشورهای شرق اروپا انجام می شود.

در مورد پروازها از ایران، کمیسیون اروپا ابزار کمتری در دست دارد. هیچ توافق نامه ای در مورد بازگشت مهاجران امضا نشده و بنابراین اگر تحرکات جدیدی از سوی ایران صورت بگیرد، مشکل آفرین خواهد بود.

کنسرتینا» مشهور است. آگنه بیلوتایتیه می گوید: «ما اطلاعاتی از نهادهایی در اتحادیه اروپا و همچنین از نهادهای مربوطه خود داریم که گفته اند پروازها از ایران و عراق ممکن است به زودی



دیدار الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهور بلاروس با علی خامنه ای / ۲۲ اسفند ۱۴۰۱

شروع شود.»

لوریناس کاسیوناس رئیس کمیته امنیت لیتوانی می گوید: «این سناریو که ممکن است لوکاشنکو مسیری را برای سرازیر کردن مهاجران به اروپا باز کند محتمل است اما ما کسانی را که او طریق بلاروس به لیتوانی بفرستد اخراج می کنیم.»

اخیراً ۲۲ نفر توانسته اند از طریق مسکو خود را به بلاروس برسانند و در نهایت با عبور از مرز لیتوانی وارد خاک آن کشور شدند. دور از انتظار نیست که مسکو در این اقدام با

● به گفته وزیر کشور لیتوانی، بلاروس به زودی پروازهای مستقیم از ایران و عراق به مینسک را آغاز خواهد کرد. هزاران مهاجر غیرقانونی ممکن است بار دیگر به لیتوانی سرازیر شوند.

● اخیراً ۲۲ نفر توانسته اند از طریق مسکو خود را به بلاروس برسانند و در نهایت با عبور از مرز لیتوانی وارد خاک آن کشور شدند.

● وزارت کشور لیتوانی پیش بینی کرده اولین پرواز عراق به مینسک در روزهای آتی انجام می شود. یک واحد مدیریت بحران به صورت تمام وقت مسئول رصد پروازها از عراق و ایران شده است.

● برای کنترل و محدود کردن پروازهایی که از ایران به اروپا می رسند اتحادیه اروپا ابزار زیادی در دست ندارد. مقامات جمهوری اسلامی بارها اروپایی ها را تهدید کردند که در صورت ادامه فشارها اروپا با بحران های گسترده در زمینه صدور مواد مخدر و پناهجویان مواجه خواهد شد.

● دیمیتری کولتسفس سفیر بلاروس در تهران پیش از سفر الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهوری این کشور به ایران در اواسط اسفندماه ۱۴۰۱ گفته بود «بلاروس و ایران قصد دارند به زودی پروازهای مستقیم میان مینسک و تهران را از سر بگیرند.»

دیمیتری کولتسفس سفیر بلاروس در تهران پیش از سفر الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهوری این کشور به ایران در اواسط اسفندماه ۱۴۰۱ گفته بود «بلاروس و ایران قصد دارند به زودی پروازهای مستقیم میان مینسک و تهران را از سر بگیرند.»

دولت های اروپایی نسبت به توسعه روابط بین جمهوری اسلامی با چند کشور از جمله بلاروس، صربستان و حتی چند کشور در شرق اتحادیه نگران اند.

مقامات تهران بارها اروپایی ها را تهدید کردند که در صورت ادامه فشارها اروپا با بحران های گسترده در زمینه صدور مواد مخدر و پناهجویان مواجه خواهد شد. حسن روحانی در دومین دور ریاست جمهوری خود در سال ۱۳۹۷ در جریان کنفرانس رؤسای مجالس ۶ کشور که در تهران برگزار شد گفته بود «تحریم ها توانایی ایران برای مقابله با قاچاق مواد مخدر و تروریسم را خدشه دار می کند» و در ادامه افزوده بود که اروپا نخواهد توانست «از زیر آوار مواد مخدر، بمب ها و تروریسم و مهاجرت به سلامت خارج شود.»

هزاران مهاجر غیرقانونی ممکن است بار دیگر به لیتوانی سرازیر شوند. به گفته آگنه بیلوتایتیه وزیر کشور لیتوانی، بلاروس به زودی پروازهای مستقیم از ایران و عراق به مینسک را آغاز خواهد کرد. اقدامی که مقامات آن کشور می گویند یک تهدید واقعی است، اما در این مورد اقداماتی برنامه ریزی شده است.

واحدهای امنیتی دولت لیتوانی با جدیدترین و مدرن ترین سیستم های نظارتی تجهیز شده اند تا با این بحران مقابله کنند. لیتوانی مدت ها است مقابله با مهاجران غیرقانونی را آغاز کرده اما وزیر کشور هشدار داد که بلاروس به زودی پروازهای مستقیم از خاورمیانه را آغاز خواهد کرد. آنچه مقامات لیتوانی روی آن حساب باز کرده اند به «حصار

اعتصاب غذای منوچهر بختیاری در زندان؛ بازداشت چهار عضو خانواده جواد حیدری از جانب‌اختگان انقلاب ملی



منوچهر بختیاری و ناهید شیرپیشه بر مزار پسرشان پویا

خانواده این جانب‌اخته را زیر فشار قرار داده‌اند. بر روی مزار جواد حیدری نقش پرنده‌ای که توسط اسلحه به آن شلیک و ده‌ها پرنده از قطرات خون آن به پرواز درآمده و طرحی از «زن، زندگی، آزادی» حک شده است.

در همین ارتباط فاطمه حیدری در حساب توئیترش نوشته است: «الان متوجه شدم از صبح دلوان، برادرزاده‌ی ۲ ساله‌ام را هم بازداشت کرده‌اند!»

سعید افکاری، برادر نوید افکاری نیز در توئیترش با اشاره به این دستگیری نوشت: «چندماه پیش، جمهوری اسلامی، لیانا، خواهرزاده‌ی ۳ ساله‌ام را بازداشت کرد و امروز دلوان حیدری ۲ ساله، برادرزاده‌ی جواد حیدری را به همراه پدر و مادر بزرگ و پدر بزرگش بازداشت کرده است.»

جواد حیدری، ۳۶ ساله در جریان اعتراضات سراسری مردم قزوین در ۳۱ شهریور ۱۴۰۱، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان خود را از دست داد.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد موجی از بازداشت‌های سازمانیافته نیز در ایران آغاز شده است. محمد حبیبی فعال صنفی آموزگاران و سخنگوی کانون صنفی معلمان که ۱۹ بهمن‌ماه از زندان آزاد شده بود، امروز دوباره بازداشت شد. خدیجه پاک ضمیر همسر محمد حبیبی درباره بازداشت همسرش اعلام کرده که «ظهر امروز چهار نفر از ماموران اداره اطلاعات غرب استان تهران پس از حضور در مدرسه و با در دست داشتن حکم بازداشت، همسر محمد حبیبی را دستگیر کردند. ماموران به همراه او جهت تفتیش منزل به خانه آمدند و با فحاشی نسبت به ایشان و بنده، وی را به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کردند.»

محمد حبیبی پیشتر در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱، توسط نیروهای امنیتی در تهران دستگیر و به بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده بود. وی نهایتاً در خردادماه همان سال، به یکی از سلول‌های انفرادی بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شده بود. بازداشت محمد حبیبی به همراه بیش از ۱۰ فعال صنفی کارگری و آموزگار صورت گرفت.

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان روز چهارشنبه ۲۰ مهرماه سال گذشته در دادسرای اوین برگزار شده بود. این فعال صنفی نهایتاً در آبان ماه ۱۴۰۱، توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به اتهام اجتماع و تبانی به ۳ سال و ۷ ماه و به اتهام تبلیغ علیه نظام به ۱ سال حبس، دو سال محرومیت از فعالیت و عضویت در گروه‌ها و منع خروج از کشور محکوم شد.

محل حبس منوچهر بختیاری نوشته شده آمده که پس از معاینه و مشاوره‌های تخصص تشخیص داده شده این فعال سیاسی به بیماری فتق مبتلا و نیازمند جراحی است. رئیس پزشکی قانونی شهرستان قزوین در ادامه خواستار سه ماه مرخصی از زندان منوچهر بختیاری برای «انجام اقدامات درمانی در خارج از زندان برای معالجه» شده است.

در حالی که زمان صدور این نامه سوم آبان است اما با گذشت چند ماه همچنان از اعزام منوچهر بختیاری به مرخصی درمانی جلوگیری به عمل آمده است.

منوچهر بختیاری پس از کشته شدن پویا فرزند ۲۷ ساله‌اش در اعتراضات سراسری آبان ۹۸ که در مهرشهر کرج از ناحیه سر مورد اصابت شلیک مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفت به دادخواهی فرزند برخاست. خانواده بختیاری طی دو سال و نیم گذشته بارها بازداشت، احضار و تهدید شده‌اند.

پیشتر یک منبع آگاه درباره شرایط جسمانی منوچهر بختیاری به خبرگزاری «هرانا» گفته بود که «آقای بختیاری از بیماری‌های کلیوی، پروستات، فتق و گوارشی رنج می‌برد و بهداری زندان صرفاً به تجویز چند قرص اکثفا کرده و وی از دسترسی به درمان تخصصی و مناسب محروم است.»

به گفته این منبع آگاه «بر اساس نظریه پزشکی قانونی از تاریخ ۱ آبان ماه ۱۴۰۱، سه ماه جهت انجام اقدامات درمانی منوچهر بختیاری صادر شده است، اما دادستان کرج با اعزام وی به مرخصی درمانی ممانعت کرده و به ایشان اجازه خروج از زندان را نمی‌دهند.»

این در حالیست که ناهید شیرپیشه مادر پویا بختیاری نیز پس از بارها بازداشت و زندان، از ۲۰ تیرماه ۱۴۰۱ در زندان بسر می‌برد و از تماس و ملاقات با خانواده محروم شده است.

فشار بر خانواده جانب‌اختگان اعتراضات در ایران همچنان ادامه دارد. امروز چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ پدر، مادر و محمد حیدری، برادر جواد حیدری از جانب‌اختگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

فاطمه حیدری خواهر جواد حیدری اعلام کرده که «پدر و مادرم و برادرم محمد حیدری را دستبند زده و بازداشت کردند. به پدر و مادرم گفتند باید سنگ مزار جواد را عوض کنید تا آزادتان کنیم.»

پیشتر نیز روح‌الله حیدری برادر جواد حیدری توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. همچنین گفته شده مأموران امنیتی برای تغییر دادن سنگ مزار جواد حیدری

● منوچهر بختیاری از روز دوشنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۲ در اعتراض به بیش از یکسال ممنوعیت تماس و ملاقات حضوری و عدم رسیدگی پزشکی اعتصاب غذا کرده است.

● پدر، مادر و محمد حیدری، برادر جواد حیدری از جانب‌اختگان جنبش انقلابی سال گذشته امروز چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

● فاطمه حیدری خواهر جواد حیدری در حساب توئیترش نوشته است: «الان متوجه شدم از صبح دلوان، برادرزاده‌ی ۲ ساله‌ام را هم بازداشت کرده‌اند!»

● محمد حبیبی فعال صنفی آموزگاران و سخنگوی کانون صنفی معلمان نیز که ۱۹ بهمن‌ماه از زندان آزاد شده بود، امروز بازداشت شد.

منوچهر بختیاری زندانی سیاسی و پدر پویا بختیاری از جانب‌اختگان اعتراضات سراسری آبان ۹۸، در اعتراض به ممنوعیت تماس، ملاقات و عدم رسیدگی پزشکی، در زندان قزوین دست به اعتصاب زده است.

سارا عباسی همسر منوچهر بختیاری امروز چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ با اعلام این خبر گفته امروز سومین روز از اعتصاب غذای همسرش است.

سارا عباسی در صفحه اینستاگرامش نوشته که منوچهر بختیاری در تماس تلفنی کوتاهی از زندان اعلام کرده «در اعتراض به ممنوعیت تماس و ملاقات بیش از یکساله خود و عدم رسیدگی پزشکی» دست به اعتصاب غذا زده است.

سارا عباسی افزوده که منوچهر بختیاری در حالی اعتصاب کرده که «نیاز به عمل جراحی» دارد و «دیوان عالی کشور نامه‌ای مبنی بر آزادی آقای بختیاری صادر کرده است». او تأکید کرده که علیرغم نامه و نظریه پزشکی قانونی جهت انجام مراحل درمان در خارج از زندان منوچهر بختیاری که‌ماکان در زندان محبوس و از خدمات درمانی مناسب محروم مانده است.

آصف بختیاری برادر منوچهر بختیاری آبان امسال با انتشار نامه رئیس پزشکی قانونی قزوین درباره لزوم عمل جراحی این زندانی سیاسی، نوشته بود که «این نامه مرخصی پزشکی قانونی برادرم منوچهر بختیاری جهت عمل جراحی است که دادستان کرج ممانعت نموده هرگونه اتفاق برای برادر دادخواهم مستقیماً بعد از شخص دادستان می‌باشد.»

در این نامه که از سوی دکتر حبیبی رئیس پزشکی قانونی شهرستان قزوین خطاب به ریاست زندان مرکزی قزوین،

ادعای عفو بیش از ۸۸ هزار زندانی؛ ۱۹ روزنامه‌نگار همچنان در زندان هستند



- تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران در ایران عمدتاً به دلیل انتشار مطالب مرتبط با اعتراضات ۱۴۰۱ و مسمومیت سریالی دانش‌آموزان بازداشت، زندانی یا احضار شده‌اند.
- حدود ۲۰ روزنامه‌نگار در حالی همچنان بلاتکلیف در زندان محبوس هستند که جدا از این افراد، تعداد زیادی از روزنامه‌نگارانی که آزاد شده‌اند هم با سپردن وثیقه و تا صدور حکم نهایی دادگاه آزاد شده‌اند.
- کمیته و هیئت اجرایی پیگیری وضعیت روزنامه‌نگاران آذرماه ۱۴۰۱ در گزارشی تأکید کرده بود که بجز روزنامه‌نگاران بازداشت شده، تعداد زیادی روزنامه‌نگار نیز احضار و بازجویی شده‌اند.

در حالی که مقامات قضایی از «عفو» بیش از ۸۸ هزار زندانی سیاسی و غیرسیاسی با موافقت علی‌خامنه‌ای خبر می‌دهند اما دست‌کم ۱۹ روزنامه‌نگار که در شش ماه دوم سال گذشته و در جریان اعتراضات سراسری بازداشت شده‌اند همچنان در زندان بلاتکلیف هستند.

خبرگزاری هرانا در گزارشی اعلام کرده که تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران که عمدتاً به دلیل انتشار مطالب مرتبط با اعتراضات ۱۴۰۱ و مسمومیت دانش‌آموزان بازداشت شدند همچنان در زندان بلاتکلیف هستند.

این گزارش تأکید کرده که ۱۹ زندانی که در شش ماه دوم ۱۴۰۱ بازداشت شدند هنوز در زندان هستند و افزوده که «بازداشت و محکومیت خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در ایران یکی از موارد نقض آزادی‌های اجتماعی و مدنی شمرده می‌شود.» به گزارش هرانا، تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران در ایران عمدتاً به دلیل انتشار مطالب مرتبط با اعتراضات ۱۴۰۱ و مسمومیت دانش‌آموزان بازداشت، زندانی یا احضار شده‌اند. این اقدامات به عنوان نمونه‌ای از سرکوب آزادی‌های اجتماعی و مدنی در جمهوری اسلامی مورد انتقاد قرار می‌گیرد. گزارش هرانا به وضعیت نوزده تن از روزنامه‌نگارانی که هم‌اکنون در زندان بسر می‌برند پرداخته است.

نیلوفر حامدی، الهه محمدی، ویدا ربانی، علیرضا چپاری، دارستانی، ملیحه درکی، فرزانه یحیی آبادی، فرخنده آشوری، سیامند مهدی، زیبا امیدفر، مارال دارآفرین، ملیکا هاشمی، امیر مسکنی، سیدعلی پورطباطبایی، مرتضی حق بیان، محسن راور، پوریا مهدوی مقدم، ایمان به پسند، محسن احمدی‌زاده، محمد زارع فومنی، ۱۹ روزنامه‌نگاری هستند که از آخر شهریور تا پایان سال ۱۴۰۱ بازداشت اما همچنان بلاتکلیف در زندان هستند.

همانطور که در گزارش «هرانا» اشاره شده با آغاز اعتراضاتی که پس از قتل حکومتی مهسا امینی از شهریور گذشته آغاز شد شمار زیادی از روزنامه‌نگاران بازداشت شدند. نیلوفر حامدی و الهه محمدی نخستین روزنامه‌نگارانی بودند که در این رابطه و به دلیل تهیه گزارش از وضعیت مهسا امینی در بیمارستان و انتشار خبر درگذشت او و همچنین تهیه گزارش از مراسم خاکسپاری او مصاحبه با خانواده‌اش بازداشت شدند. شماری دیگر از روزنامه‌نگاران نیز به دلیل انتشار خبرهایی در ارتباط با اعتراضات سراسری بازداشت شدند.

تعدادی از روزنامه‌نگارانی که همچنان بلاتکلیف در زندان بسر می‌برند به دلیل انتشار گزارش‌ها و خبرهایی درباره مسمومیت سریالی دانش‌آموزان در پی حملات بیولوژیک در مدارس بازداشت شده‌اند. بیشتر نهادهای حقوق بشری گزارش داده بودند که تنها در

سه ماهه نخست اعتراضات سراسری سال گذشته و در پاییز ۱۴۰۱ بیش از ۷۰ روزنامه‌نگار در شهرهای مختلف ایران بازداشت شدند.

کمیته و هیئت اجرایی پیگیری وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران اواخر آذرماه سال گذشته با انتشار گزارشی نوشت که دست‌کم ۷۳ روزنامه‌نگار و عکاس خبری طی سه ماه بازداشت و ۳۵ نفر از آنها در زمان انتشار آن گزارش همچنان در بازداشت بودند.

در این آمار ۳۸ روزنامه‌نگار رسانه‌های سراسری و آزاد، ۲۵ روزنامه‌نگار استانی و ۱۰ عکاس خبری وجود دارند. رسانه‌های شرق، ایلنا، فراز، ایسنا، رویداد ۲۴، مهر، هم‌میهن، هفت صبح، ورزش ۳، دنیای اقتصاد، ایرنا و آسیانیز رسانه‌های سراسری هستند که در سهم بازداشتی‌ها شریکند.

کمیته و هیئت اجرایی پیگیری وضعیت روزنامه‌نگاران تأکید کرده بود که بجز روزنامه‌نگاران بازداشت شده، تعداد زیادی روزنامه‌نگار نیز احضار و بازجویی شده‌اند.

همزمان در آذرماه گذشته خبرگزاری کار ایران (ایلنا) نیز در گزارشی از افزایش فشار بر روزنامه‌نگاران این خبرگزاری خبر داده و نوشته که «تعدادی از خبرنگاران این رسانه در استان‌ها و شهرستان‌ها به نهادهای امنیتی فراخوانده شده و از آنها تعهداتی در خصوص نحوه انتشار اخبار اتخاذ شده است.»

اکنون در حالی بر اساس گزارش «هرانا» حدود ۲۰ روزنامه‌نگار همچنان بلاتکلیف در زندان محبوس هستند که جدا از این افراد، تعداد زیادی از روزنامه‌نگارانی که آزاد شده‌اند هم با سپردن وثیقه و تا صدور حکم نهایی دادگاه آزاد شده‌اند. این در حالیست که مقامات قضایی در مانور خبری و تبلیغاتی، آزادی روزنامه‌نگاران، دانشجویان و معترضان بازداشت‌شده را به «عفو» علی‌خامنه‌ای نسبت می‌دهند. «عفو» به معنی مختومه شدن پرونده است اما در بسیاری موارد «عفو» ادعایی پرونده مختومه نشده و بازداشت‌شدگان با سپردن وثیقه و یا قرار کفالت آزاد شده‌اند.

ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم بهمن ماه گذشته از گفتگو با علی‌خامنه‌ای و جلب رضایت او از تدوین بسته‌ای به نام «بسته امتداد وحدت» خبر داده و گفته بود که این بسته سه گروه مخاطب اصلی شامل دانشجویان، چهره‌ها و ایرانیان خارج از کشور دارد. او افزوده که در این بسته سازوکاری طراحی شده که ضمن باز کردن راه برای بازگشت دانشجویان

به تحصیل و چهره‌ها به کار و فعالیت خود، تسهیلات بی‌سابقه‌ای برای بازگشت ایرانیان خارج کشور فراهم می‌شود. ابراهیم رئیسی در حاشیه راهپیمایی فرمایشی و حکومتی ۲۲ بهمن هم به این بسته اشاره کرد و گفت: «تعداد زیادی از متهمان و محکومان اغتشاشات اخیر، دانشجویان و چهره‌های فرهنگی، ورزشی، رسانه‌ای نیز که در اثر اقدامات غیرقانونی مشمول محدودیت‌هایی شده‌اند، مورد عفو و بخشودگی قرار خواهند گرفت.»

رئیس‌جمهور همچنین افزوده که «یکی دیگر از محورهای بسته وحدت‌آفرین دولت، ایجاد تسهیلات بی‌سابقه برای بازگشت ایرانیان خارج از کشور و رفع محدودیت حتی برای آندسته از ایرانیانی است که در مقاطعی مرتکب اقدامات خلاف قانون شده‌اند. جزئیات بسته دولت به زودی ضمن ابلاغ به وزرا و دستگاه‌های مربوطه به اطلاع عموم مردم خواهد رسید.» آزادی شماری از زندانیان از چند روز بعد آغاز شد که البته اکثریت آنها زندانیان جرائم غیرسیاسی بودند و شامل زندانیانی می‌شدند که در آخرین روزها یا هفته‌های حکم زندان بودند و مشمول مرخصی منجر به آزادی شدند.

در این میان شماری از زندانیان سیاسی، روزنامه‌نگاران، دانشجویان و دیگر شهروندانی که در رابطه با اعتراضات سراسری پاییز و زمستان گذشته بازداشت شده بودند نیز آزاد شدند. بر اساس آخرین آمارهای ارائه شده از سوی معاون قوه قضاییه در سال ۱۴۰۱ بیش از ۸۸ هزار نفر از «عفو معیاری» بهره‌مند شده‌اند. صادق رحیمی معاون قوه قضاییه روز دوشنبه ۱۴ فروردین در جلسه شورای عالی قوه قضاییه آمار «عفو معیاری» را که شامل متهمان و محکومان سال گذشته می‌شود، ۸۸ هزار و ۳۲۶ نفر اعلام کرد.

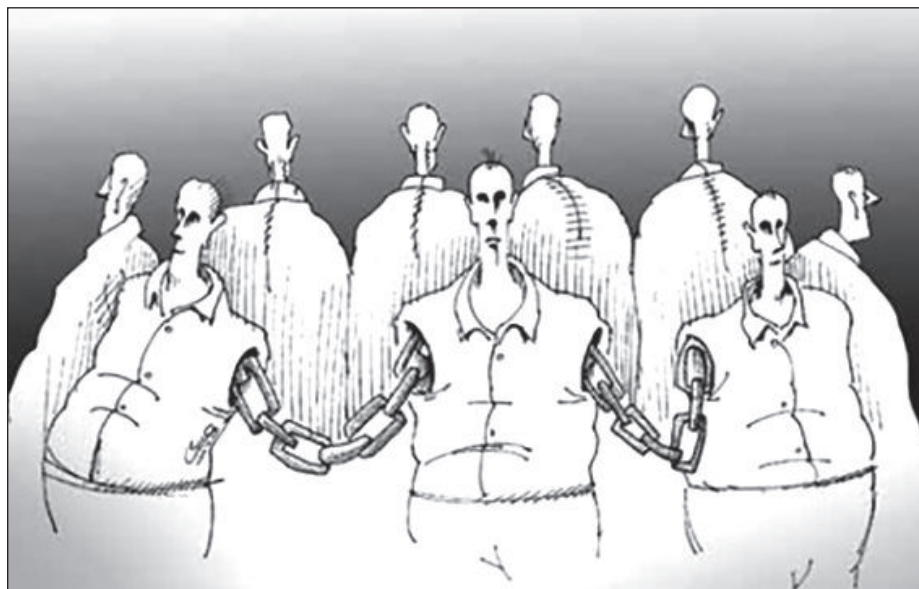
بر اساس تعریف رسانه‌های ایران، در عفو معیاری، فرد ملاک نیست بلکه نوع محکومیت و شرایط ملاک است. شرایط و ضوابط به مراجع قضایی استان‌ها و سازمان‌های مربوط اعلام و نهایتاً عفو انجام می‌شود.

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای روز ۱۴ اسفند گفته بود که بیش از ۸۰ هزار زندانی در جریان عفو اخیر آزاد شده‌اند، اما از ارائه آمار دقیق معترضان بازداشت‌شده خودداری کرده بود.

رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی پس از آن در ۲۲ اسفندماه خبر داد که ۲۲ هزار نفر از کسانی که در جریان اعتراضات بازداشت شده بودند «عفو» و آزاد شده‌اند.

که تا امروز هم ادامه دارد، کشیشان را بر اسرار زندگی مردم، حتی خصوصی‌ترین رازهای خانوادگی، واقف می‌ساخت و فرصت باج‌خواهی (شانناژ) برای آنان فراهم آورد. اعتراف نزد کشیش، طبق ادعای کلیسا، موجب سبک شدن بار گناه می‌شد و بخشودگی گناه از طرف خداوند مستلزم اهدای نذورات بود که صندوق کلیسا را تقویت می‌کرد. بدین سان کلیساها، که ابتدا مظهر سادگی و بی‌نیازی بودند، به صورت مراکز ثروت و اماکن تجملی و تشریفاتی در آمدند. پاپ‌ها تبدیل شدند به امپراتور. اینوسان سوم عقیده داشت که پاپ واسطه بین خدا و پادشاه است. پادشاهی که از پاپ فرمان نمی‌برد، طبعاً محارب با خدا شمرده می‌شد.

نکته قابل تأمل این که «انکیزیسیون» گرچه مخلوق و معلول جنگ‌های صلیبی بود، آسیب چندانی به مسلمانان وارد نکرد. در درجه اول یهودیان را هدف قرار داد و نیز به صورت حربه‌ای در تصفیه حسابهای داخل مسیحیت درآمد. کشتار فجیع «کاتار» ها در جنوب فرانسه، که آئینی از امتزاج تعالیم مسیح و تعالیم مانی در برابر کلیسای خشونت‌گرایی کاتولیک به



وجود آورده بودند، نمونه‌ای از این برخورد به شمار می‌رود. در اینجا، پاپ اینوسان سوم همانگونه عمل کرد که کزتیر موبد در قلع و قمع مانویان و مسیحیان یا به قول خودش بی‌دینان و بد دینان.

اینوسان سوم (اینوسان=معصوم، بیگناه) خیرچینی را تکلیف مذهبی پیروان مسیح اعلام کرد. مؤمنان وظیفه داشتند مراقب رفتار دیگران باشند و از هر کس حرفی شنیدند یا حرکتی دیدند که بوی کفر می‌داد، به بازرسان تفتیش عقاید خبر دهند. بازرسان، مظنونین را تحویل دادرسان می‌دادند و دادرسان به موجب اختیاراتی که داشتند آنان را با زجر و شکنجه وادار به اعتراف می‌کردند. اعتراف، به منزله تن سپردن به محکومیت بود. از «سان بنیتو» گرفته تا سوزانده شدن در شعله‌های آتش.

توماس دوتورکمداد، رئیس محکمه تفتیش عقاید اسپانیا، بدان سبب که در انجام وظایف خود ساعی بوده و احکام الهی را درباره بددینان و بی‌دینان بی‌رحمانه به موقع اجرا گذارده است از طرف پاپ مورد تقدیر قرار گرفت.

درکارنامه این «پدر مقدس» و قاضی خداترس ثبت است که او ده هزار و ۲۲۰ مرد و زن را به مرگ در میان شعله‌های آتش، نود و هفت هزار و ۳۲۱ تن را به زندان ابد، مصادره اموال و یا سان بنیتو (پوشاندن لباس گناهکاران و گرداندن دور شهر و تعزیر) محکوم کرد.

بازنشم

دست دادن یا ندادن

مسئله این است! (۹)

در غرب هم خبری بود

(کيهان لندن شماره ۱۱۶۳-۱۱۷۴)

تیر تا مهر ۱۳۸۶

احمد احرار

شرق را بگذاریم و نگاهی به غرب بیفکنیم. غرب مسیحی در قرون میانه.

مسیحیت در بین ادیان سامی، کمتر به خشونت و بیشتر به مسالمت گرایش دارد. از تعالیم مسیح است که هرگاه کسی بر گونه راست تو سیلی زد، گونه چپ را پیش آر. سن بالسن و الجروح قصاص (چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان) در آئین مسیح نیست. با این همه، قدرت طلبی روحانیون مسیحی، طی چندین قرن یکی از سیاه‌ترین فصول تاریخ بشری را رقم زد.

نقطه اوج این دوران سیاه، جنگ‌های صلیبی است و سپس تأسیس محاکم تفتیش عقاید (انکیزیسیون).

یکی از نوشته‌های قدیم من به بخشی از جنگ‌های صلیبی اختصاص دارد که با عنوان «افسانه شجاعان» ابتدا در پاورقی روزنامه اطلاعات چاپ شد و بعدها به صورت کتابی انتشار یافت.

داستان چنین آغاز می‌شد: «در نیمه راه دمشق و حلب، سیلابی از خون زیر آفتاب داغ و سوزان می‌جوشید و دلمه می‌بست. سرها، دست‌ها و پاهای بی‌پیکر و پیکرهای بی‌سر و دست که سطح زمین را پوشانده بود از پیکاری سخت و خونین حکایت می‌گفت که آن روز، با طلوع آفتاب شروع شده و هنوز روز به نیمه نرسیده، پایان یافته بود. رزم‌آوران شکست خورده اردوگاه خود را بازگذاشته و جانشان را برداشته و گریخته بودند. رزمگاه، خلوت و خاموش به نظر می‌رسید. نه از همه‌مهل دلاوران خبری بود، نه از شیبه اسبان و نه از نوای سنج و طبل. ناله ضعیف مجروحان در گلویشان می‌شکست و روی لبهای خشک آنان که در عطش قطره پی آب می‌سوخت، نقش می‌بست. جز این، نه در حسرت آرزویی می‌سوختند و نه در غم شکستی. جنگ و زندگی برای آنها تمام شده بود و اینک، فارغ از کینه‌ها و عشق‌ها و امیدها، سردی مرگ را حس می‌کردند که در رگهای گرمشان می‌دوید و وجودشان را مسخر می‌ساخت.

اندکی دورتر، مردی تنها، ایستاده بر فراز تلی از خاک، به این مردگان بی‌گور و کفن چشم دوخته بود. در نگاه و سیمای او اندوه موج می‌زد. اندامی کشیده و چهره‌ای باز و خوش نقش داشت. جامه فاخرش بر رفعت مقام او گواهی می‌داد. پشت سر او، اردوگاه حریف مغلوب، دست نخورده و با برج دیده می‌شد. لحظاتی طول کشید تا مردی از درون چادری خارج شد و با آوای بلند خود، سکوت و خلوت مرد تنها را شکست:

سرور من ... بیایید اینجا را تماشا کنید

مرد، برای آخرین بار به صحنه مقابل خود نگاه کرد و آهی کشید. آن گاه از سوی دیگر بلندی، به زیر آمد و به جانب کسی رفت که او را صدا زده بود. همچنان غم آلود و اندیشه‌ناک به نظر می‌رسید. کرنش مردی را که در مقابل چادر ایستاده بود با اشاره سر پاسخ داد و در حالی که شمشیر خود را از کمر می‌گشود تا به دست آن مرد بسپارد آهسته گفت:

حیف نیست که این شمشیر به خون مسلمانان رنگین شود؟ ... خدا را به شهادت می‌گویم که هرگز برای ریختن خون مسلمین شمشیر به کمر نیستم! ... ولی افسوس ...

مردی که شمشیر را می‌گرفت، سخن او را برید:

سرور من، چاره چیست وقتی که مسلمانان جاهلی فریب می‌خورند و دوست را از دشمن باز نمی‌شناسند. به خدا سوگند که خون این مسلمانان جاهل مباح‌تر است تا کافران صلیبی که در راه دین و آیین خود شمشیر می‌زنند!

شخصیتی که در این صحنه ترسیم می‌شود صلاح‌الدین ایوبی است پس از غلبه بر امیر سیف الدین، در فاصله میان دو دوره از جنگ‌های صلیبی که مسلمانان با مسلمانان در جنگ بود و مسیحی با مسیحی.

داستان کتاب بر گرفته از دوره سوم جنگ‌های صلیبی است

که دو هم‌اورد آن، دو چهره درخشان این جنگ‌ها- صلاح‌الدین ایوبی از یک سو و ریشارد شیردل از سوی دیگر- دلبرانه جنگیدند و شجاعانه صلح کردند. دو چهره‌ای که مشابه آنها را در هفت جنگ دیگر مشاهده نمی‌کنیم.

جنگ‌های صلیبی از قرن یازدهم تا قرن سیزدهم طول کشید. اولین دوره جنگ در سال ۱۰۹۶ میلادی آغاز شد و هشتمین دوره جنگ در سال ۱۲۹۰ میلادی پایان گرفت. بهانه جنگ، در ابتدا یاری رساندن به مسیحیان ساکن بیت المقدس بود که مورد فشار و آزار مسلمانان ترک قرار گرفته بودند و باز پس گرفتن مدفن عیسی مسیح از ترکان. اما به مرور، جنگ ریشه‌های عمیق‌تری پیدا کرد و با منافع اقتصادی و مطامع سیاسی هر دو طرف در آمیخت و احساسات و تعصبات مذهبی وسیله‌ای بود برای برافروختن آتش جنگ، هر بار که این آتش فرو می‌نشست. جنگ‌های صلیبی، به قدرت گرفتن کلیسای کاتولیک انجامید. پاپ‌ها، از رهبانیت فاصله گرفتند و به فرماندهان جنگی تبدیل شدند. رهبری جنگ به وسیله پاپ‌ها، پادشاهان را عملاً زیر دست آنان قرار داد و هر زمان پادشاهی در مقام معارضه با کلیسا برآمد یا قدمی در جهت مخالف اهداف و سیاست‌های پاپ هم‌زمان خود برداشت، مورد تکفیر قرار گرفت.

درسال ۱۱۱۹ پاپ اینوسان سوم، محاکم تفتیش عقاید و نیز رسم اعتراف به گناه و طلب آمرزش را بنیاد نهاد. سنت اخیر

ادامه دارد

شاه با من برای تشکیل دولت مذاکره کرد

برنامه من و وزیرانی که در نظر گرفته بودم موجب شگفتی پادشاه شد
هنوز هم فکر می‌کنم اگر این برنامه در آن هنگام اجرا شده بود ایران نجات می‌یافت
سپهبد مقدم به شاه و شهبانو التماس کرد که از آوردن شریف امامی خودداری شود
(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنش

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۷)

دکتر هوشنگ نهاوندی



اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاص افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تاس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

ایستاده می‌پذیرفت. گاهی هم چند گامی برمی‌داشت. این گونه شرفیابی کار آسانی نبود، ولی ما عادت داشتیم. در این آئین، البته استثناهایی هم بود: نخست‌وزیر، روحانیون بلندپایه و خارجی‌ها.

این بار، از من خواست بنشینم. آن هم نه در برابر میز کارش، بلکه در گوشه‌ای از تالار. در مقابل من نشست. چند لحظه‌ای نگاهم کرد، سپس زنگ زد و به مأمور تشریفات دستور دو جای داد. او که این تغییر رسم را دیده بود، با شگفتی به من نگریست. اینها بازیهای دربار و حيله و تدبیرهایش بود. به چشم او موقعیت من تغییر کرده بود و بدون تردید درباره همین موضوع سخنها گفته می‌شد و شایعاتی پراکنده می‌گشت.

پس از آن که دو سینی چای به ما تعارف کردند (شاه را همواره پیشخدمت و سینی چای جداگانه‌ای پذیرایی می‌کرد)، اعلیحضرت نقطه‌نظرهای خود را پیرامون اوضاع کلی مملکت توضیح داد. به نظر او، وضع بحرانی بود، اما ناامیدکننده نبود. شاه هنوز همان اعتماد به‌نفس غرورآمیز و نیرویی را که چند هفته بعد از دست داد، داشت: «اگر موقعیت پیش آید که شما در برابر وضعیت کنونی قرار بگیرید، و ناکزیر شوید با آن مقابله کنید، راه حل‌تان چیست؟»

توضیحات من با تحلیل دلایل داخلی نارضایتی مردم که مورد سوء استفاده بیگانگان قرار می‌گیرد، آغاز شد. فساد مالی گروه کوچکی از طبقه اداره‌کننده مملکت، فشارهای تورمی، گندکاری در ادارات دولتی، چند اقدامی که انجام شد و افکار عمومی آنها را نپسندید و کسانی که در دولت‌های «هویدا» و «آموزگار» آن کارها را کردند، نبود گفتگوی واقعی با سرآمدان روحانیون، شایعات پی در پی پیرامون «ساواک»، که البته تیمسار مقدم اصلاح آن را آغاز کرده بود، و بالاخره شیوه کار و ساختار «بنیاد پهلوی» (بنیاد نیکوکاری و فرهنگی که به نهاد پادشاهی تعلق داشت، از مزایایی برخوردار و از نظر قانونی، نیمه‌دولتی بود) که پاره‌ای شرکتها به آن وابسته بودند.

با حالتی بسیار جدی سخنانم را، بدون آن که قطع‌شان کند گوش می‌داد. سپس به راه‌حل‌ها رسیدم که در رأسش ←

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌ممد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

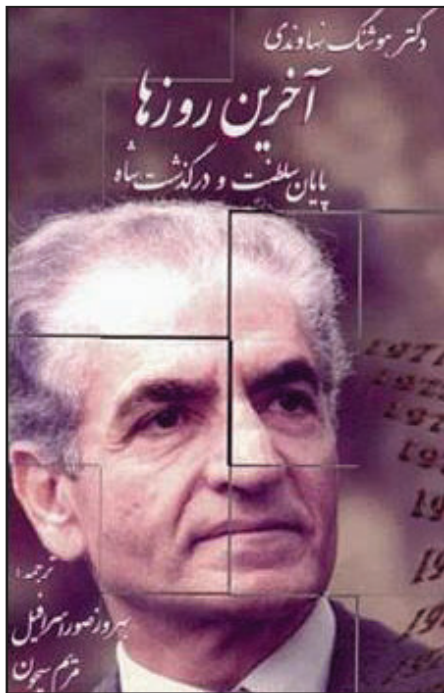
نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع‌آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشت‌های روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت



تغییر دولت کرد.

از تشریفات به من خبر دادند که به کاخ احضار شده‌ام. من، تقاضای شرفیابی نکرده بودم. از پیش به من گفتند که خود را آماده کنم زیرا از من پرسشهایی درباره تحولات اوضاع سیاسی و پیشنهادهایی که برای مقابله با بحران دارم، خواهد شد. چند یادداشت آماده کردم. البته همه تقریباً آماده بود. کافی بود آخرین گزارشهای «گروه بررسی مسائل ایران»، همان گروهی که چندین سال ریاستش را داشتم و چندین گزارش هشداردهنده و چندین راه حل جایگزین در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - برای سیاستهای جاری ارائه کرده بود، همراه می‌داشتم.

شاه مرا با محبت پذیرفت. معمولاً مخاطبانش را در حال

در همین زمان بود که شاه با صدور فرمانی پروفیسور عباس صفویان را به سمت «طبيب مخصوص شاهنشاه آرپامهر» منصوب کرد. صفویان انترن پیشین بیمارستانهای پاریس، رئیس پیشین بخشهای بیمارستانی دانشگاه پاریس و استاد پزشکی بود. همچنین رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه ملی، دومین دانشگاه پایتخت بود و سپس به ریاست آن دانشگاه نیز رسید. «صفویان» شهرت فراوان داشت، مسلمانی خوب شناخته می‌شد که مداوای چند تن از بزرگان مذهبی نیز بر عهده‌اش بود. او، همانند همه جوانان ضد کمونیست سالهای دهه پنجاه میلادی، به رؤیاهای ملی‌گرایانه و وطن‌پرستانه «محمد مصدق» مردی که با انگلیسها و کمونیستها درافتاده بود، پیوسته بود. صفویان قائم‌مقام رئیس گروه «بررسی مسائل ایران» بود و چهره‌ای اصلاح‌طلب به‌حساب می‌آمد. ما بعدها دریافتیم که او از سال ۱۹۷۶ در میان گروه پزشکی بود که بیماری شاه را (که پنهان نگه‌داشته شده بود)، درمان می‌کرد. شاه با انتخاب صفویان به‌عنوان پزشک شخصی خود، با یک تیر دو نشان زد. پروفیسور در ماههای آخر مرتب به کاخ می‌رفت. گاهی می‌گفت برای مشاوره پزشکی با شهبانو - که علیا حضرت هیچ نیازی بدان نداشت، یا برای اظهار نظر پیرامون تندرستی ملکه مادر - که او نیز پزشکان ویژه خود را داشت - به آنجا می‌رود. این رفت و آمدها می‌توانست شك و شبهه‌هایی به‌وجود آورد یا شایعاتی را پیرامون سلامت شاه برانگیزد. شاه با انتخاب صفویان دیدارهای او را عادی جلوه می‌داد. طبیعی بود که پزشک شخصی‌اش مرتب او را ببیند. در ضمن، اقدامی برای خوشایند روحانیون، به‌ویژه شریعتمداری انجام داده بود. البته، دکتر ایادی پزشک عمومی سالخورده، از کار برکنار نشد. اما از او خواستند که بی سر و صدا رفتار کند. یک مسلمان خوب با اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه و آزاد اندیشانه، به مسؤولیت حساسی که نیاز به شخصی مورد اطمینان داشت، انتخاب شده بود. و به‌گونه‌ای عمل شد که این تصمیم نامشهود ماند.

ظاهراً شاه تصمیم خود را گرفته بود. از همان روز شبانه ۲۱ اوت، البته در خفا، آغاز به پرس و جو و نظرخواهی برای

این بود که: به نظر من یک دولت جدید ناچار و هرچه زودتر باید بر سر کار بیاید. آن دولت باید در آغاز از مجلسین اختیارات کامل برای شش ماه بگیرد. پیش از هر چیز، یک دگرگونی ریشه‌ای اخلاقی لازم است: نام برخی از اعضای خانواده سلطنتی، از جمله دو برادر و یک خواهر شاه را بردم. شاه هیچ واکنشی نشان نداد. حتی کوچکترین حرکتی در چهره‌اش پس از شنیدن آن نامها به وجود نیامد. پس گفتم: آنان باید دستور ترک کشور را از اعلیحضرت دریافت کنند. «تقریباً سیصد تن از متصدیان مهمترین مقامات مسؤول دولتی و اداری باید از افراد کارآزموده و درستکار باشند. و این باعث خواهد شد چند تنی که به راحتی می‌پندارند تغییر ناپذیرند، از کار برکنار شوند.»

شاید اشتباه کردم که مثال مسخره یکی از بلندپایه‌ترین مقامات کشور را که اخیراً در یکی از رستورانهای یونانی تهران، مست لایعقل دیده شده بود، و استانداری که در یک رقاخانه (دیسکوتک) مجلل شهر با داد و فریاد با مشتریان میز بغلی مرافعه کرده بود را زدم. و فوراً افزودم: این کارها شاید در آن کشورهایی که به ما درس اخلاق می‌دهند بسیار عادی باشد، اما در این جا افکار عمومی را تکان می‌دهد. شایعات پراکنده شده، این دو رویداد را بال و پر داده بود و با تیره ساختن چهره حکومت، زیان بسیار به شهرت رژیم وارد آورده بود.

برای مقابله با فشار تورمی، برنامه‌ای درازمدت لازم است. در کوتاه‌مدت نیز فوراً باید چند انحصار اقتصادی و بازرگانی بخش خصوصی را که سرچشمه سوء استفاده و شایعات بود، لغو کرد تا رقابت آزاد، صورتی واقعی بگیرد. اتاقای اصناف که هویدا به وجود آورده بود، «قانقاریا» بی بود که داشت به کل بدنه جامعه سرایت می‌کرد و باید فوراً منحل می‌شد. این اتاقا باعث نارضایتی بازاریان و بورژوازی کوچک و متوسط شده بود. جریمه‌های صنفی باید فوراً و یکجا بخشیده می‌شد. ۱۸۰ هزار پرونده در انتظار رسیدگی بود و رسیدگی سریع به آنها غیر ممکن. کسبه، بازرگانان خرده‌پا و صاحبان صنایع خشمگین بودند. پیشنهادی نیز برای پاکسازی و بهسازی سریع محله‌های جنوب شهر تهران و محله‌های اطراف تبریز، شیراز، اصفهان، آبادان، خرمشهر، اهواز و چند شهر بزرگ دیگر داشتم. همچنین باید به تقویم سنتی شمسی بازمی‌گشتیم و ساعات تابستانی و زمستانی را که بی جهت نارضایتی مردم را برانگیخته بود، به صورت اول درمی‌آوردیم. در غرب این ترفند را برای صرفه‌جویی در انرژی ابداع کرده بودند. ما چرا؟

بالاخره عقیده من آن بود که اگر قرار باشد «ساواک» توانایی و کارایی خود را در زمینه اطلاعاتی و ضد جاسوسی حفظ کند، بیشترین بخش امنیت داخلی باید به پلیس کشور سپرده شود. رایزنی‌های گسترده‌ای برای انتقال پاره‌ای از تخصصها و متخصصین «ساواک»، بی آن که به امنیت کشور لطمه وارد آید، باید انجام شود و سپس این تصمیم عملی گردد.

برنامه دولت من

به شاهنشاه عرض کردم که اگر مرا مأمور تشکیل دولت کند، هیأت وزیران و برنامه کار کوتاه مدت و سفت و سخت خود را خیلی زود به مجلسین ارائه خواهم کرد. نامهایی را بردم که گاه او را به شگفتی وامی‌داشت. در میانشان چهره‌هایی بودند که برکنار شده ولی وفادار مانده و به خاطر پاکدامنی و قاطعیت‌شان مشهور بودند. همین طور چند امیر ارتش شاغلا یا بازنشسته در فهرست نامهای من قرار داشتند. شاه حتماً در انتظار شنیدن نام چند تنی از دانشگاهیان یا تکنوکراتها بود. به او گفتم اوضاع کشور هنوز در مهار است، اما اگر لازم شود، نباید تردیدی در اعلام حکومت نظامی کرد.

شاید به مدت سه ماه، تا سرکشان دریاوند که زمان شوخی به پایان رسیده است. بعد، در راه دمکراسی پیش خواهیم رفت. آزادسازی فضای سیاسی فقط می‌توانست با اعمال قدرت یک دولت نیرومند و غیر قابل انتقاد، معنی یابد. انتخابات مجلس و شهرداریها باید با شرکت همه مخالفین رژیم که اصول قانون اساسی را پذیرفته باشند، انجام گیرد. به عنوان نتیجه‌گیری گفتم: هنوز می‌توان همه چیز را نجات داد. فکر می‌کردم و هنوز می‌کنم که اگر این برنامه همان هنگام اجرا شده بود، ایران را می‌شد از انقلاب نجات داد و می‌شد بی هیچ عذاب وجدان در برابر افکار و انظار بین‌المللی، به دسیسه‌های خارجی نقطه پایان گذاشت.

شاه، بیش از یک ساعت به سخنانم گوش داد. گاهی از من چیزی می‌پرسید و یادداشت می‌کرد. سپس مؤدبانه از من تشکر کرد، اجازه مرخصی‌ام داد و با لبخندی گفت: «فکر خواهم کرد.»

ساعاتی بعد، بخشهای کوتاهی از اظهارنظرهایی که شاه پس از ملاقات طولانی با من با اطرافیانش کرده بود به اطلاعم رسید. گفته بود: «نهاوندی می‌خواهد باشگاههای شبانه را تعطیل کند»، «می‌خواهد حکومت نظامی برقرار کند»، «می‌خواهد سیصد نفر را پاکسازی کند»... همه اینها شوخیهایی نیشدار بود!

چند روز بعد دوستانم از من انتقاد کردند که در دیدار با شاه، بیش از اندازه خشونت به خرج داده‌ام و می‌بایستی با مدارای بیشتری سخن می‌گفتم. اما اشتباه می‌کردند.

دیگری گفتگو کردیم.

کابینه شریف امامی

روز ۲۵ اوت، کمتر از یک هفته پیش از ترمیم کابینه «آموزگار»، از او خواسته شد که استعفا بدهد و تا انتصاب نخست‌وزیر جدید، مأمور شد کارهای روزمره دولت را بگرداند. «اندیشیدن» شاه به نتیجه رسیده بود.

روز ۲۷، که شنبه و آغاز هفته در ایران بود، «جعفر شریف امامی» رئیس هفتادساله سنا، بنیاد پهلوی، بانک توسعه صنعتی و معدنی، شمار بسیاری شرکت‌های صنعتی و بازرگانی و بانکی، و استاد اعظم لژ فراماسونری ایران، مأمور تشکیل کابینه شد.

خاندان سلطنت، پس از بازگشت از نوشهر، موقتاً در کاخ سفید در «سعدآباد» واقع در بلندیهای شمال تهران سکنی گزید. محمدرضا شاه تاب تحمل دستگاههای تهویه مطبوع را نداشت. در پایان ماه اوت، هوای پایتخت هنوز گرم بود. طبعاً کاخ «نیاوران» هم که در دامنه خشک البرز، در محیطی کم‌درخت بنا شده بود، گرم بود. اما «سعدآباد» فرق داشت. پردیس بسیار پهناوری داشت که چند تن از اعضای خاندان سلطنت در آن اقامت دائم گزیده بودند. زوج سلطنتی همیشه آن اقامتگاه سرسبز را که در سالهای نخستین دهه ۱۹۳۰ بنا شده بود در اختیار داشتند. نمای ساختمان از سنگ سفید بود و به همین دلیل آن را «کاخ سفید» می‌نامیدند. البته واژه کاخ در موردش اغراق آمیز بود. ساختمانی کوچکتر



و نامجهزتر از «نیاوران»، ولی با درجه حرارتی کاملاً قابل قبول، در طول روز دلپذیر و در شب خنک بود. روز پنجشنبه ۲۵ اوت حدود ساعت ده صبح برای ملاقات با شهبانو به کاخ رفتم. معمولاً روزهای پنجشنبه علیاحضرت ملاقات‌کنندگان را نمی‌پذیرفت و من هم قرار شرفیابی نداشتم. ولی می‌خواستم از خبرها آگاه شوم و مطمئن بودم او چند دقیقه پس از بیرون آمدن از آپارتمان خصوصی‌اش، مرا خواهد پذیرفت. به همین دلیل رفتم. مرا در تالار انتظار نشانند و به وسیله پیشخدمت مخصوص شهبانو به اطلاع ایشان رساندم که خواستار دیدار شهبانو هستم. شاه، دو بار در هفته نظامیان را می‌پذیرفت، و یکی از آن روزها پنجشنبه بود. در آنجا رئیس ستاد بزرگ



حسین امیرعبداللہیان: «اغتاشات پاییز» آمریکا و برخی کشورها را با مداخلات به اشتباه انداخت



حسین امیرعبداللہیان در جلسه با سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه در مسکو / مارس ۲۰۲۳

همفکران سعید جلیلی دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی از مخالفان سرسخت برجام به شمار می‌روند.

در ایران جریانی قدرتمند اصرار دارد که منفعت حکومت در هسته‌ای شدن است. آنها دستیابی به سلاح اتمی را «تضمین امنیت و بقای نظام» می‌دانند اما ادعای همکاری جمهوری اسلامی با آژانس چندان با واقعیت تطبیق ندارد. هرچند رافائل گروسی بعد از بازگشت از تهران اعلام کرد برای افزایش ۵۰ درصدی بازدید از تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی توافق شده اما شماری از مقامات و مسئولان سازمان انرژی اتمی و همچنین برخی مقامات سیاسی و «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» این توافق را انکار کردند! کوروش احمدی تحلیلگر مسائل بین‌الملل به این‌ها می‌گوید: «مهم‌ترین چالش دستگاه دیپلماسی در سال جاری احیای برجام و حل مسئله ایران با آژانس است.»

وی در پاسخ به پرسشی درباره حضور مخالفان نظام در کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی بجای دعوت از مسئولین جمهوری اسلامی گفته «اینکه گفته شود کم‌کاری از وزارت خارجه است یک عامل فرعی است. اگر یک چشم‌انداز متناسب با شرایط داخلی و شرایط بین‌المللی وجود داشت بسیاری از اتفاقاتی که در داخل افتاد، نباید می‌افتاد و بسیاری از ابعاد سیاست خارجی کشور باید به گونه‌ای متفاوت می‌شد.»

روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران ادعا می‌کند «اروپا پرونده برجام را جدا از آشوب دنبال می‌کند» این در حالیست که مقامات اروپا و آمریکا بارها بعد از آغاز خیزش انقلابی مردم در ایران تأکید کردند دیگر مذاکره با جمهوری اسلامی اولویت آنها نیست و تظاهرات و حمایت از مردم ایران را مورد توجه و تمرکز خود قرار داده‌اند. حتی پس از فروکش کردن اعتراضات در خیابان‌ها نیز شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ادعا کرد «غربی‌ها می‌گویند انقلاب تمام شده، پس چرا نباید به میز مذاکره برگردیم؟» اما ادعای مقامات نظام در مورد پیام‌های آمریکا برای مذاکرات پشت پرده هربار توسط مقامات مسئول آمریکایی رد شد.

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با شبکه «الجزیره» به تأثیر خیزش انقلابی ضدحکومت و به تعبیر وی «اغتاشات»، در توقف مذاکرات اتمی توسط غرب اشاره کرده و از آمریکایی‌ها خواسته است واقع‌بین باشند. ● امیرعبداللہیان تأکید کرده در نقطه‌ای ایستاده‌ایم که می‌شود «توافق» را نهایی کرد.

● امیرعبداللہیان مدعی شده «ما در مسیر همکاری نیرومند بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داریم و در سطح فنی به همکاری‌هایمان با آژانس ادامه می‌دهیم» اما حتا کارشناسان و تحلیلگران حکومتی نیز معتقدند که «مهم‌ترین چالش دستگاه دیپلماسی در سال جاری احیای برجام و حل مسئله ایران با آژانس است.»

● کوروش احمدی تحلیلگر مسائل بین‌الملل به این‌ها در پاسخ به پرسشی درباره حضور مخالفان نظام در کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی بجای دعوت از مسئولین جمهوری اسلامی به این‌ها گفته «اگر یک چشم‌انداز متناسب با شرایط داخلی و شرایط بین‌المللی وجود داشت بسیاری از اتفاقاتی که در داخل افتاد، نباید می‌افتاد و بسیاری از ابعاد سیاست خارجی کشور باید به گونه‌ای متفاوت می‌شد.»

حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی که به مسکو سفر کرده در مصاحبه با شبکه «الجزیره» درباره وضعیت مذاکرات برجام گفته است «در اغتاشات پاییز، برخی کشورها و از جمله آمریکا با مداخلات خود دچار خطا شدند.»

وی ادعا کرد «در نقطه‌ای قرار داریم که رسیدن به توافق و جمع‌بندی توافق می‌تواند دست یافتنی باشد؛ به شرطی که طرف آمریکایی واقع‌بینانه برخورد کند.» وزیر خارجه جمهوری اسلامی تأکید کرده «در مجلس شورای اسلامی برخی نمایندگان می‌گویند دولت برای همیشه نباید در مسیر مذاکره برای بازگشت همه طرف‌ها به برجام قرار داشته باشد و معتقد هستند که فرصت گفتگو و مذاکره همیشگی و دائمی می‌تواند باشد.»

امیرعبداللہیان همچنین با اشاره به سفر اخیر رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تهران مدعی شده «امروز در مسیر همکاری نیرومند بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داریم. اخیراً هم هیأت‌هایی بین ما تبادل شده... ما در سطح فنی به همکاری‌هایمان با آژانس ادامه می‌دهیم. همکاری ایران و آژانس و بازگشت همه طرف‌ها به تعهدات خود در برجام همچنان در دستورکار ما قرار دارد و ما مذاکره و دیپلماسی را مسیر مناسبی برای حل مسئله می‌دانیم.»

اشاره وزیر خارجه جمهوری اسلامی به تأثیر خیزش انقلابی مردم علیه حکومت در توقف مذاکرات بیشتر نیز از سوی سایر مقامات و عوامل نظام مطرح شده بود. چنانکه محمد مزندی مشاور تیم مذاکره‌کننده اتمی و پسر پزشک مخصوص علی خامنه‌ای عنوان کرد «آشوب‌ها آمریکا را به طمع انداخت تا در مذاکرات تعلل کنند.» وی در یک اظهار نظر دیگر نیز گفته بود «اختلاف داخل آمریکا و آشوب‌ها» باعث توقف مذاکرات شد.

ادعای امیرعبداللہیان در مورد فشار برخی نمایندگان مجلس برای توقف مذاکرات ظاهراً درست است. شماری از نمایندگان مجلس نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و

→ ارتشداران، وزیر جنگ، تیمسار «مقدم» رئیس «ساواک» و یکی دو نفر دیگر را دیدم. خبر رفتن «آموزگار» به اطلاع همه رسیده بود، و انتخاب «شریف امامی» هم که هنوز رسماً اعلام نشده بود، پخش شده بود و همه آزادانه از آن سخن می‌گفتند. تیمسار مقدم دفتر شاه را ترک کرده بود و به نظم رسید که دستخوش هیجان شدیدی است. از من پرسید که آیا می‌توانم قرار ملاقاتی با شهبانو برایش ترتیب دهم. با تلفن داخلی به شهبانو زنگ زدم. با مهربانی گفت که تا لحظاتی دیگر ما را خواهد پذیرفت. به طبقه بالا که شهبانو در آنجا دفتر کوچکی داشت رفتیم. در راه پله، تیمسار گفت: می‌خواهم برای این ملاقات شاهدهی داشته باشم. گزارش او را به یاد داشتم. در آن هنگام هم او می‌خواست شاهدهی داشته باشد.

تیمسار به شهبانو گفت: «امیدوارم شهبانو مرا درک کنند. من در عرایض به پیشگاه علیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر، ملایمت بیشتری به‌خرج دادم. اما در مورد انتخاب «شریف امامی» به نخست‌وزیری اگر اجازه داشته باشم دخالت کنم، باید بگویم این نفرت‌انگیزترین انتخابی است که می‌شد در این دوره بحرانی کرد. این بدترین و خطرناکترین انتخاب برای آینده کشور است. شریف امامی نه تنها مرد میدان اوضاع کنونی نیست، نه فقط هیچ طرفداری ندارد و هیچ کس از او خوشش نمی‌آید، بلکه به هیچ وجه خوشنام هم نیست. وظیفه من است که بگویم انتصاب او به نخست‌وزیری، فاجعه است. این مرد، کشور را یکراست به پرتگاه خواهد برد. هنوز وقت هست؛ علیحضرت از شاهنشاه بخواهید، استدعا کنید که در انتخابشان تجدید نظر بفرمایند.» این صحنه فراواقعی تا ابد در خاطره من حک شده است: «هر سه ایستاده بودیم. سپهبد مقدم به حالت خردار، بی حرکت... شهبانو گوشی تلفن را برداشت، شاه آن سوی خط بود.

شهبانو گفت: «علیحضرت (او را در برابر دیگران این گونه خطاب می‌کرد، و در اندرون «مدی» که مخفف محمدرضا بود)، رئیس ساواک‌تان اینجاست. ایشان از من می‌خواهند به پای شما بیفتم و به شما التماس کنم که شریف امامی را نخست‌وزیر نکنید. می‌گوید او بدنام است و این به‌راستی بدترین و خطرناکترین انتخابی است که ممکن است در وضع کنونی بشود.»

شهبانو چند دقیقه سکوت کرد. به سخنانی گوش می‌داد که از آن سوی خط تلفن گفته می‌شد و طبیعتاً ما آنها را نمی‌شنیدیم. بالاخره تلفن را قطع کرد و به ما گفت: «متأسفانه گمان می‌کنم هیچ کاری نمی‌شود کرد.»

هنگامی که از دفتر شهبانو بیرون آمدم، تیمسار «مقدم» بهت‌زده، خشم خود را بروز داد:

«به‌راستی باورم نمی‌شود!... آیا ممکن است اطلاعات علیحضرت اینقدر غلط باشد... یا اینقدر بی اطلاع باشند... شریف امامی!... دو ماه دیگر شورش همگانی می‌شود!... دست کم من آنچه از دستم برمی‌آید برای جلوگیری از گرفتارشدن‌مان به بدترین وضع کردم. شما شاهدهید. خواهش می‌کنم شما باز هم بکوشید.»

من به دفتر شهبانو بازگشتم. باز در حال گفتگو با تلفن بود. پس از آن که گوشی را گذاشت، گفت: من دوباره نزد علیحضرت پافشاری کردم. ولی هیچ کاری نمی‌شود کرد. هیچ... تصمیمش را گرفته است...

از شهبانو پرسیدم: «می‌توان «آموزگار» را حفظ کرد؟ می‌شود که استعفايش مورد قبول قرار نگیرد. رابطه او با آمریکاییها خوب است، و به پاکدامنی و وفاداری شهرت دارد. هیچ شك و تردیدی در موردش وجود ندارد. او می‌تواند در رأس يك دولت سیاسی قرار گیرد و اعتماد عمومی را جلب کند.» شهبانو با اندوه، سر خود را تکان داد. (ادامه دارد)

رضا پهلوی، فرصت یا خطر؟

(بازنشر از بهمن ۱۳۸۴)

بازنشر

الاهه بقراط - [این تحلیل مربوط به کمی پس از روی کار آمدن محمود احمدی نژاد و تداوم تبلیغ اصلاحات و موج دیگری از مهاجرت و گسترش لابیگری جمهوری اسلامی و استقرار صادراتی‌ها در خارج کشور است که چهار سال بعد، با- و پس از جنبش ۸/تشدید شد.]

گفته بودم در فرصتی دیگر به نام آنچه مضمونش همبستگی نیروهای دمکرات ایران در مقابله با جمهوری اسلامی و گشودن راه تحقق دموکراسی و حقوق بشر است، خواهم پرداخت. لیکن از آنجا که واقعا معتقدم نام این مضمون اساسا از اهمیت برخوردار نیست، به همین بسنده می‌کنم که بگویم نامش را هر کس هر چه دلش می‌خواهد بگذارد: اتحاد، جبهه، ائتلاف، همبستگی، کنگره، و همراه با قید فراگیر، گسترده، سراسری، ملی و... به راستی این نام چه اهمیتی دارد، هنگامی که از یکسو همه ظاهرا «عنب» و «استافیل» و «انگور» و «ثوزوم» می‌خواهند و از سوی دیگر هر یک از آن «موجود» ایستاده در تاریکی تفسیر خود را ارائه می‌دهد؟ حال آنکه با یک فرهنگ لغت و روشن کردن یک چراغ می‌توان دریافت آنچه ضروریست و آنچه تلاش می‌شود توضیح داده شود، چیزی جز یک امر واحد و مشترک نیست که هر کس آن را به نامی می‌خواند و به پندار خود به توصیف تنها بخشی از آن می‌پردازد.

خطر کجاست؟

این بحث را با تأکید بر اینکه هیچ جنبش و حرکتی بدون یک رهبری معین که مردم و جهان آن را مخاطب قرار دهند، نمی‌تواند به اهداف خود برسد، پی می‌گیرم. بر همین زمینه، شکل‌گیری «اتحاد جمهوریخواهان» در اوایل سال ۲۰۰۳ نیز دو دلیل مهم داشت: یکی تشکیل یک جبهه سیاسی در برابر مشروطه‌خواهان و مبارزه با «بازگشت سلطنت»، و دیگری عرضه خود به جهان غرب و یا به زبان عامیانه: «ما هم هستیم».

مشکل بزرگ گردانندگان «اتحاد جمهوریخواهان» اما این است که خود را به خطا سخنگوی همه جمهوریخواهان می‌پندارند. واقعا آیا همه کسانی که طرفدار جمهوریخواهان حرکت گام به گام و اصلاحات در ساختار جمهوری اسلامی هستند؟ آیا همه جمهوریخواهان رژیم جمهوری اسلامی را اساسا به پرسش نمی‌کشند و خواهان تغییر آن نیستند؟ آیا پاسخ منفی به همین پرسش‌ها یکی از دلایل شکل‌گیری «جمهوریخواهان دمکراتیک و لائیک» نبود؟

درواقع برای این نوع جمهوریخواهان مقوله «جمهوریخواهی» از خود و سرشت سیاسی آن تعریف نمی‌شود، بلکه اتفاقا همان کسانی که از دل و جان خواهان آن هستند کاملا نسنجیده معنای جمهوریخواهی را به «نه سلطنت» و «نه پهلوی» کاهش داده‌اند! آنها با «نخواستن سلطنت» و با «رد پهلوی» تعریف می‌شوند و نه با جوهر جمهوری و یا آنچه خود می‌خواهند. آنها خود را با «نفی» دیگری و نه با «اثبات» خود تعریف می‌کنند. و این شیوه از شوربختی در صد سال اخیر همواره گریبان نیروهای سیاسی را در چنگ خود داشته است. ایران و جهان هم نمی‌توانند



بشر پیوسته‌اند وظیفه بی چون و چرای هر انسان آزاده و دمکرات است، لیکن نه گاندی و نه ماندلا و نه هیچیک از رهبران جنبش‌های آزادیخواهانه هرگز در زندگی سیاسی خود اشتباه فاحشی مانند دفاع از رژیمی چون جمهوری اسلامی و کارگزاری در آن را مرتکب نشده‌اند. آگاهی همواره با پذیرش مسئولیت همراه است. هر فرد و هر مقوله‌ای را هم باید در جای خود قرار داد.

● آنهایی هم که تلاش می‌کنند با چنگ و دندان روی درخت تنومند تاریخ یادگاری بنویسند، خوب است به این واقعیت توجه کنند که همواره تاریخ است که شخصیت‌ها را بر می‌گزیند و نه برعکس! در غیر اینصورت، نتیجه، یا کمیدی (مانند بنی صدر و احمدی نژاد) و یا تراژدی (مانند قطب زاده و امیرانتظام) از آب در می‌آید. تردیدی نیست که جنبش آزادیخواهی ایران از زهر جاه‌طلبی، سکه زدن به نام خود و شهوت شهرت و نام و مقام در امان نخواهد بود. اینجاست که شاید عرفان ایرانی به معنای مثبت آن بتواند چون پادزهر عمل کند تا بتوان همواره منافع بلندمدت میهن و مردم را بر هیولای درون حاکم گرداند. مثلا می‌توان چنین اندیشید دیر یا زود همه ما بی تردید در فنا جای خواهیم گرفت و چه خوب است تنها عشق و عمل خود را برای آزادی و انسان و خاک بر جای نهاده باشیم. ولی آیا در سیاست می‌توان چنین اندیشید؟ واقعا نمی‌دانم! امروز تنها این را می‌دانم که «همه با هم» نمی‌توان جنبشی را رهبری کرد و در این بازار مکاره سیاست که هیچکس دیگری را قبول ندارد، همراه با مردمی که در تبلیغات پوچ محاصره شده‌اند و سخت گرفتار معیشت و بی‌خبر از خطری هستند که در کمین‌شان نشسته است، رضا پهلوی نه تنها خطر به شمار نمی‌رود، بلکه بی تردید تنها فرصت تاریخی است که در این شرایط وجود دارد.

● من رضا پهلوی را نه به عنوان شاهزاده (که هست) یا پادشاه (که معلوم نیست بشود) بلکه به مثابه یک شخصیت سیاسی در نظر می‌گیرم. نمی‌دانم طرفداران وی، چه آن کسانی که مشروطه‌خواه دمکرات هستند و چه افرادی که حاضر نیستند یک گام از سلطنت وی عقب روند، چه انتظاراتی از وی و چه توصیه‌هایی برای او دارند. ارزیابی من تنها بر اساس مواضع اعلام شده رضا پهلوی است. لیکن بر این حقیقت نیز آگاه هستم که فقط عمل و آینده می‌تواند این ارزیابی را تغییر دهد چرا که مواضع پسندیده هنوز به معنای آن نیست که آدمی در عرصه عمل و در لحظات حساس بتواند به آن پایبند بماند.

● سرسختی در طرفداری از اصلاحاتی که پروژه‌سازان آن بارها مرگش را اعلام کرده‌اند، البته قابل درک است. چرا که تنها با «اصلاح گام به گام» می‌توان ادامه «جمهوری» را به هر شکل و با هر مضمونی حفظ کرد تا مردم در برابر یک انتخاب دوباره قرار نگیرند، حتی اگر به قیمت فرو رفتن کشور در فاجعه بیانجامد.

● مشروطه‌خواهان دمکرات نه «خطر» بلکه «نیرو» هستند و جمهوریخواهان اگر دوباره سرنوشت ملت و مملکت احساس مسئولیت کنند و تمامی نیروی خود را بر روی حفظ جمهوری اسلامی نگذارند، می‌توانند با هشیاری از این نیرو استفاده کنند. هیچ تضمینی وجود ندارد که همکاری با این «نیرو» به استقرار جمهوری واقعی در ایران نینجامد. رضا پهلوی آن زمان هم می‌تواند به عنوان یک شخصیت سیاسی و ملی مانند دیگر مدعیان به وظیفه خود در برابر ملت عمل کند. خطر اصلی بیست و هفت سال است بر ایران فرمان می‌راند. دمکرات‌های ایران، چه مشروطه‌طلب و چه جمهوری خواه، هیچکدام برای یکدیگر خطر به شمار نمی‌روند مگر آنکه هر کدام از آنها نظام مورد علاقه خود را بر خواست دموکراسی و حقوق بشر و سرنوشت ملت و منافع ملی ترجیح دهند. در آنصورت آنها نه تنها برای یکدیگر خطر به شمار می‌روند، بلکه هر دو آنها برای میهن و مردم ما خطر جدی هستند!

● این را باید تکرار کرد که بنا بر واقعیت جامعه ایران و غم کار و نانی که توده مردم با آن درگیرند، برای کسی نظام سیاسی ایران هیچ اهمیتی ندارد. لیکن از آنجا که تجربه تلخ مردم از جمهوری اسلامی و انتخاب مکرر رییس جمهوری‌های تدارکاتچی و مجلس‌های بی خاصیت جان آنها را به لب رسانده است، و هم چنین تجربه افغانستان و عراق به ویژه در زمینه عدم امنیت و خطراتی که یکپارچگی ایران را تهدید می‌کند، گرایش به نظام پادشاهی بیش از پیش گسترش می‌یابد.

● رک و صریح بگویم: من به عنوان یک ایرانی هرگز حاضر نیستم زیر پرچم کسانی بروم که زمانی از مدافعان و دست اندر کاران جمهوری اسلامی بوده‌اند، حتی اگر صد سال در زندان همان کسانی بسر بپرند که زمانی مدافع آنان بوده‌اند. دفاع از آزادی آنها و استقبال از تغییر مواضع آنان که از خیمه حکومت دینی به اردوگاه دموکراسی و حقوق

صبر کنند تا این جمهوریخواهان به تعریفی از خود برسند، بعد اگر توانستند، متحد و قوی شوند، بعد به میدان بیایند و زور بازو به مشروطهخواهان نشان دهند. قطار تاریخ در حرکت است. برای کسی سوت نمی‌زند و صبر نمی‌کند. یا باید سوارش شد، یا مانند دوران جمهوری اسلامی باید به این رضایت داد که به رکاب قطار در حال حرکت چسبید و بعد هم با لگد زمامداران تازه به قدرت رسیده یکی یکی به گوشه‌ای پرتاب شد!

من رضا پهلوی را نه به عنوان شاهزاده (که هست) یا پادشاه (که معلوم نیست بشود) بلکه به مثابه یک شخصیت سیاسی در نظر می‌گیرم. نمی‌دانم طرفداران وی، چه آن کسانی که مشروطه‌خواه دمکرات هستند و چه افرادی که حاضر نیستند یک گام از سلطنت وی عقب روند، چه انتظاراتی از وی و چه توصیه‌هایی برای او دارند. ارزیابی من تنها بر اساس مواضع اعلام شده رضا پهلوی است. از این رو، پروایی ندارم بگویم، از یکسو در مقایسه بین رژیم کنونی که سرنوشت ما در دست اوست و رژیم گذشته که به تاریخ پیوسته است، من هزار بار رژیم گذشته را ترجیح می‌دهم و گمان می‌کنم تاریخ نیز قضاوتی مشابه خواهد داشت. از سوی دیگر بین تمام شخصیت‌های سیاسی و ملی برای من رضا پهلوی که برخلاف برخی جمهوریخواهان (بعضا دو آتشه) تا کنون نه او را دیده‌ام و نه حتی تلفنی سخنی با وی گفته‌ام و بطور کلی دوری از قدرت را اعم از پوزسیون یا اپوزسیون یک نقطه قوت و ضامن سلامت و استقلال کار روزنامه‌نگاری می‌دانم، مناسب‌ترین شخصیتی است که می‌تواند در این شرایط خطرناک و فاجعه‌بار، نقش تاریخی و تعیین‌کننده در اتحاد همه نیروهای دمکرات ایران بازی کند. شخصیتی که از مواضع وی برداشت می‌شود، بر بسیاری از مدعیان جمهوریخواهی که برخی را خوب و از نزدیک می‌شناسم، ترجیح دارد. لیکن بر این حقیقت نیز آگاه هستم که فقط عمل و آینده می‌تواند این ارزیابی را تغییر دهد چرا که مواضع پسندیده هنوز به معنای آن نیست که آدمی در عرصه عمل و در لحظات حساس بتواند به آن پایبند بماند.

کسانی که به خیال خود می‌خواهند رضا پهلوی را به هر قیمتی شده به پادشاهی «آریامهرگونه» برسانند و در سایه «سلطان» لم بدهند، و از او می‌خواهند کر و کور و لال شود تا مبادا از جاه و جلال پادشاهی‌اش کاسته شود، بر این نکته مهم آگاه نیستند که نقش هیچ شخصیتی در تاریخ با سکوت رقم نخورده است! این سلطنت‌طلبان در این نکته با برخی از جمهوریخواهان که خواستار عدم حضور رضا پهلوی در سیاست روز هستند، اتفاق نظر دارند با این تفاوت که مخالفان رضا پهلوی نگرانند مبادا با حضور او در سیاست بر «جاه و جلال شاهانه‌اش» افزوده شود!

صریح بگویم: نه تنها بین جمهوریخواهان، بلکه در میان مشروطه‌خواهان نیز یک شخصیت ملی و جوان (جوان بودن سیاستمدار برای جامعه امروز ایران یک امتیاز مهم است. جوانان در همه جهان از «مردان» عصا قورت داده گریزانند و در عرصه سیاست و کشورداری نیز به دنبال «ستارگان» هستند [شاهزاده رضا پهلوی در زمان نوشتن این مطلب ۴۵ ساله بود]) یافت نمی‌شود که پیشینه‌اش به ساواک یا حکومت اسلامی و واواک و سپاه و بسیج نرسد. بگذریم از اینکه اگر ما نجیبیم، و ایران در شرایطی مانند افغانستان و عراق قرار گیرد، آنگاه همین گردانندگان «اتحاد جمهوریخواهان» و ملیون دو آتشه هم مجبور خواهند شد در برابر افرادی سر فرود آورند که خیلی راحت سابقه همکاری‌شان با سازمان سیا هم اعلام می‌شود!

البته ظاهراً با توضیحاتی که از سوی گردانندگان «جمهوریخواهان» داده می‌شود، آنها اصولاً به هیچ شخصیت



مودی عینی از نبرد تاریخی مشروعه و مشروطه، سنت و مدرنیته، حکومت مذهبی و عرفی، استبداد و آزادی... / ۱۴۰۱

مرگش را اعلام کرده‌اند، البته قابل درک است. چرا که تنها با «اصلاح گام به گام» می‌توان دامنه «جمهوری» را به هر شکل و با هر مضمونی حفظ کرد تا مردم در برابر یک انتخاب دوباره قرار نگیرند، حتی اگر به قیمت فرو رفتن کشور در فاجعه بیانجامد.

در عین حال در تمامی سخنان این نوع «جمهوریخواهان» یک مشکل مهم آنها که همانا «ضعیف» بودن آنهاست، هویداست.

آنها معتقدند مشروطه‌خواهان هم متحدند و هم دارای انسجام و رهبری معین. در حالی که جمهوریخواهان مانند چهل تکه‌اند و هر کدام یک ساز می‌زنند. اینکه پس آنها عنوان «اتحاد» را از کجا آورده‌اند، بماند.

اینکه چرا آنها بجای تخطئه مشروطه‌خواهان و پیچیدن به پر و پای رضا پهلوی به بررسی این واقعیت مهم نمی‌پردازند که چرا نتوانسته‌اند جمهوریخواهان را متحد کنند هم بماند.

مشکل دیگر آنها در این است که آنها مشروطه‌خواهان را به عنوان «خطر» در نظر می‌گیرند. حال آنکه مشروطه‌خواهان دمکرات نه «خطر» بلکه «نیرو» هستند و جمهوریخواهان

اگر درباره سرنوشت ملت و مملکت احساس مسئولیت کنند و تمامی نیروی خود را بر روی حفظ جمهوری اسلامی نگذارند، می‌توانند با هشیاری از این نیرو استفاده کنند. هیچ تضمینی وجود ندارد که همکاری با این «نیرو» به استقرار جمهوری واقعی در ایران بیانجامد. رضا پهلوی آن

ملی و یا نهاد فراگیر که مردم به آن امید بستند و آن را سخنگوی خود بداندند و جامعه بین‌المللی بتواند با آنها به گفتگو بپردازد، نیاز ندارند چرا که آنها هنوز به «اصلاح‌طلبان اسلامی» در حکومت کنونی ایران امیدوارند! چه سرسختی غریبی! و این در حالیست که برخی از آنان به «نشست برلین» ایراد می‌گیرند زیرا بر این پندارند که رضا پهلوی در «اتاق بغلی» حضور داشته است! [*] گویا نمی‌دانند برای تأثیرگذاری و یا هدایت یک جریان اصلاً نزدیکی مسافت لازم نیست! مگر جریان موسوم به اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی در پستوی «اتحاد جمهوریخواهان» در لندن و بروکسل و برلین و واشنگتن پنهان شده است؟ آنها هزاران کیلومتر فاصله دارند و با اینهمه خط و ربط آنها تا این اندازه بهم نزدیک است! نزدیکی مسافت مهم نیست، نزدیکی خط مهم است! حتی اگر گردانندگان «ا.ج.» «اتحاد جمهوریخواهان» بر این گمان باطل باشند که «ج.ا.» (جمهوری اسلامی) آنها را می‌شود و این آنها هستند که بر سیاست «داخل» تأثیر می‌گذارند و یکبار در برابر آینه وجدان نایستند و از خود نپرسند اگر چنین است پس احمدی نژاد از کجا پیدایش شد؟!

خانم مسیح علی‌نژاد روزنامه‌نگار جوان ایرانی دوران مجلس ششم را به «برزخ» در «کمدی الهی» دانته تشبیه کرده است. به راستی نیز دوران این نوع اصلاحات را می‌توان برزخی دانست که نمی‌توانست به جهنم احمدی نژاد بیانجامد! سرسختی در طرفداری از اصلاحاتی که پروژه‌سازان آن بارها

دریافت. مگر آنکه جمهوریخواهان پیشاپیش پادشاهی وی را قطعی بشمارند! نقش رضا پهلوی به مثابه یک شخصیت ملی است که اهمیت می‌یابد. کسی چه می‌داند؟ شاید این جمهوری پرانتز خونینی باشد که دیر یا زود باید بسته شود. شاید هم رضا پهلوی بنیانگذار یک جمهوری واقعی در ایران شود و یا چون خوان کارلوس مهر دموکراسی و حقوق بشر را بر ساختار سیاسی ایران بکوبد و افراد و احزابی که امروز مخالف او هستند، فردا تشکیل دهندگان دولت‌های ملی در نظامی شوند که وی پادشاه آن به شمار می‌رود. چه کسی جرأت دارد در شرایطی که اکنون ایران در آن بسر می‌برد، چیزی را پیش‌بینی کند؟

اگر آینده را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، از گذشته اما می‌توان آموخت. ایرانیان یک بار در آستانه انقلاب اسلامی یک فرصت تاریخی به نام «بختیار» را از دست دادند و با چشم بسته به دامان آخرین انقلاب ایدئولوژیک قرن بیستم و تنها حکومت ولایت مطلقه فقیه در غلطیدند. حکومتی که به آشخور تروریسم کنونی و عامل جنگ‌افروزی در خاورمیانه و جهان تبدیل گشت. اینبار نباید اجازه داد برخی با لجاج بر سر عقاید ایدئولوژیک خود مردم را به سویی برانند که یک بار دیگر فرصتی تاریخی را از دست بدهند.

ایران با سرعت به سوی فاجعه و جنگ رانده می‌شود. آنهایی که هشت سال مردم را به «پروژه اصلاحات» مشغول کردند، در سکوتی مرگبار فرو رفته‌اند و بزرگترین هت‌شان در این روزها این بوده است درباره «حق فناوری هسته‌ای» که سه سال است به بازی موش و گربه تبدیل شده و یک «کاریکاتور» که پنج ماه پیش در یک روزنامه داهمارکی منتشر شده، خطاب به اروپا بیانیه اعتراضی صادر کنند. آنهایی هم که تلاش می‌کنند با چنگ و دندان روی درخت تنومند تاریخ یادگاری بنویسند، خوب است به این واقعیت توجه کنند که همواره تاریخ است که شخصیت‌ها را بر می‌گزیند و نه برعکس! در غیر اینصورت، نتیجه، یا کمدی (مانند بنی صدر و احمدی نژاد) و یا تراژدی (مانند قطب زاده و امیرانتظام) از آب در می‌آید.

برخی ممکن است در بده بستان‌های رایج ترجیح دهند در برخی موارد سکوت کنند، برخی چیزها را به روی خود نیاورند، واقعیت را نبینند و یا کمرنگ‌تر از آنچه هست ببینند، لیکن واقعیت خارج از اراده ما وجود دارد و در عمل همان رنگی را دارد که دارد. تردیدی نیست که جنبش آزادیخواهی ایران از زهر جاه‌طلبی، سکه زدن به نام خود و شهوت شهرت و نام و مقام در امان نخواهد بود. اینجاست که شاید عرفان ایرانی به معنای مثبت آن بتواند چون پادزهر عمل کند تا بتوان همواره منافع بلندمدت میهن و مردم را بر هیولای درون حاکم گرداند. مثلا می‌توان چنین اندیشید دیر یا زود همه ما بی تردید در فنا جای خواهیم گرفت و چه خوب است تنها عشق و عمل خود را برای آزادی و انسان و خاک بر جای نهاده باشیم. ولی آیا در سیاست می‌توان چنین اندیشید؟ واقعا نمی‌دانم! امروز تنها این را می‌دانم که «همه با هم» نمی‌توان جنبشی را رهبری کرد و در این بازار مکاره سیاست که هیچکس دیگری را قبول ندارد، همراه با مردمی که در تبلیغات پوچ محاصره شده‌اند و سخت گرفتار معیشت و بی‌خبر از خطری هستند که در کمین‌شان نشست است، رضا پهلوی نه تنها خطر به شمار نمی‌رود، بلکه بی تردید تنها فرصت تاریخی است که در این شرایط وجود دارد.

محتوم به فنا می‌بینم و به عنوان یک ایرانی، سربلندی و جاودانگی ملت ایران و آن سرزمین را آرزو دارم، از یکسو برای یافتن رهبران ملی در میان مردگان و «مروحوم»ها به دنبال کسی نمی‌گردم و از سوی دیگر در میان زندگان کسی را با ظرفیت و موقعیت رضا پهلوی نمی‌یابم. همانگونه که گفتم، من در او نه شاهزاده یا پادشاه آینده، بلکه یک شخصیت سیاسی میهن‌دوست می‌بینم که تصادفاً به مشروطه‌خواهان تعلق دارد. اگر جمهوریخواهان یک نفر را ارائه کنند که بتوان وی را در کفه دیگر ترازو در برابر رضا پهلوی قرار داد، آنگاه بلافاصله باید به تأمل پرداخت که کدام یک را به مثابه یک «فرصت» بهتر می‌یابد برگزید. ولی جمهوریخواهان چنین فردی را ندارند و از همین رو برخی با تحریف تاریخ به «مروحوم» مصدق روی آورده‌اند که به استناد زندگی سیاسی و مسئولیت و مقام و عملکردش در دوران پهلوی‌ها و نیز به استناد خاطراتی که به قلم خودش منتشر شده است، نه تنها هرگز «جمهوریخواه» نبوده، بلکه ملقب به «مصدق السلطنه» هم بوده است. ولی کسی چه می‌داند؟ شاید مصدق خیال بنیانگذاری جمهوری را در سر می‌پروراند. ولی درست همینگونه می‌توان گمان کرد که شاید در سودای «سلسله مصدقیان» می‌بوده است! این همه اما تنها فرض بی‌پایه است نه علم و واقعیت، درست مانند «جمهوریخواه» بودن وی! ولی حقیقت مهم این است که از یکسو او دیگر وجود ندارد تا بتواند چیزی را رهبری کند و از سوی دیگر اندیشه جنبش ملی و استقلال و میهن‌دوستی پس از گذشت نیم قرن با اندیشه دموکراسی و حقوق بشر و عدالت اجتماعی در آمیخته و دامنه و زوایای دیگری یافته است که با دهه سی خورشیدی در ایران مقایسه‌پذیر نیست. فقط از نظامی چون جمهوری اسلامی بر می‌آید که برنامه‌های اتمی خود را عوام‌فریبانه با جنبش ملی شدن نفت مقایسه کند و با تکیه بر ناآگاهی تاریخی و علمی جامعه، هر طبل جنگ بکوبد و ملت و مملکت را در برابر یک فاجعه جبران‌ناپذیر قرار دهد. کسانی هم که افرادی چون اکبر گنجی و عباس امیرانتظام را با ماندلا و گاندی و غیره مقایسه می‌کنند و چه بسا رهبری خود را در آنها می‌جویند، به این نمی‌اندیشند که این مقایسه‌ها بس بیجاست. رک و صریح بگویم: من به عنوان یک ایرانی هرگز حاضر نیستم زیر پرچم کسانی بروم که زمانی از مدافعان و دست‌اندر کاران جمهوری اسلامی بوده‌اند، حتی اگر صد سال در زندان همان کسانی بسر برند که زمانی مدافع آنان بوده‌اند. دفاع از آزادی آنها و استقبال از تغییر مواضع آنان که از خیمه حکومت دینی به اردوگاه دموکراسی و حقوق بشر پیوسته‌اند وظیفه بی‌چون و چرای هر انسان آزاده و دموکرات است. لیکن نه گاندی و نه ماندلا و نه هیچیک از رهبران جنبش‌های آزادیخواهانه هرگز در زندگی سیاسی خود اشتباه فاحشی مانند دفاع از رژیم‌های جمهوری اسلامی و کارگزاری در آن را مرتکب نشده‌اند. آگاهی همواره با پذیرش مسئولیت همراه است. هر فرد و هر مقوله‌ای را هم باید در جای خود قرار داد. و یکی از بدبختی‌های ایرانیان همواره این بوده است که هیچ چیز را در جای خود قرار نمی‌دهند و همه هم در همه کار دخالت می‌کنند. با احساسات تمام سر می‌زنند و صمیمانه دروغ می‌گویند. نکته دیگر در پذیرش رهبری رضا پهلوی این است که کسی از جمهوریخواهان طلب نمی‌کند رهبری یک «پادشاه» را بپذیرند! این اندازه نقض غرض را در نخستین نگاه می‌توان

زمان هم می‌تواند به عنوان یک شخصیت سیاسی و ملی مانند دیگر مدعیان به وظیفه خود در برابر ملت عمل کند. خطر اصلی بیست و هفت سال است بر ایران فرمان می‌راند. دموکرات‌های ایران، چه مشروطه‌طلب و چه جمهوری خواه، هیچکدام برای یکدیگر خطر به شمار نمی‌روند مگر آنکه هر کدام از آنها نظام مورد علاقه خود را بر خواست دموکراسی و حقوق بشر و سرنوشت ملت و منافع ملی ترجیح دهند. در آنصورت آنها نه تنها برای یکدیگر خطر به شمار می‌روند، بلکه هر دو آنها برای میهن و مردم ما خطر جدی هستند! این در حالیست که ایران با جمهوری اسلامی به اندازه کافی با انواع خطرها روبروست و به یک خطر تازه نیازی ندارد.

راستش را بخواهید نقش خوان کارلوس پادشاه اسپانیا را خود جمهوریخواهان نسنجیده به میان کشیدند. باید گفت اتفاقاً ژنرال فرانکو دیکتاتور اسپانیا نیز سی سال پیش احتمالا تصویری چون برخی جمهوریخواهان درباره این «شاهزاده» داشت. فرانکو به این دلیل در بستر بیماری و در آخرین سال زندگی خود شاهزاده خوان کارلوس را به جانشینی خود برگزید تا وی از آنجا که از نوادگان پادشاهان بوربن است، ادامه دیکتاتوری وی را تضمین کند. لیکن خوان کارلوس که جوانی تحصیلکرده و روشنفکر بود، بلافاصله با اعلام آزادی مطبوعات و فعالیت احزاب و برگزاری انتخابات آزاد جهت تشکیل دولت، بر دیکتاتوری در اسپانیا نقطه پایان نهاد.

من نه تنها هیچ احساس عشق یا نفرت نسبت به دو نظام سیاسی جمهوری و پادشاهی ندارم، بلکه در شرایط کنونی ایران [بهمین ۱۳۸۴]، دلیلی هم برای ترجیح یکی بر دیگری نمی‌یابم. لیکن به خوبی می‌دانم دموکراسی و تأمین حقوق بشر و عدالت اجتماعی را در یک جمهوری به سلطنت استبدادی و عین همان را در مشروطه پادشاهی به یک جمهوری استبدادی ترجیح می‌دهم و گمان می‌کنم این هنر من نیست و هر عقل سالم و دموکرات چنین می‌کند. درک این موضوع نیز آنچنان پیچیده نیست که مرتب آن را تکرار کرد. مگر آنکه عده‌ای خود را به نفهمیدن بزنند و یا تحریف نظرات را بیشتر به سود خود بشمارند.

فرصت کدامست؟

ولی این را باید تکرار کرد که بنا بر واقعیت جامعه ایران و غم کار و نانی که توده مردم با آن درگیرند، برای کسی نظام سیاسی ایران هیچ اهمیتی ندارد. لیکن از آنجا که تجربه تلخ مردم از جمهوری اسلامی و انتخاب مکرر رییس جمهوری‌های تدارکاتچی و مجلس‌های بی‌خاصیت جان آنها را به لب رسانده است، و هم چنین تجربه افغانستان و عراق به ویژه در زمینه عدم امنیت و خطراتی که یکپارچگی ایران را تهدید می‌کند، گرایش به نظام پادشاهی بیش از پیش گسترش می‌یابد. ولی این به معنای بازگشت سلطنت یا بازگشت به گذشته نیست چرا که هرگز هیچکس اگر هم بخواهد نمی‌تواند به گذشته باز گردد و یا گذشته را باز گرداند. این تحریف ظریفی است که از سوی مخالفان نظام پادشاهی رایج شده و مرتب تکرار می‌شود.

برخی از جمهوریخواهان که بیشتر نقش چرخ پنجم جمهوری اسلامی را در خارج کشور بازی می‌کنند (یعنی بدون آنها هم کار جمهوری اسلامی می‌گذرد) همه کارشان را گذاشته‌اند و چسبیده‌اند به خطر «بازگشت سلطنت»! گویی وظیفه آنان نه تلاش برای برقراری جمهوری راستین، بلکه جلوگیری از برقراری سلطنت است! این همان سیاستی است که بیست و هفت سال پیش از درون آن هیولای جمهوری اسلامی سر برآورد و هم امروز ادامه و بقای آن را تأمین کرده و به آن خوراک می‌دهد.

من به عنوان انسانی که زندگی فردی خود را محدود و

[*] آن زمان نشستی در برلین با حضور شاهزاده رضا پهلوی و برخی افراد چپگرا برگزار شده بود که من نه آن موقع و نه اکنون از چند و چون آن خبر ندارم و فقط بر اساس آنچه همان زمان اعلام شد می‌دانم که چنین نشستی برگزار شده و مورد انتقاد و حمله‌ی گروهی از جمهوریخواهان قرار گرفت.

* این مطلب در دو شماره چاپی کیهان لندن در بهمن ۱۳۸۴ منتشر شد.

واشنگتن فری بیکن: کنگره آمریکا برای حمایت از خیزش ضد حکومتی در ایران اقدام عملی نمی‌کند



تظاهرات در پشتیبانی از جنبش انقلابی مردم ایران / استانبول / ۱۰ دسامبر ۲۰۲۲

هنوز مشخص نکرده، ناامید است.»
علیرضا نادر از مدیران نوفدی می‌گوید: «قانون مهسا فرصتی منحصر به فرد برای ایالات متحده است تا از منافع و امنیت ملی خود در برابر جمهوری اسلامی حفاظت کرده و در عین حال اقدامات عملی جهت حمایت از مبارزات مردم ایران برای آزادی و دموکراسی انجام دهد.»

جیم بنکس یکی از اعضای کمیته خدمات مسلح مجلس نمایندگان که تدوین قانون مهسا را هدایت کرده به فری بیکن گفت که او همکاریانش در کمیته روابط خارجی را تحت فشار قرار می‌دهد تا این طرح را پیش ببرند.

فعالان ایرانی-آمریکایی می‌گویند تا زمانی که این طرح به خط پایان برسد، مک‌کال و کمیته‌اش را تحت فشار خواهند گذاشت. نیک نیکبیخت یکی دیگر از فعالان حقوق بشر ایرانی-آمریکایی، گفت: «جامعه ما به شدت از این طرح حمایت کرده زیرا این اولین طرح پس از انقلاب است که با آن کنگره یک اقدام عملی برای حمایت از مردم ایران انجام می‌دهد. تعجب‌آور است که شاهد افزایش تقاضاها برای پیوستن به این طرح نبودیم، اما امیدواریم که رئیس کمیته مربوطه این کار را در نشست بعدی که در همین ماه آوریل برگزار می‌شود انجام دهد.»

اعضای دموکرات و جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا در اقدامی فراجزبی، برای تصویب قانونی تلاش می‌کنند که فشارها و تحریم‌های حقوق بشری علیه عوامل اصلی سرکوب‌های سیاسی در ایران را تشدید می‌کند. این قانون به یاد مهسا امینی نامگذاری شده است.

نمایندگان هر دو حزب اصلی آمریکا در حالی برای به نتیجه رساندن «قانون مهسا» تلاش می‌کنند که هدف آن، وضع تحریم و اعمال فشار علیه علی‌خامنیه‌ای رهبر نظام جمهوری اسلامی و برخی دیگر از مقامات ارشد حکومت ایران، از جمله ابراهیم رئیسی رئیس دولت و نهادهای وابسته به آنها است.

روبرو نشده است، خشمگین هستیم. ما دیگر ادعاهای توخالی محکومیت سیاستمداران خود را نخواهیم پذیرفت بلکه از قانونگذاران آمریکایی می‌خواهیم که با حمایت از قانون مهسا اقدام کنند.»

با قتل مهسا امنیتی در بازداشتگاه «گشت ارشاد» بار دیگر شعله اعتراضات ضدحکومتی در ایران زبانه کشید که مهم‌ترین تهدید علیه قدرت و سلطه‌ی جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر به شمار می‌رود. به گفته‌ی ناظران سیاسی، در هفته‌ای که در اثر حملات راکتی شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در سوریه به پایگاه‌های آمریکا یک شهروند آمریکایی کشته و شش نظامی دیگر زخمی شده‌اند، بیش از هر زمان دیگری به فشار از سوی آمریکا علیه رژیم نیاز است. طرح «قانون مهسا» در حال حاضر در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان بررسی می‌شود. فعالانی که این طرح را دنبال می‌کنند انتظار داشتند هفته گذشته تعداد درخواست‌ها برای رأی‌گیری نهایی آن افزایش پیدا کند. بدون تکمیل رویه‌های حقوقی این طرح نمی‌تواند در مجلس تحت کنترل جمهوریخواهان به رأی کامل برسد، جایی که انتظار می‌رود موافقت دو حزب را به دست آورد.

امیلی شریف یکی دیگر از فعالان ایرانی-آمریکایی که برای تصویب نهایی این طرح در کنگره فعالیت می‌کند، گفت: «ما باید این رژیم را پاسخگو نگه داریم و تنها اتکا به تحریم‌های هدفمند از طریق دستورات اجرایی کافی نیست به همین دلیل است که ما از رئیس کمیته امور خارجه مایکل مک‌کال می‌خواهیم تا این طرح فوق‌العاده دو حزبی را که در سراسر ایالات متحده حمایت می‌شود، در اسرع وقت امضا کند.»

دفتر مک‌کال در مورد زمان تکمیل این طرح اطلاعات تازه‌ای ارائه نمی‌کند، اما اعلام کرده که وی هنگام معرفی این قانون در مجلس نمایندگان از آن حمایت می‌کند. اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (NUFDI) اعلام کرده که «از این واقعیت که [مک‌کال] وضعیت این لایحه را

● فعالان ایرانی-آمریکایی نگران‌اند که قانونگذاران آمریکایی علاقه خود را به حمایت از معترضان ایرانی و پاسخگو کردن رژیم ایران برای شکنجه و کشتار بیش از ۵۰۰ معترض در خیزش ضدحکومتی اخیر از دست داده باشند.

● واشنگتن فری بیکن گزارش داد سه ماه پس از ائتلاف دو حزبی آمریکا بر سر «قانون مهسا» که تحریم‌های جدیدی را علیه جمهوری اسلامی به دلیل سرکوب خشونت‌آمیز معترضان اعمال می‌کند، کنگره آمریکا هنوز آن را به پیش نبرده است. فعالان از روند کند تصویب نهایی این قانون ناامید شده‌اند.

● امیلی شریف یکی از فعالان ایرانی-آمریکایی که برای تصویب نهایی این طرح در کنگره فعالیت می‌کند، گفت: «ما باید این رژیم را پاسخگو نگه داریم و تنها اتکا به تحریم‌های هدفمند از طریق دستورات اجرایی کافی نیست به همین دلیل است که ما از رئیس کمیته امور خارجه مایکل مک‌کال می‌خواهیم تا این طرح فوق‌العاده دو حزبی را که در سراسر ایالات متحده حمایت می‌شود، در اسرع وقت امضا کند.»

فعالان ایرانی-آمریکایی نگران‌اند که قانونگذاران آمریکایی علاقه خود را به حمایت از معترضان ایرانی و پاسخگو کردن رژیم ایران برای شکنجه و کشتار بیش از ۵۰۰ معترض در خیزش ضدحکومتی اخیر از دست داده‌اند.

واشنگتن فری بیکن سوم آوریل (۱۴ فروردین) گزارش داد سه ماه پس از ائتلاف دو حزبی آمریکا بر سر «قانون مهسا» که می‌بایست تحریم‌های جدیدی را علیه جمهوری اسلامی به دلیل سرکوب خشونت‌آمیز معترضان اعمال کند، کنگره آمریکا هنوز آن را به پیش نبرده است. فعالان از روند کند تصویب نهایی این قانون ناامید شده‌اند.

سارا رواپانی یک فعال حقوق بشر ایرانی-آمریکایی به واشنگتن فری بیکن گفت: «ما از اینکه حکومت ایران به عنوان مسئول جنایات و ناقضان حقوق بشر هنوز با هیچ مجازاتی

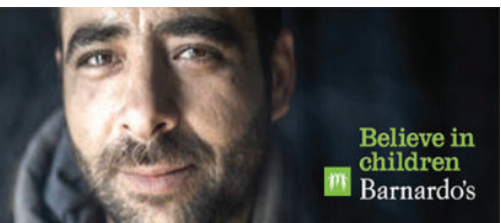
Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:

۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵

تماس بگیرید.



Believe in
children
Barnardo's

نمک یا گچ یا سنگ‌های کربناته مانند سنگ آهک یا دولومیت ساخته شده است. در بیشتر موارد، فروچاله‌ها به تدریج ایجاد می‌شود. با این حال، گاهی اوقات، فروپاشی ناگهانی است. فروچاله‌های ناگهانی همان‌هایی است که ناگهان باز می‌شود و زمین کشاورزی، ماشین‌ها، خانه‌ها و خیابان‌ها را می‌بلعد و معمولاً بسیار خرساز می‌شود.»

مقایسه استانداردهای جهانی و وضعیتی که در ایران حکمفرماست بیانگر بحرانی است که با گذشت بیش از دو دهه همچنان مقامات جمهوری اسلامی به آن بی‌توجه هستند. بر اساس استانداردهای جهانی کشورها مجاز هستند ۱۰ درصد از آبخوان‌های خود برداشت کنند؛ اما در کشور ما ۷۰ درصد از آبخوان‌ها برداشت می‌شود، در حالی که حالت بحرانی در برداشت از آبخوان‌ها، برداشت ۴۰ درصدی است و این یعنی در ایران حدود ۲ برابر بیشتر از حالت بحرانی از آبخوان‌ها برداشت می‌شود.

از سوی دیگر در اتحادیه اروپا میزان فرونشست ۴ میلی‌متر در سال به عنوان معیار بحرانی فرونشست شناخته می‌شود و این در حالیست که میانگین فرونشست در ایران ۶ سانتی‌متر در سال است!

قابل توجه اینکه بطور مرتب آمارهای نگران‌کننده در رابطه با وضعیت منابع آبی و فرونشست زمین منتشر می‌شود اما در عمل هیچ اقدام موثری نمی‌گیرد. برای نمونه ذبیح الله اعظمی عضو کمیسیون کشاورزی و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی شهریور سال ۱۴۰۰ گفته بود که از ۶۰۹ دشت ایران ۴۹۹ مورد دچار فرونشست جدی است.

ذبیح الله اعظمی تأکید کرده بود که در اوایل انقلاب مشخص شده بود که برداشت آب در یکسری مکان‌ها مثل دشت رفسنجان ممنوع است، اما از دولت احمدی نژاد به بعد اعلام شد که لازم است در دشت‌ها چاه‌هایی حفر شود تا کشاورزان بتوانند از طریق آن، محصولات شان را آبیاری و ارتزاق کنند، متأسفانه این موضوع بدون برنامه کارشناسی شده و آینده نگری انجام شد. می‌توان به جرات گفت که نتیجه چنین تصمیمی آن شد که اکنون تعداد چاه‌های غیرمجاز از چاه‌های مجاز نیز بیشتر شده است.

عضو کمیسیون کشاورزی و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی افزوده بود که «موضوع آبخیز داری و آبخوان داری یکی از مهمترین موضوعاتی است که وزارت کشاورزی باید به آن توجه لازم را داشته باشد. از طرفی وزارت نیرو نیز باید مساعدت و مشارکت‌های لازم در تامین آب مورد نیاز زمین را در حوزه‌های آبی مناطق مختلف کشور به کار بندد. یکی از پیشنهادات این است که از طرح الگوی کاشت مناسب، حذف گیاهان پرآب بر، توسعه سیستم نوین آبیاری و اینکه آب به گیاهان داده شود و نه به زمین استفاده شود، قطعاً این اقدامات می‌تواند جهت مقابله و پیشگیری از فرونشست‌های زمین موثر واقع شود.»

این در حالیست که با گذشت بیش از یک سال و نیم از سخنان هشداردهنده عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی حتی برای تغییر الگوی کشت نیز اقدامی صورت نگرفته است؛ همچنان در بیش از ۱۰ استان ایران برنج‌کاری می‌شود و کاشت هندوانه در استان‌های مختلف ادامه دارد! یکی از موارد هشداردهنده درباره روند فرونشست زمین در ایران اینست که فرونشست‌ها طی سال‌های گذشته در حاشیه‌ی شهرهایی مثل تهران، اصفهان، اهواز نیز حادثه می‌آفریند. فرونشست در شهرها که به صورت دهان باز کردن خیابان‌ها و اتوبان‌ها، ریزش تونل‌های مترو و بلعیده شدن ساختمان‌ها توسط زمین بروز پیدا می‌کند نه تنها تهدیدی جدید برای محیط زیست بلکه به خطر جدی علیه جان شهروندان نیز تبدیل شده است.



شهرهایی مانند کرمان، نیشابور، اصفهان، بیشتر شهرهای استان یزد، رفسنجان، مرودشت فارس، میناب در خطر قرار دارند

و خانگی مصرف استاندارد آب رعایت نمی‌شود و حتی آموزش و اطلاع‌رسانی در اینباره نیز صورت نمی‌گیرد. او تأکید کرده که «ما باید روی این موضوع یک برنامه آموزشی بسیار قوی در صدا و سیما و فضای مجازی و همچنین مدارس و دانشگاه‌ها داشته باشیم. ما اگر می‌خواهیم کار مثبتی انجام دهیم باید به دانش‌آموزان از همین دوران مدرسه بیاموزیم این کودکان آیندگان اداره‌کننده این کشور بزرگ هستند و باید بدانند که خطرات پیش روی آن‌ها چیست و به آنها مسائل را آموزش دهیم تا کودکان در منازل نقش پیشگیری‌کننده از مصرف بیش از حد را داشته باشند.»

آمارهای سازمان محیط زیست نشان می‌دهد که نخستین فروچاله ایران در استان همدان و در سال ۷۱ در شهرستان بهار و سپس منطقه جهان‌آباد، دشت‌های کبودرآهنگ و قهاوند و آخرین مورد آن نیز سال ۹۷ در نزدیکی روستای «کردآباد» شهرستان کبودرآهنگ این استان ایجاد شد.

محمد مهدی آرتیمانی معاون اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان همدان آذرماه امسال با تأیید این آمارها اعلام کرد که ۳۴ فروچاله در استان همدان شناسایی شده که توزیع زمانی آنها به ترتیب شامل پنج فروچاله در دهه ۹۰، ۱۱ فروچاله در دهه هشتاد و مابقی مربوط به دهه ۷۰ است.

علی بیت‌اللهی عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه و شهرسازی اسفندماه گذشته اعلام کرده بود که ۴۹ درصد مردم ایران در معرض فرونشست زمین قرار دارند. علی بیت‌اللهی نیز تهران، خراسان رضوی و اصفهان را دارای وضعیت بحرانی‌ترین در مقایسه با دیگر استان‌ها اعلام کرده و گفته بود که تهران در رابطه با سرعت فرونشست زمین رکورد جهانی را شکسته است.

به گفته عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه و شهرسازی، اینکه بسیاری از کارشناسان این حوزه آن را زلزله خاموش خوانده بودند اما هنوز آن طور که باید این موضوع به عنوان یک بحران بالقوه مطرح نبوده است. جالب این که مخاطرات این موضوع به مراتب بالاتر از زمین‌لرزه است اما هراس از زمین‌لرزه حداقل میان جامعه ایرانی بسیار بیشتر از فرونشست زمین بوده است.

مهدی زارع استاد زلزله‌شناسی درباره علت ایجاد این پدیده توضیح داده که «فروچاله‌ها حفره‌هایی است در زمین که در مناطق جمع‌شدن آب بدون زهکشی رخ می‌دهد. آب با زهکشی زیرزمینی می‌تواند غارهای زیرزمینی را حل کند، به‌ویژه در مناطقی که سنگ بستر از سنگ‌های تبخیری مانند

۲۸۰ شهر و ۹۲۰۰ روستای ایران با جمعیتی بالغ بر ۱۹ میلیون در خطر فرونشست زمین!

● نخستین فروچاله ایران در استان همدان و در سال ۷۱ در شهرستان بهار و سپس منطقه جهان‌آباد، دشت‌های کبودرآهنگ و قهاوند ایجاد شد که اکنون به ۳۴ فروچاله در سطح استان رسیده است.

● رئیس سازمان مدیریت بحران توضیح داده که تعداد ۲۸۰ شهر و ۹۲۰۰ روستا در معرض خطرات ناشی از فرونشست قرار دارند و جمعیتی حدود ۱۸ تا ۱۹ میلیون نفر در این پهنه ساکن هستند.

رئیس سازمان مدیریت بحران ایران با بیان اینکه با تخلیه مرتب آبخوان‌ها حدود ۹ درصد مساحت کشور با پدیده فرونشست زمین روبروست گفته که ۲۸۰ شهر و ۹۲۰۰ روستا در معرض خطرات ناشی از این پدیده قرار دارند.

محمد حسن نامی رئیس سازمان مدیریت بحران کشور با ارائه آماری تکانه‌دهنده از گسترش پدیده فرونشست زمین در ایران گفته که در ۱۲۵ هزار کیلومترمربع که حدود ۹ درصد مساحت کشور می‌شود، شاهد فرونشست هستیم.

رئیس سازمان مدیریت بحران توضیح داده که تعداد ۲۸۰ شهر و ۹۲۰۰ روستا در معرض خطرات ناشی از فرونشست قرار دارند و جمعیتی حدود ۱۸ تا ۱۹ میلیون نفر در این پهنه ساکن هستند.

به گفته این مقام مسئول از سال ۱۳۷۸ که فرونشست زمین در فامنین همدان اعلام شد تا این تاریخ کارشناسان مطالعات و اقدامات زیادی درباره گسترش پرسرعت پدیده فرونشست در ایران انجام داده‌اند.

رئیس سازمان مدیریت بحران تأکید کرده که «نتایج نامطلوب توسعه پهنه‌های فرونشست زمین در سرزمین ایران را همه شاهد هستیم و آخرین ارزیابی از تجمیع تمام نقشه‌های موجود که شامل نقشه‌های سازمان نقشه‌برداری، سازمان زمین‌شناسی، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح و مرکز تحقیقات وزارت راه و مسکن و شهرسازی و... نشان می‌دهد که فرونشست در کشور ما جدی است و باید به آن دقت کنیم.»

محمد حسن نامی با بیان اینکه «زوم‌های فرونشست در برخی از شهرها قابل توجه است» گفته که «فرونشست در تهران، خراسان رضوی و اصفهان بیشتر باید توجه شود و ما نیز به دنبال این هستیم که با یک برنامه خاص و مدون انتقال آب به سفره‌های زیرزمینی انجام شود تا آبخوان‌ها از بین نروند.» او معتقد است در هیچیک از بخش‌های کشاورزی، صنعتی

«اکنونمیست»: مشروعیت رو به زوال روحانیت شیعه و نظریه پردازی درباره نقش سپاه پاسداران



چهارشنبه سوری ۱۴۰۱ در ایران

سرسخت‌ترین رقیب سنی جمهوری اسلامی یعنی عربستان سعودی بنا شود.

روزگاری گفته می‌شد بزرگترین گورستان جهان در شهر شیعه‌نشین نجف در عراق است اما در این کشور اکنون افرادی از سراسر منطقه برای ادای احترام خود را به یک زیارتگاه جدید می‌رسانند: قبر ابومهدی المهندس از رهبران حشدالشعبی در کنار بنای یادبود قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در حمله پهبادهای آمریکایی حوالی فرودگاه بغداد کشته شدند.

اتوبوس‌های زائران شیعه از لبنان و بحرین و همچنین نقاطی از عراق و ایران به این محل می‌آیند تا از این دو نفر به دلیل ایجاد یک ائتلاف شیعی که شامل حدود ۱۵ درصد از جمعیت مسلمانان در سراسر جهان می‌شود قدرانی کنند.

یک شبه‌نظامی لبنانی با اشاره به «قرن‌ها حکمرانی سنی‌ها در منطقه در کشورهایی مثل عربستان، مصر، ترکیه و سایر کشورهای سنی» می‌گوید: «حکمرانی شیعه در سراسر منطقه یک پیروزی است... دیگر ما شیعیان کفش جُفت‌کن و جاروکش خیابان‌های خاورمیانه نخواهیم بود.» اگر بیست سال پیش تهاجم آمریکا به عراق روی نمی‌داد، احیای شیعه ممکن بود هرگز اتفاق نیفتد. اگرچه انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ همین هدف را دنبال می‌کرد اما سرنگونی رژیم سنی‌مذهب صدام حسین بود که راه را برای سلطه‌جویی جمهوری اسلامی شیعه در منطقه باز کرد. سرنگونی صدام خلاءهای قدرتی به وجود آورد که حکومت اسلامی در ایران اغلب آنها را پر کرد.

از پیش کنار گذاشته می‌شود.»

● در عراق نیز معترضان شروع به اعتراض علیه روحانیونی کرده‌اند که نظام سیاسی عراق مشروعیت خود را از فتوای آنها می‌گیرد. اخیراً در عراق مردم بتری را نصب کرده بودند که روی آن نوشته شده بود: «به نام دین توسط دزدان غارت شدیم». در برخی مساجد در محله‌های طبقه متوسط بغداد، روحانیون خطبه‌های نماز جمعه خود را رها کرده‌اند، زیرا دیگر توان جذب مردم را ندارند.

● برخی خودی‌های حکومت می‌گویند که حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در صورتی که روحانیون نتوانند کشور را حفظ کنند، ممکن است برای به دست گرفتن قدرت تلاش کند. یک تحلیلگر سیاسی در تهران بر این باور است که سپاه حتماً ممکن است یک «قرارداد اجتماعی جدید» ارائه دهد.

● یک استاد دانشگاه می‌گوید: «ما در حالت تعلیق حیات بین یک دوره و دوره بعدی بسر می‌بریم.»

● یکی از مشاوران دولت می‌گوید «اگر سپاه زمام امور را به دست بگیرد، انزوای روحانیون را کنار می‌گذارد و به غرب نزدیک می‌شود». این می‌تواند طبقه مرفه تجاری ایران و حتا ایرانیان پر سر و صدای خارج کشور را که سال‌ها با آیت‌الله‌ها مخالف بوده‌اند با خود همراه کند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ممکن است حتا حمایت جمهوری اسلامی از اقمار خود را در منطقه از جمله در سوریه، لبنان و یمن کاهش دهد و این اقدام می‌تواند بر تصمیم اخیر علی خامنه‌ای برای برقراری مجدد روابط با

● هفته‌نامه «اکنونمیست» در گزارشی می‌نویسد هرچند به نظر می‌رسد حکومت‌های شیعه به رهبری علی خامنه‌ای در منطقه مسلط هستند اما علائمی مثل «وضعیت اقتصادی فساد، سوء مدیریت و سقوط ارزش پول» و فراتر از اینها نارضایتی شدید مردم از این حکومت‌ها و ضعیف شدن جایگاه روحانیون و مراجع در جامعه حکمرانی شیعیان را با هرج و مرج و آشفتگی روبرو کرده است.

● در ایران، سوریه، عراق، لبنان و یمن درآمدها به شدت کاهش یافته، ارزش پول آنها سقوط کرده و تورم در کشورهای «هلال شیعی» افزایش یافته است.

● در این میان اما کاهش محبوبیت شیعه در ایران بیشتر به چشم می‌خورد. تظاهرات مردم علیه حکومت تقریباً هر دهه یک بار بود اما از سال ۲۰۱۷ در ایران بطور مداوم تظاهرات سراسری شکل می‌گیرد. طبقه کارگر که سال‌ها پایگاه اجتماعی رژیم به شمار می‌رفت و همچنین دانشجویان و طبقه متوسط به صف معترضان پیوسته‌اند. یک نظرسنجی اخیر حاکی از آن است که بیش از ۸۰ درصد از مردم ایران اعتراضات فعلی را تأیید می‌کنند.

● «با افزایش نارضایتی، بسیاری از شیعیان ایمان خود را، نه فقط به ایدئولوژی آیت‌الله‌ها، بلکه به خود دین، از دست می‌دهند. تقلید مذهبی از آیت‌الله‌ها در حال تضعیف است. به ویژه زنان خواهان کنار گذاشتن پوشش مذهبی و مردسالاری و تعصب هستند. حجاب در ایران که زمانی روح‌الله خمینی بنیانگذار رژیم آن را به عنوان «پرچم» جمهوری اسلامی می‌خواند، از سوی جامعه پیش



«هلال شیعی» علیه جهان سنی؟

شبه‌نظامیان شیعه از هزاران کیلومتر دورتر مانند افغانستان و پاکستان به سوریه سرازیر شدند. در لبنان یک جنبش سیاسی شیعه، حزب‌الله، به نیروی مسلط این کشور تبدیل شد. در یمن حوثی‌ها احیاگر شیعه شدند و صنعا را در اشغال خود گرفتند. شبه‌نظامیان شیعه از شمال، جنوب و شرق پهنادهای خود را به سمت عربستان سعودی، اردوگاه اسلام سنی پرتاب کرده و به کاخ‌های سلطنتی آن در پایتخت ریاض حمله کردند و برای مدت کوتاهی نیمی از عرضه نفت این کشور را مختل کردند. در سال ۲۰۰۴ ملک عبدالله پادشاه اردن با شکایت از اینکه یک «هلال شیعی» جدید جهان سنی قدیم را به خطر انداخته، اظهار نگرانی کرد. روحانیون شیعه که عمدتاً تربیت شده حوزه‌های علمیه در ایران مثل حوزه قم هستند، رهبری شیعیان منطقه را به عهده داشتند. دامنه نفوذ اینها از رهبری حزب‌الله در لبنان و تسلط بر شبه‌نظامیان یمن تا رهبران سه حزب از شش حزب اصلی شیعه عراق و همچنین در خود ایران گسترش یافته است.

زیرتگاه‌های اصلی شیعیان در نجف و کربلا عراق بیشتر از مکه در عربستان سعودی زائر به خود جذب می‌کنند. آنها جهادگران سنی [داعش] را که در شرق سوریه و شمال غرب عراق خلافت ایجاد کردند از بین بردند. آنها زادخانه بزرگی دارند که تخمین زده می‌شود فقط ۱۵۰ هزار فرزند موشک آن به سمت اسرائیل نشانه گرفته شده است.

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی به آرزوی دیرینه خود برای رسیدن به دریای مدیترانه از راه زمینی و اخیراً هوایی، از طریق عراق و سوریه و به لبنان جامه عمل پوشانده است. با اینهمه ممکن است هم‌اکنون مقطع حساسی برای حکمرانان شیعه باشد. رژیم ایران با گسترده‌ترین اعتراضات خیابانی روبروست و حکومت از درون پوسیده شده است. عراق گرفتار فساد، خشونت‌های دوره‌ای و ضعف حکومت است. بحران‌های جانشینی در هر دو کشور تشدید شده است. علی طاهر مدیر اندیشکده «بیان» در بغداد می‌گوید: «این باور وجود دارد که نظم اسلامی به بن‌بست رسیده است.»

یک دلیل این است که روحانیون در اقتصاد عملکردی افشاح داشته‌اند. درآمدها به شدت کاهش یافته، ارزش ریال سقوط کرده و تورم در سراسر «هلال شیعه» افزایش یافته است. پوند لبنان یکی از بی‌ارزش‌ترین واحدهای پول دنیاست. لیر سوریه بی‌ارزش‌تر شده و اقتصاد ایران از زمانی که آمریکا در سال ۲۰۱۸ از برجام خارج شد دچار بحران شده است. دلار قبل از انقلاب اسلامی ۷ تومان بود و اکنون به بیش از ۴۵ هزار تومان رسیده است.

ایران در دوران تعلیق حیات بسر می‌برد

عراق باید این بحران را کاهش می‌داد. این کشور به تنهایی در میان کشورهای شیعه، پیوندهای خود را با اقتصاد جهانی تحت قیمومیت آمریکا حفظ کرد. اما دلان قدرت آن ثروت نفتی عراق را هدر دادند. در سرتاسر منطقه وسیع‌تر، رهبران شبه‌نظامی شیعه از اقتصاد نفتی و هدایت شبکه‌های قاچاق و تولید انبوه مواد مخدر استفاده کرده‌اند. حتی در لبنان، که زمانی مرکز بانکداری پیشرو در خاورمیانه بود، رهبران شیعه در سوء مدیریت فاجعه‌بار اقتصاد سهیم شدند.

دموکراسی در ایران که در واقع همان حاکمیت شیعه محسوب می‌شود با وجود حکومت همه‌جانبه روحانیون رو به زوال رفته است. مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری

اسلامی ایران در سال ۲۰۲۱ کمترین میزان از سال ۱۹۷۹ بعد از انقلاب اسلامی بود. مشارکت شیعیان در انتخابات عراق، از ۸۰ درصد پس از سقوط صدام حسین به حدود ۲۰ درصد در سال ۲۰۲۱ کاهش یافته و نامزدهای مستقل در صدر آرای انتخابات قرار گرفتند. گفته می‌شود که در مناطق جنوبی بیروت، پایتخت لبنان، حمایت از حزب‌الله که همچنان بر منطقه مسلط است، رو به کاهش است.

در این میان اما کاهش محبوبیت شیعه در ایران بیشتر از همه جا به چشم می‌خورد. تظاهرات مردم علیه حکومت تقریباً هر دهه یک بار بود اما از سال ۲۰۱۷ در ایران بطور مداوم تظاهرات سراسری شکل می‌گیرد. در ایران طبقه کارگر که سال‌ها پایگاه اجتماعی رژیم به شمار می‌رفت و همچنین دانشجویان و طبقه متوسط به صف معترضان پیوسته‌اند. یک نظرسنجی اخیر حاکی از آن است که بیش از ۸۰ درصد از مردم ایران اعتراضات فعلی را تأیید می‌کنند. با افزایش نارضایتی، بسیاری از شیعیان ایمان خود را، نه فقط به ایدئولوژی آیت‌الله‌ها، بلکه به خود دین، از دست می‌دهند. تقلید مذهبی از آیت‌الله‌ها در حال تضعیف است. به ویژه زنان خواهان کنار گذاشتن پوشش مذهبی و مردسالاری و تعصب هستند. حجاب در ایران که زمانی روح‌الله خمینی بنیانگذار رژیم آن را به عنوان «پرچم» جمهوری اسلامی می‌خواند، از سوی جامعه بیش از پیش کنار گذاشته می‌شود.

در عراق نیز معترضان شروع به اعتراض علیه روحانیونی کرده‌اند که نظام سیاسی عراق مشروعیت خود را از فتوای آنها می‌گیرد. اخیراً در عراق مردم بزنی را نصب کرده بودند که روی آن نوشته شده بود: «به نام دین توسط دزدان غارت شدیم». در برخی مساجد در محله‌های طبقه متوسط بغداد، روحانیون خطبه‌های نماز جمعه خود را رها کرده‌اند، زیرا دیگر توان جذب مردم را ندارند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که گرچه بیشتر شیعیان عراق هنوز به آیت‌الله‌های خود احترام می‌گذارند، اما دیگر کورکورانه از آنها اطاعت نمی‌کنند، به ویژه در مسائل مربوط به امور شخصی و فریضه‌های دینی.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در سن ۸۳ سالگی بیمار است و جانشینی او در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به نظر نمی‌رسد هیچ‌یک از گزینه‌های جانشینی او بتوانند قدرت رژیم را احیاء کنند. ابراهیم رئیسی رئیس دولت کنونی به دلیل نداشتن صلاحیت دینی، توسط روحانیون دیگر به چالش کشیده می‌شود. مجتبی پسر علی خامنه‌ای که در قم تدریس می‌کند از گزینه‌های اصلی جانشینی اوست اما به نظر می‌رسد بعد از انقلاب ۷۹ حکومت موروثی کنار گذاشته شده است.

گزینه‌ها اما محدود است زیرا خامنه‌ای مدت‌ها پیش محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی سابق را که گفته می‌شد خواستار «تحول اساسی» در نظام شده بود، منزوی کرد. اکبر هاشمی رفسنجانی یکی دیگر مهره‌های اصلی نظام تا پیش از مرگ تحت فشار بود. میرحسین موسوی از نامزدهای انتخابات ۲۰۰۹ نیز ۱۳ سال است که در حصر است. وی اخیراً خواستار برگزاری «همه‌پرسی» در مورد اینکه آیا ایران باید «جمهوری اسلامی» بماند یا نه، شده بود. برخی خودی‌های حکومت می‌گویند که حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در صورتی که روحانیون نتوانند کشور را حفظ کنند، ممکن است برای به دست گرفتن قدرت تلاش کند. یک تحلیلگر سیاسی در تهران بر این باور است که سپاه حتماً ممکن است یک «قرارداد اجتماعی جدید» ارائه دهد. سپاه پاسداران در حال حاضر بر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی،

سرویس‌های اطلاعاتی و حدود ۴۰ درصد از اقتصاد ایران تسلط دارد، بنابراین یک کودتا دور از تصور است. یک استاد دانشگاه می‌گوید: «ما در حالت تعلیق حیات بین یک دوره و دوره بعدی بسر می‌بریم.»

تداوم نظرپردازی درباره نقش سپاه پاسداران

یکی از مشاوران حکومت می‌گوید «اگر سپاه زمام امور را به دست بگیرد، انزواگرایی روحانیون را کنار می‌گذارد و به غرب نزدیک می‌شود». این می‌تواند طبقه مرفه تجاری ایران و حتا ایرانیان پر سر و صدای خارج کشور را که سال‌ها با آیت‌الله‌ها مخالف بوده‌اند با خود همراه کند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ممکن است حتا حمایت جمهوری اسلامی از اقل‌های خود را در منطقه از جمله در سوریه، لبنان و یمن کاهش دهد و این اقدام می‌تواند بر تصمیم اخیر علی خامنه‌ای برای برقراری مجدد روابط با سرسخت‌ترین رقیب سنی جمهوری اسلامی یعنی عربستان سعودی بنا شود.

عراق نیز با بحران جانشینی روحانیون خود مواجه است. البته این موضوع کمتر از ایران به صراحت سیاسی به نظر می‌رسد زیرا سیستم انتخاباتی عراق به شکلی که در ایران مورد توجه مذهبیبون قرار گرفته، نیست. روحانیون عراق بجای حضور مستقیم در حکومت ترجیح می‌دهند نمایندگان خود را جلو بفرستند هرچند مقتدی صدر یکی از رهبران پوپولیست شیعیان عراق از این امر مستثنی است.

با این حال، سیاستمداران عراقی مراجع بلندپایه تقلید مثل علی سیستانی ۹۲ ساله را نعمتی برای خود می‌دانند چنانکه در سال ۲۰۱۳ وقتی داعش تهدید کرده که عراق را اشغال می‌کند، این سیستانی بود که شیعیان را به مسلح شدن فرا خواند. اما اخیراً او از صحنه سیاسی کناره‌گیری کرده و جانشین مشخصی نیز برایش پیدا نشده است. یک مفسر شیعه عراقی می‌گوید: «عصر مرجعیت رو به پایان است. مقتدی صدر ممکن است جاه‌طلبی داشته باشد تا جانشین سیستانی به عنوان رهبر روحانیون عراقی شود، اما مجموعه‌ای از دیگر رهبران شیعه به شدت علیه او هستند.» در هر صورت، از زمانی که آمریکا در سال ۲۰۲۰ سلیمانی و ابوالمهدی المهندس را ترور کرد، رژیم ایران برای مقابله با دور شدن اقل‌ها در منطقه از تهران تلاش کرده است. یک تحلیلگر در بیروت نزدیک به حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در پاسخ به این پرسش که چرا حزب‌الله با میانجیگری آمریکا با قرارداد دریایی جهت استخراج از میدان گاز با اسرائیل موافقت کرده است، می‌گوید: «آنها می‌پرسند که چرا ما باید عامل ایران باشیم! بشار اسد رئیس جمهور سوریه نیز مشغول کار خودش است. اسد اخیراً در امارات متحده عربی مورد استقبال قرار گرفته و به عمان سفر کرده و وزیر خارجه مصر را نیز پذیرفته است. با وجود وابستگی به ایران اما آخرین دولت عراق ممکن است با دوستی بیشتر با کشورهای تحت رهبری سنی در خلیج فارس، حاکمان ایران را ناامید کرده باشد.»

دو حکومت کنونی ایران و عراق هنوز یک زوج شیعه قدرتمند هستند اما هر دو در آشفتگی بسر می‌برند. آنها و متحدانشان در منطقه شروع کرده‌اند تا شرط‌بندی‌های خود را تضمین کنند. حالا دیگر در کشورهای سنی جمله‌ی هشداردهنده‌ی ملک عبدالله پادشاه اردن مبنی بر «خطر هلال شیعی جدید علیه جهان سنی قدیم» چندان وحشتناک به نظر نمی‌رسد.

*منبع: هفته‌نامه اکونومیست

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

وزیر آموزش و پرورش استعفا داد؛ سرپرست جدید وزاتخانه معرفی شد

● ابراهیم رئیسی ضمن موافقت با استعفای یوسف نوری، رضا مراد صحرایی رئیس دانشگاه فرهنگیان را با حفظ سمت به عنوان سرپرست وزارت آموزش و پرورش منصوب کرد.
● ساعاتی پیش از انتشار خبر استعفای یوسف نوری، تصاویری از او به عنوان وزیر آموزش و پرورش در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی منتشر شده بود.

در حالی که روزهای گذشته خبرهایی درباره برکناری یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش منتشر شده بود، روز دوشنبه ۱۴ فروردین رسانه‌های داخلی از استعفای او خبر دادند. رسانه‌های ایران امروز دوشنبه ۱۴ فروردین از استعفای یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش خبر دادند. ساعاتی پیش از انتشار این خبر تصاویری از وی در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی منتشر شده بود.

اعلام شده که ابراهیم رئیسی ضمن موافقت با استعفای یوسف نوری، رضا مراد صحرایی رئیس دانشگاه فرهنگیان را با حفظ سمت به عنوان سرپرست وزارت آموزش و پرورش منصوب کرده است.

رضامراد صحرایی متولد ۱۳۵۵ و دکتری زبان‌شناسی از دانشگاه «علامه» و استاد تمام وقت این دانشگاه است که از اردیبهشت سال گذشته به عنوان رئیس دانشگاه فرهنگیان منصوب شد. تا زمان تنظیم این گزارش دلایل رسمی استعفای وزیر آموزش و پرورش سابق اعلام نشده اما عدم پرداخت به موقع حقوق معلمان، مشکلات بروز کرده در مدارس به دلیل مسمومیت‌های گسترده دانش‌آموزان و عدم اجرای مناسب قانون رتبه‌بندی معلمان از مشکلاتی است که در دوران کوتاه وزارت نوری بر آموزش و پرورش حاکم بوده است.

اواخر هفته گذشته خبرهایی غیررسمی از احتمال عزل یوسف نوری منتشر شده بود. وبسایت «بولتن نیوز» آخر هفته گذشته در خبری با عنوان «وزیر آموزش و پرورش عزل شد؟» نوشته بود که «خبرنگار بولتن نیوز از یک نماینده مجلس که خواست نامش فاش نشود شنیده که خبر برخورد با مدیر ناکارآمد همان عزل یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش است. وی گفت: رئیس جمهور دستور عزل وزیر آموزش و پرورش را داده و احتمالاً این موضوع به زودی رسانه‌ای می‌شود.»

خبرگزاری دانشجو وابسته به بسیج دانشجویی اما نوشته بود که «بعد از ماجرای تأخیر در پرداخت حقوق آخر سال معلمان و تأیید تصمیم آموزش و پرورش از طرف دولت، دو معاون این وزارتخانه عزل شده‌اند.»

این خبرگزاری نوشت که «شنیده‌ها حاکی از این است که بنا به دستور رئیس جمهور، مدیرکل دفتر وزارتی (حجت‌الله الماسی)، معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع (صادق ستاری فرد) و چند تن دیگر از مسئولین حوزه مالی توسط وزیر آموزش و پرورش از مقام خود عزل شدند.»

وزارت آموزش و پرورش هم صبح امروز جمعه ۱۱ فروردین ۱۴۰۲ با صدور اطلاعیه‌ای از «خوردن عوامل تأخیر و نحوه پرداخت حقوق اسفندماه فرهنگیان» خبر داده است.

در این اطلاعیه آمده بود: «متأسفانه با توجه به تغییر در نگارش حقوق اسفند ماه در آخرین لحظات پایان سال ۱۴۰۱، پرداخت حقوق اسفندماه همکاران فرهنگی با مشکلاتی روبرو شد که به همین جهت از تمام همکاران عذرخواهی می‌شود.» این اطلاعیه افزوده بود که «در پی دستور کتبی وزیر آموزش و پرورش در مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۹، تصور منجر به تأخیر و نحوه پرداخت به موقع حقوق اسفندماه فرهنگیان متوجه معاونت



یوسف نوری صبح دوشنبه ۱۴ فروردین و ساعاتی پیش از انتشار خبر استعفا- جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی

و بعد بسیار بدتر برجسته شد. بخشی هم شاید توسط شبکه‌های غیررسمی داخلی حتی بخشی از شبکه‌های رسمی و اطلاع‌رسانی جمعی داخلی گفته شد. دشمن هم دشمن است دیگر.»

همچنین اوایل اسفندماه وزارت آموزش و پرورش از راه‌اندازی قرارگاهی به نام «کوثر» در این وزارتخانه خبر داده بود که هدف آن آماده ساختن کودکان دختر برای ازدواج و فرزندآوری است. این خبر نیز با موجی از انتقادات همراه شد. مه‌ماه گذشته و چند هفته پس از آغاز اعتراضات سراسری نیز خبرهایی از محکوم کردن دانش‌آموزان بازداشتی به حضور در مراکز اصلاح و تربیت منتشر شد. یوسف نوری در واکنش به این خبرها گفته بود «مواردی که بازداشت باشند برای بحث اصلاح و تربیت است که در مرکز روانشناسی هستند و دوستان کارشناس کارشان را انجام می‌دهند تا بعد از اصلاح به محیط مدرسه برگردند!»

او در پاسخ به اینکه پس در جریان اعتراضات خیابانی دانش‌آموزان بازداشتی هم داریم، اعلام کرد که «در این شرایط و مرحله ممکن است این دانش‌آموزان به شخصیت‌های ضداجتماعی تبدیل شوند که می‌خواهیم آنها را اصلاح کنیم!» یوسف نوری یک سال و نیم پیش و در جلسه بررسی صلاحیت‌اش برای این وزارتخانه در مجلس شورای اسلامی گفته بود که «تحقق آموزش و پرورش در تراز انقلاب اسلامی دور از انتظار نیست. اگر تربیت انسان مجاهد را شاه‌بیت آموزش و پرورش می‌دانیم این وزارتخانه را باید در قله قرار دهیم.» یوسف نوری در حالی در دولت ابراهیم رئیسی وزیر آموزش و پرورش شد که یکی از مدیران رانتخوار در هولدینگ‌های وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و «بنیاد شهید» بوده است. او از جمله مدیران دولت محمود احمدی‌نژاد بوده که در سال ۸۴ به ریاست سازمان آموزش و پرورش ایلام می‌رسد، سه سال بعد هم مدیرکل وزارتخانه شده و مشاور شرکت‌های کشت و صنعت و عضو هیات مدیره پتروشیمی جهرم و مسئول تامین مالی خط لوله اتیلن مرکز هم می‌شود!

یوسف نوری همچنین در سال‌های دولت روحانی همزمان با تحصیل دکتری گردشگری روابط نزدیکی با قرارگاه «خاتم الانبیا» زیرمجموعه‌ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داشته و مجری احداث پتروشیمی جهرم و خط اتیلن مرکز بوده است.

برنامه‌ریزی و توسعه منابع، دفتر برنامه و بودجه و اداره کل مالی تشخیص داده شد، که بدون تردید برخورد قانونی برابر با ضوابط به عمل خواهد آمد.»

محمد مخبر دزفولی معاون اول ابراهیم رئیسی دو روز پیش و در نهم فروردین در نامه‌ای به ابراهیم رئیسی که متن آن در رسانه‌های داخلی ایران منتشر شد تأکید کرده بود که کوتاهی و نحوه اقدام وزارت آموزش و پرورش دلیل اصلی مشکلات عدم پرداخت حقوق اسفندماه معلمان بوده است.

در این نامه آمده بود که «پس از برگزاری جلسات متعدد با دستگاه‌های اجرایی و نظارتی و بررسی اسناد و مدارک و توضیحات دست‌اندرکاران مشخص شد کوتاهی و نحوه اقدام وزارت آموزش و پرورش علت اصلی بروز مشکل بوده است.» محمد مخبر از پرداخت منبع مالی به آموزش و پرورش برای انجام پرداخت آموزگاران خبر داده است: «با وجود تقارن موضوع با ساعات پایانی سال، موضوع با همکاری دستگاه‌ها و سازمان‌های ذیربط از جمله سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، خزانه‌داری کل کشور، بانک مرکزی و بانک ملی و وزارت آموزش و پرورش بررسی و حقوق اسفند و اصلاحیه آن در حداقل زمان پرداخت شد.»

پرداخت نشدن حقوق و مزایای شغلی آموزگاران در اسفندماه تنها یکی از موارد انتقادی درباره عملکرد یوسف نوری وزیر پیشین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی است.

موضوع اجرا نشدن قانون همسان‌سازی حقوق، حمله نهادهای امنیتی به مدارس و بازداشت گسترده دانش‌آموزان در جریان اعتراضات سراسری و محکومیت دانش‌آموزان به حبس در مراکز بازپروری، مسمومیت سریالی و حمله بیولوژیک به مدارس از جمله مواردی بود که یوسف نوری درباره آنها یا بی‌اعتنا و بی‌تفاوت بود و یا با اظهارات عجیبش بر خشم عمومی افزوده بود.

در حملات سریالی بیولوژیک به مدارس ایران، یوسف نوری پس از مدت‌ها سکوت و انکار این حملات در نخستین اظهار نظرش گفت که «بخش اعظم این موضوع، ناشی از ایجاد جو روانی در جامعه دانش‌آموزان و خانواده‌ها بوده است.» او هرچند در نهایت این حملات را پذیرفت و عذرخواهی کرد اما چند روز پیش بار دیگر درباره حملات گفت که این مسمومیت‌ها «یک منشأ اولیه داشت، اما بد معرفی شد

توافق مجدد تهران و ریاض بر سر یک توافق امنیتی که ۲۲ سال پیش امضاء شد اما دوام نیاورد!



دیدار وزرای خارجه جمهوری اسلامی و عربستان در پکن پس از هفت سال قطع روابط سیاسی تهران و ریاض / آوریل ۲۰۲۳

در امان باشد. در این گزارش آمده «رهبری عربستان سعودی مصمم است اطمینان حاصل کند که اگر اختلاف بین ایالات متحده و اسرائیل از یکسو و ایران از سوی دیگر از کنترل خارج شود، سعودی توسط تهران هدف قرار نگیرد.»

روابط پرتنش تهران و ریاض پس از حمله بسیجی‌ها به سفارت عربستان در تهران در ۱۱ دی‌ماه ۱۳۹۴ بطور کامل قطع شد. حسین امیرعبداللّه‌یان آزمون معاون عربی وزارت خارجه بود. او سه سال بعد در یک مصاحبه با وبسایت «دیپلماسی ایرانی» گفته بود «عربستان اقداماتی را از قبل شروع کرده بود که به موضوع برجام برمی‌گشت... رفتار دیوانه‌وار سعودی‌ها در قبال برجام آنها را به این جمع‌بندی رسانده بود که باید مانع از این شوند که برجام در فضایی آرام اجرائی شود... به نظرم سعودی‌ها دچار توهم بزرگی شده‌اند و توهم آنها ناشی از این است که فکر می‌کنند فرصت ترامپ برای آنها فرصتی است که می‌توانند خودشان را در مسیر مبارزه طلبی با جمهوری اسلامی ایران قرار دهند، اما به ترامپ اتکا کنند. نگاه ما به عربستان اینطور نیست. به نظرم یمن باید درس بزرگی به سعودی‌ها داده باشد.»

درواقع امیرعبداللّه‌یان در این مصاحبه اعتراف می‌کند که حوثی‌ها ابزار جمهوری اسلامی برای ضربه زدن به عربستان هستند. با اینهمه طرفین در دو سال گذشته در چند نوبت برای بهبود روابط قدم برداشتند اما در نهایت به سبب مؤلفه‌های مختلف این گام‌ها بی‌نتیجه ماند و چندان دور از ذهن نیست که اینبار نیز همین وضعیت تکرار شود.

احمد دستمالچیان سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در لبنان فروردین ۱۴۰۲ در مصاحبه با ایلنا گفته بود «عربستان به جاده صاف‌کن اسرائیل در منطقه تبدیل شده» و «ریاض امنیت ملی و حیات و مواتش را به تل‌آویو گره زده است.» او می‌گوید: «طی این سال‌ها ریاض در بسیاری از پروژه‌های امنیتی و سیاسی منطقه نقش منبع مالی و تأمین‌کننده لجستیک را بازی کرده و در کنار آن ایالات متحده هم سعی کرده تا پشتیبانی‌های اطلاعاتی و امنیتی را ارائه کند اما اسرائیل صرفاً منافع خود را در این بین کسب کرده است.»

دعوت کنند در ماه مه به عربستان سفر کند تا در نشست سران اتحادیه عرب شرکت نماید. سوریه در سال ۲۰۱۱ پس از سرکوب معترضان توسط رژیم اسد از اتحادیه عرب اخراج شد. از سوی دیگر، روسیه نیز پیش از این میزبان معاونان وزرای خارجه ترکیه، سوریه و جمهوری اسلامی در مسکو به عنوان بخشی از تلاش برای عادی‌سازی روابط بین آنکارا و دمشق بود. روس‌ها امیدوارند به زودی نشست وزیران خارجه ترکیه و سوریه برگزار شود. امیرعبداللّه‌یان پیش از این دیدار گفته بود «صهیونیست‌ها از موج همگرایی در جهان اسلام و چشم‌انداز فروپاشی داخلی سردرگم هستند.» اشاره وی به تشدید درگیری‌ها در مسجدالاقصی بود.

رویتز با اشاره به میانجیگری جمهوری خلق چین در توافق امنیتی بین جمهوری اسلامی و عربستان می‌نویسد «نقش پکن در پیشرفت بین تهران و ریاض، پویایی آمریکا در خاورمیانه را متزلزل کرد، جایی که ایالات متحده برای چندین دهه واسطه اصلی بود.»

برای عربستان سعودی، این توافق می‌تواند به معنای ارتقاء امنیت باشد. ریاض همواره رژیم ایران را در مسلح کردن حوثی‌ها و پشتیبانی از حمله موشکی و پهپادی به شهرها و تأسیسات نفتی این کشور مقصر دانسته است.

دیدار وزرای خارجه سعودی و جمهوری اسلامی در حالی صورت گرفت که یک روز پیش از آن ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) با هدف تقویت همکاری‌های امنیتی به عربستان سفر کرده بود.

شماری از تحلیلگران معتقدند توافق امنیتی بین تهران و ریاض دوام نخواهد آورد به ویژه آنکه سرداران ارشد سپاه پاسداران نسبت به این توافق سکوت کرده‌اند و مشخص نیست آیا به آن پایبند خواهند بود یا نه. برخی منابع که همسو با منافع جمهوری اسلامی هستند می‌گویند انتظاراتها را از توافق ایران و عربستان نباید بالا برد.

وبسایت اندیشکده «کوئینسی» که ترتیبا پارسی از اعضای سابق نایاک در آن فعال است، می‌نویسد علت اصلی توافق امنیتی عربستان با جمهوری اسلامی این است که ریاض می‌خواهد در صورت حمله اسرائیل به ایران، از پاسخ تهران

● با میانجیگری چینی‌ها پس از هفت سال قطع روابط میان تهران و ریاض، حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در پکن با فیصل بن فرحان وزیر خارجه عربستان سعودی دیدار کرد.

● امیرعبداللّه‌یان پیش از این دیدار گفته بود «صهیونیست‌ها از موج همگرایی در جهان اسلام و چشم‌انداز فروپاشی داخلی سردرگم هستند.»

● رویتز با اشاره به میانجیگری جمهوری خلق چین در توافق امنیتی بین جمهوری اسلامی و عربستان می‌نویسد «نقش پکن در پیشرفت بین تهران و ریاض، پویایی آمریکا در خاورمیانه را متزلزل کرد.»

● دیدار وزرای خارجه سعودی و جمهوری اسلامی درحالی صورت گرفت که یک روز پیش از آن ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) با هدف تقویت همکاری‌های امنیتی به عربستان سفر کرده بود.

● شماری از تحلیلگران معتقدند توافق امنیتی بین تهران و ریاض دوام نخواهد آورد به ویژه آنکه سرداران ارشد سپاه پاسداران نسبت به این توافق سکوت کرده‌اند و مشخص نیست آیا به آن پایبند خواهند بود یا نه. برخی منابع که همسو با منافع جمهوری اسلامی هستند می‌گویند انتظاراتها را از توافق ایران و عربستان نباید بالا برد.

● وبسایت اندیشکده «کوئینسی» که ترتیبا پارسی از اعضای سابق نایاک در آن فعال است، می‌نویسد علت اصلی توافق امنیتی عربستان با جمهوری اسلامی این است که ریاض می‌خواهد در صورت حمله اسرائیل به ایران، از پاسخ تهران در امان باشد.

● حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۱۷ فروردین در پکن با فیصل بن فرحان وزیر خارجه عربستان سعودی دیدار کرد. گفته می‌شود محور گفتگوی آنها و هیأت همراه از سر گرفتن رسمی روابط دوجانبه و بازگشایی سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌هاست.

● طرفین در یک بیانیه مشترک بر ضرورت «فعال‌سازی» موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دو کشور که فروردین ۱۳۸۰ امضاء شده بود و توافق همکاری اقتصادی و تجاری که خرداد ۱۳۷۷ به امضاء رسید تأکید کردند. همچنین در این بیانیه بر از سر گرفتن پروازها و تبادلات سیاسی و صدور ویزا برای شهروندان دو کشور تأکید شده است.

● پایگاه خبری آکسیوس می‌نویسد «این نشست بخشی از کارزار گسترده‌تر عادی‌سازی بین اردوگاه تحت رهبری عربستان سعودی و جمهوری اسلامی طی ماه‌های اخیر در تلاش برای تنش‌زدایی و پایان دادن به درگیری‌های منطقه‌ای از جمله جنگ در یمن است.»

● در همین حال فیصل مقداد وزیر خارجه رژیم سوریه روز شنبه به قاهره می‌رود. این اولین سفر وزیر خارجه سوریه به کشورهای عربی منطقه است که پیش از این مخالف بقای بشار اسد در قدرت بودند و حدود ۱۲ سال پیش با آغاز جنگ داخلی سوریه با این رژیم قطع رابطه کردند.

● تحلیلگران می‌گویند سفر وزیر خارجه رژیم اسد به قاهره نشان‌دهنده یک گام بزرگ برای عادی‌سازی روابط بین مصر به عنوان متحد کلیدی سعودی و سوریه به عنوان متحد کلیدی جمهوری اسلامی است.

● رویتز گزارش داد که سعودی‌ها می‌خواهند از بشار اسد

● وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده است، بر اساس قوانین و مقررات از ارائه خدمات آموزشی به معدود دانش‌آموزانی که قوانین و مقررات پوششی در مدارس را رعایت نمایند، معذور خواهد بود.

● ساعاتی پیش از بیانیه وزارت آموزش و پرورش، دو وزارتخانه علوم و بهداشت نیز در بیانیه‌هایی جداگانه از ممنوعیت ارائه خدمات آموزشی و رفاهی به دانشجویانی که حجاب اسلامی را رعایت نکنند خبر دادند.

● پلمب واحدهای صنفی از رستوران و اقامتگاه و مراکز تفریحی به مراکز تجاری نیز کشیده شده و روز گذشته مجتمع «کاشان مال» به دلیل آنچه «عدم رعایت شئونات اسلامی توسط مراجعین» اعلام شده تا «اطلاع ثانوی» پلمب شد. ● همزمانی تعطیلات نوروزی با آغاز ماه رمضان یکی از دلایل ایجاد مزاحمت نیروهای رسمی و لباس شخصی جمهوری اسلامی برای شهروندان به بهانه «روزه‌خواری» در کنار «بدحجابی» است.

● برخی مقامات رسمی، نیروهای لباس شخصی و بسیجی تندرو را به عنوان نیروهای «آتش به اختیار» تحریک و شهروندان را تهدید می‌کنند.

افزایش فشارها به زنان و دختران ایران به بهانه مبارزه با بی‌حجابی ادامه دارد و در نخستین روز بعد از تعطیلات نوروز وزارتخانه‌های علوم، بهداشت و آموزش و پرورش در بیانیه‌هایی مجزا از ممنوعیت ارائه خدمات آموزشی به «بی‌حجابان» در مدارس و دانشگاه‌های کشور خبر داده‌اند. وزارت آموزش و پرورش در نخستین روز کاری پس از تعطیلات نوروزی و در روز دوشنبه ۱۴ فروردین با انتشار بیانیه‌ای نوشت که «بر اساس قوانین و مقررات از ارائه خدمات آموزشی به معدود دانش‌آموزانی که قوانین و مقررات پوششی در مدارس را رعایت نمایند، معذور خواهد بود.»

وزارت آموزش و پرورش «داشتن نگاه کلان به مولفه‌های فرهنگی از جمله موضوع حجاب» را یکی از مهم‌ترین «چالش‌های موجود در نظام فکری و فرهنگی عنوان کرده است. در این بیانیه با تأکید بر ممنوعیت ارائه خدمات آموزشی به دانش‌آموزان نوشته که همزمان «ایجاد گفتمان مثبت و سازنده در بین دانش‌آموزان در موضوع فرهنگ و اعتقادات اسلامی ... ایجاد نشاط درونی و ایجاد نگرش درست و مثبت و زیباندیشی در مورد فرهنگ عفاف و حجاب در بین دانش‌آموزان» نیز پیگیری خواهد شد!

وزارت آموزش و پرورش تأکید کرده که وزارت آموزش و پرورش با نگاهی آینده‌نگرانه با برنامه‌ریزی در محورهای تربیتی و فرهنگی، مأموریت‌های خود را مشخص و با تلاش همه همکاران و خانواده‌های گرانقدر به انجام کامل وظایف خود همت گمارده است و از دستگاه‌های مختلف کشور هم می‌خواهد که در این امر خطیر، نظام تعلیم و تربیت را یاری کنند.

ساعاتی پیش از بیانیه وزارت آموزش و پرورش نیز دو وزارتخانه علوم و بهداشت در بیانیه‌هایی جداگانه از ممنوعیت ارائه خدمات آموزش به دانشجویانی که حجاب اسلامی را رعایت نکنند خبر دادند.

عباس شیروازن معاون فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در پیام خود به مناسبت بازگشایی مدارس و در بیانیه‌ای ضمن تشکر از دانشجویانی که شئونات اسلامی را رعایت می‌کنند نوشته که «کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تحت نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از ارائه خدمات آموزشی، رفاهی و ... به معدود دانشجویانی که قوانین و مقررات دانشگاه‌ها در این

تشدید فشارها به بهانه حجاب؛ تهدید از سوی سه وزارتخانه به ممنوعیت ارائه خدمات آموزشی و رفاهی به «بی‌حجابان»!



خصوص را رعایت نمایند، معذور خواهند بود.»

وزارت علوم نیز در اطلاعیه‌ای مشابه نوشته که «کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تحت نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از ارائه خدمات آموزشی، رفاهی و ... به معدود دانشجویانی که قوانین و مقررات دانشگاه‌ها در این خصوص را رعایت نمایند، معذور خواهند بود.»

موضوع حجاب و مبارزه با بی‌حجابی از اسفندماه گذشته و همزمان با تدوین طرح «عفاف و حجاب» در مجلس شورای اسلامی دارای ابعاد جدیدی در عرصه اجتماعی شده است. اسفندماه گذشته و تنها چند روز مانده به آغاز تعطیلات نوروزی چند اقامتگاه و تفریحگاه توریستی در چند شهر ایران پلمب شدند.

پلمب مراکز توریستی و تفریحی و اقامتگاه در طول سه هفته تعطیلات نوروزی ادامه پیدا کرد و همچنان ادامه دارد. طی روزهای گذشته ده‌ها مرکز تفریحی و توریستی در شهرهای مختلف ایران پلمب شدند و در یکی از آخرین موارد سرهنگ رضا سبزواری رئیس پلیس امنیت عمومی انتظامی لرستان از پلمپ ۲ واحد صنفی متخلف به علت عدم رعایت ضوابط و مقررات در شهرستان خرم‌آباد خبر داد. همچنین روز یکشنبه ۱۳ فروردین روابط عمومی ستاد امر به معروف و نهی از منکر با پلمب اعلام کرد که ۶ واحد صنفی در این شهرستان به علت آنچه رعایت نکردن شئون

اسلامی توصیف شده، در روزهای گذشته پلمب شدند. پلمب واحدهای صنفی از رستوران و اقامتگاه و مراکز تفریحی به مراکز تجاری نیز کشیده شده است. روز گذشته با دستور دادستان کاشان طبقات تجاری و تفریحی مجتمع «کاشان مال» به دلیل آنچه «عدم رعایت شئونات اسلامی توسط مراجعین» اعلام شده تا «اطلاع ثانوی» پلمب شد.

به گزارش خبرنگاری «رکتنا» مجتمع «کاشان مال» یک مجتمع چند منظوره و بزرگترین مجتمع تجاری و گردشگری منطقه شمال استان اصفهان است که ۲۲۰ نفر بطور مستقیم و ده‌ها نیروی پیمانکاری بطور غیرمستقیم در آن مشغول به کار هستند و با تعطیلی آن همه این افراد بیکار شدند. در روزهای گذشته ویدئوهای زیادی از تشدید فشارها بر زنان برای رعایت حجاب اسلامی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. در یک ویدئو که مربوط به طبقه مشهد است یک نیروی بسیجی که مداح این منطقه معرفی شده در یک لبنیات‌فروشی سطل ماست را بر روی سر مادر و دختری که حجاب اسلامی نداشتند خالی کرده و با فروشنده درگیر می‌شود.

در ویدئوی دیگری مدیریت و پرسنل فرودگاه شیراز به خانم‌های بدون حجاب تذکر داده و خواستار پوشش پیش از ارائه بلیط ورود به هواپیما می‌شود.

طی تعطیلات نوروزی چندین ویدئو از برخورد مأموران حکومتی با شهروندان بازدیدکننده اماکن تاریخی و توریستی از جمله در «طاق بستان» کرمانشاه منتشر شده است. مأموران یا افراد مذهبی که «آمر به معروف» شناخته می‌شوند با شهروندان درگیر شده یا مانع ورود زنان و دختران «بدحجاب» به اماکن تاریخی و توریستی می‌شدند. همچنین در ویدئوی دیگری که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده شماری از نیروهای تندرو و منتقد به آزادی پوشش در رامسر، استاندار مازندران را تهدید می‌کنند که اگر در برخورد با «بی‌حجابی» نمی‌تواند کاری کند، آنها به صورت «آتش به اختیار» وارد عمل خواهند شد!

همزمانی تعطیلات نوروزی با آغاز ماه رمضان در ایران نیز یکی از دلایل امنیتی- انتظامی کردن فضای اجتماعی در کشور و ایجاد مزاحمت نیروهای رسمی و لباس شخصی جمهوری اسلامی برای شهروندان به بهانه «روزه‌خواری» در کنار «بدحجابی» است. حساب کاربری «۱۵۰۰ تصویر» ویدئویی منتشر کرده که نشان می‌دهد مأموران امنیتی روز یک شهروند را به دلیل «غذا خوردن در ماه رمضان» ضرب و جرح و بازداشت کرده‌اند.

در توضیح این ویدئو آمده که «در روز سیزده فروردین در کرج، نیروهای جمهوری اسلامی، مردی را جلو همسر و فرزندان، به خاطر غذا خوردن در این ماه، به شدت کتک زده، پا بر روی گردنش گذاشته و بعد بازداشت کردند.» برخی مقامات رسمی نیز نیروهای لباس شخصی و بسیجی تندرو را به عنوان نیروهای «آتش به اختیار» تحریک و شهروندان را تهدید می‌کنند.

از جمله محمدهادی رحیمی صادق مدیر حوزه علمیه استان تهران در سخنانی گفته که «گر وضع به همین صورت پیش برود، ما دچار چند مشکل بزرگ خواهیم شد، اولاً بی‌حجابی به همین محدوده‌ای که هست، باقی نخواهد ماند و کیفیت و کمیت آن روز به روز با تلاشی که دشمنان ما دارند و بعضی‌ها هم بی‌مبالا هستند، محدوده‌اش گسترش پیدا خواهد کرد و بی‌حجابی متوقف نخواهد شد.» مدیر حوزه علمیه استان تهران افزوده که «عوارض مخرب دیگری که در سایه بی‌حجابی رخ می‌دهد، به هیچ وجه جامعه و نظام ما نمی‌تواند با آنها کنار بیاید و برخورد خواهد شد. دوم اینکه صبر مردم متدین ما به پایان



سوریه باتلاق نیروهای «سپاه قدس» وزیر دفاع اسرائیل: هر کاری لازم باشد می‌کنیم تا آنها را بیرون کنیم



تشییع جنازه یکی از نیروهای سپاه که در سوریه کشته شد

افزایش تنش نظامی در سوریه در حالی صورت می‌گیرد که رهبران عرب به دنبال نزدیکی با بشار اسد رئیس جمهوری رژیم سوریه هستند. رویترز روز یکشنبه گزارش داد که ۱۱ سال پس از اخراج رژیم سوریه از اتحادیه عرب، اسد برای شرکت در نشست ماه آینده در عربستان سعودی دعوت خواهد شد.

به گزارش «تایمز اسرائیل»، یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل که برای بازدید به کرانه باختری رود اردن رفته بود به جمهوری اسلامی نسبت به بی‌ثبات کردن منطقه هشدار داد و گفت: «ما اجازه نمی‌دهیم ایرانی‌ها و حزب‌الله به ما صدمه بزنند. در گذشته اجازه ندادیم و اکنون با هیچ زمانی در آینده نیز اجازه نخواهیم داد.»

گالانت در یک مراسم جشن پیش از عید پاک در حضور سربازان اسرائیلی گفت: «تمام جبهه‌ها با تنش مواجه است و جمهوری اسلامی در صدد است تا با گسترش نفوذ در کرانه باختری و نوار غزه، خود را در سوریه و لبنان مستقر کند.» او تهدید کرد: «اگر لازم باشد، آنها را از سوریه بیرون می‌کنیم و به همانجایی که از آن آمده‌اند می‌فرستیم، یعنی ایران.» با گذشت ۱۲ سال از جنگ سوریه، این جنگ به باتلاق نیروهای سپاه قدس تبدیل شده است. تا کنون بیش از ۷ هزار نفر از اعضای نیروهای سپاه و ارتش و همچنین گروه‌های شبه‌نظامی وفادار به جمهوری اسلامی در آن کشور کشته شدند.

درگیری‌های منطقه‌ای توسط شبه‌نظامیان مورد حمایت سپاه پس از آن تشدید شد که برخی جریان‌های امنیتی در ایران نزدیک به اصلاح‌طلبان بر اساس طرح سه سال پیش جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پیشنهاد دادند که جمهوری خلق چین برای کاهش تنش میان جمهوری اسلامی و اسرائیل میانجیگری کند.

● اسرائیل یک ریزپرنده را که گفته می‌شود متعلق به جمهوری اسلامی بوده در بلندی‌های جولان سرنگون کرد.

● بعد از کشته شدن دو سپاهی در سوریه در پیامد حملات اسرائیل، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ادعا کرد خون‌شان هدر نخواهد رفت. علی بهادری چهرمی سخنگوی دولت نیز تهدید کرد «اقدامات تروریستی بی‌پاسخ نخواهند ماند.»

● گالانت وزیر دفاع اسرائیل می‌گوید «جمهوری اسلامی در صدد است تا با گسترش نفوذ در کرانه باختری و نوار غزه، خود را در سوریه و لبنان مستقر کند اما اگر لازم باشد، آنها را از سوریه بیرون می‌کنیم و به همانجایی که از آن آمده‌اند می‌فرستیم، یعنی ایران.»

پس از کشته شدن دو عضو نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه در حمله جنگنده‌های اسرائیل و تهدید مقامات جمهوری اسلامی به اقدام تلافی‌جویانه، اسرائیل روز یکشنبه دوم آوریل (۱۳ فروردین) یک شیء پرنده ناشناس را که از سوریه به حریم هوایی این کشور نزدیک شده بود سرنگون کرد.

آویچای آدرایی سخنگوی ارتش اسرائیل تأیید کرد یک پرنده ناشناس از سوریه وارد حریم هوایی اسرائیل شد اما سرنگون گردید و هیچ خطری نداشته است.

کمتز از یک روز پیش از آن جنگنده‌های اسرائیل پایگاه‌های سپاه پاسداران و گروه‌های نیابتی را در حصص هدف قرار داده بودند که طبق اعلام منابع سوری شماری زخمی شدند. اسرائیل در چهار روز سه بار به سوریه حمله کرد و دست‌کم دو نفر از نیروهای سپاه پاسداران به نام «میلاد حیدری» و «مقداد مهقانی» کشته شدند. آنها پس از تشییع جنازه در سوریه به ایران منتقل شدند.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی این دو پاسدار را «مستشار» خواند و ادعا کرد خون‌شان هدر نخواهد رفت.

علی بهادری چهرمی سخنگوی دولت با اشاره به کشته شدن دو پاسدار در سوریه نیز ادعا کرده «اقدامات تروریستی بی‌پاسخ نخواهند ماند.»

دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در بریتانیا گزارش داد که در حمله اسرائیل به انبار تسلیحاتی حزب‌الله لبنان دو نفر از نیروهای ایرانی کشته و پنج سرباز پدافند هوایی سوریه زخمی شدند.

شماری تحلیلگران می‌گویند حزب‌الله و سایر شرکای سپاه پاسداران در منطقه از جمله حماس و جهاد اسلامی خود را آماده یک عملیات علیه اسرائیل می‌کنند. برخی می‌گویند به دلیل ضعف جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا است که شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی به تهدید علیه اسرائیل و متحدان آمریکا در منطقه ادامه می‌دهند.

خبرگزاری تسنیم به نقل از منابع اسرائیلی نوشت «برآورد ارتش اسرائیل این است که پهباد ایرانی به منطقه جولان نفوذ کرده است.» جمهوری اسلامی در هفته‌های اخیر مدام از اسرائیل ضربه خورده و هواداران نظام در شبکه‌های اجتماعی خواستار «اقدام تلافی‌جویانه» هستند اما مقامات فقط تهدید توخالی کرده‌اند و در عمل قادر به انجام هیچ اقدامی نبوده‌اند.

→ خواهد رسید و ممکن است خودشان دست به اقداماتی بزنند، آن وقت جامعه دچار نابسامانی و هرج و مرج خواهد شد؛ بنابراین به هیچ وجه وضعیت موجود قابل پذیرش نیست.»

از سوی دیگر مجلس شورای اسلامی نیز از اواخر سال گذشته به دنبال تشدید قوانین سختگیرانه در رابطه حجاب اجباری است. پیش از نوروز طرحی با موضوع «حجاب و عفاف» از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی تدوین شد که بر اساس آن مجازات‌هایی برای زنانی که حجاب اسلامی را رعایت نکنند در نظر گرفته شده است. این مجازات‌ها از ضبط گواهینامه و پاسپورت تا جریمه‌های نقدی از ۵۰۰ هزار تومان تا ۳ میلیارد تومان هستند. حسین جلالی نماینده شهرستان انار در مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه ششم فروردین جزئیاتی از مجازات‌های پیش‌بینی شده در طرح «عفاف و حجاب» را مطرح کرده و گفته بود این طرح نتیجه برگزاری «۳۰۰ جلسه با شورای انقلاب فرهنگی و شورای امنیت ملی» است و این طرح به اطلاع علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و قوه قضاییه هم رسیده است.

مرتضی آقاچه‌رانی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز روز یکشنبه ۱۳ فروردین از «پیگیری طرح عفاف و حجاب» خبر داد و گفت که «با سران سه قوا، اعضای مجلس خبرگان، دبیر شورای انقلاب فرهنگی» درباره «حجاب» جلسه داشته تا «همه به مواضع مشترکی دست یابند و به شکل همگانی» ورود کنند.

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در نامه‌ای که درباره حجاب منتشر کرد به طرح تعدادی از نمایندگان برای افزایش جریمه و تعیین مجازات‌های مختلف برای زنانی که حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند، گفت: «این طرح کامل و جامع و عملیاتی و به روز است» اما رئیس مجلس با طرح آن در صحن علنی موافقت نکرده است.

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی افزود که محمدباقر قالیباف قول داده در صورتی که «دولت و یا قوه قضاییه لایحه‌ای درباره حجاب بدهند، هفتاد ساعته کار [تصویب] آن را تمام می‌کنند.»

مرتضی آقاچه‌رانی همچنین تهدید کرد که «دیگر زمان سکوت نیست» و «برادران و خواهران» باید «نقش خود را در فضای حقیقی و مجازی» ایفا کنند.

در واکنش به تشدید فشارها و تهدیدها و قوانین سختگیرانه درباره حجاب، وبسایت «رویداد۲۴» در مطلبی نوشته که «در کشوری که ارزش پول ملی به بدترین جایگاه خود رسیده است؛ دست‌مزد‌های ماهانه کفاف یک هفته زندگی کارگران و کارمندان را هم نمی‌دهد. حقوق نوروز معلمان به عنوان یکی از مهمترین اصناف کشور پرداخت نشده و وزیر مربوطه هم در کربلا به سر می‌برد؛ قیمت سکه از مرز سی و چند میلیون تومان گذشته است؛ نرخ مهاجرت به بالاترین حد رسیده است و مواردی از این دست که حتی رهبر انقلاب در سخنرانی نوروزی خود بزرگترین نقطه ضعف کشور را اقتصاد می‌خواند؛ بی‌شک محور تمام سخنرانی‌ها باید مسئله «اقتصاد» باشد، اما عجیب آنکه محور تمام اظهارنظرها در تریبون‌های رسمی کشور «مقابله با بی‌حجابی» و «دستور پلمب» اینجا و آنجا است!»

در ادامه این مطلب آمده که «درک این مسئله بسیار سخت است، اما واقعیت دارد و آنقدر هم عیان و بی‌پرده صورت می‌گیرد، که نیازی به اثبات ندارد. بجای آنکه حکومت خود را بدهکار مردم بداند که با تصمیمات نسنجیده آینده چندین نسل از مردم یک کشور را نابود کرده‌اند، آنها طلبکار شهروندان هستند و در بیانیه تهدید می‌کنند و در عمل ماست می‌ریزند!»

در ادامه تشدید فشار علیه زنان؛ علی خامنه‌ای: کشف حجاب حرام شرعی و حرام سیاسی است

● رهبر جمهوری اسلامی: مسئله حجاب محدودیت شرعی و قانونی است و محدودیت دولتی نیست.

● بسیاری از مقامات حکومتی طی روزهای گذشته مواضع تند و سختی درباره الزام به رعایت حجاب اجباری در سطح جامعه گرفته و گفته‌اند حکومت در برابر بی‌حجابی کوتاه نخواهد آمد.

در ادامه اظهارات و اقدامات مقامات حکومتی درباره «مبارزه با بی‌حجابی» در ایران، علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با مسئولان نظام «کشف حجاب» را «حرام شرعی و سیاسی» اعلام کرد.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز روز سه‌شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۲ در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام به موضوع حجاب پرداخت و گفت مسئله حجاب محدودیت شرعی و قانونی است و محدودیت دولتی نیست.

رهبر جمهوری اسلامی با تأکید بر اینکه «کشف حجاب حرام شرعی و حرام سیاسی است» گفت که «خیلی از کسانی که کشف حجاب می‌کنند نمی‌دانند پشت این کاری که می‌کنند چه کسانی هستند قطعاً این کار را نمی‌کنند.»

خامنه‌ای در ادامه مدعی شده خیلی از کسانی که «کشف حجاب» می‌کنند اهل «هماز و دعا و ماه رمضان و گریه» هستند و توجه ندارند چه کسی پشت سیاست رفع حجاب و بی‌حجابی است. جاسوس‌های دشمن پشت این کار هستند.

او در ادامه با اشاره به اینکه روح‌الله خمینی در نخستین روزها پس از انقلاب ۵۷ درباره حجاب تعیین تکلیف کرده گفت «دشمن با برنامه وارد شده ما هم باید با برنامه وارد شویم. کارهای بی‌قاعده نباید انجام بگیرد.»

تلاش نیروهای تندرو مذهبی در ایران برای تسلط بر خیابان و جامعه به بهانه حجاب و «امر به معروف» در روزهای گذشته به اوج رسیده است. بسیاری از مقامات حکومتی طی روزهای گذشته مواضع تند و سختی درباره الزام به رعایت حجاب اجباری در سطح جامعه گرفته و گفته‌اند حکومت در برابر بی‌حجابی کوتاه نخواهد آمد.

همزمان نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی با عنوان «حجاب و عفاف» و با هدف «زندگی عقیفانه» را تدوین و قرار است به زودی به عنوان قانون اجرا شود. طرحی که در آن زنان «بی‌حجاب» یا «بدحجاب» به انواع مجازات‌های نقدی و غیرنقدی از جمله ضبط گواهینامه و پاسپورت و جریمه نقدی ۵۰۰ هزار تا ۳ میلیون تومان محکوم می‌شوند.

مرتضی آقائهرانی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس با اعلام اینکه «در دولت قرارگاه امر به معرف و عفاف و حجاب فعال شده است» گفته است: «قالیباف قول داده اگر لایحه عفاف و حجاب دریافت کند، ۷۰ ساعته کارش را تمام می‌کند.»



گذشته گفته که «تمرکز دشمنان در این فتنه بر موضوع زنان بوده» و افزوده که «حجاب ویتین اسلامیت مردم ما است و بر همین اساس مسئله حجاب موضوعی نیست که بتوانیم به راحتی از آن بگذریم.»

اظهار نظر مقامات حکومت درباره حجاب اجباری حتی به بخش‌های نامرتب با این موضوع هم رسیده است. از جمله محمد آقامیری رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران با تأکید بر بر ضرورت حفظ حجاب گفته «نیروهای جهادی، ارتش و بسیج در کرونا پای کار بودند؛ چرا از این ظرفیت برای مقابله با بی‌حجابی استفاده نمی‌شود؟»

آقامیری با بیان اینکه «دشمن به دنبال ایجاد تغییر فضای عفاف و حجاب در کشور است» افزوده که «در چند ماه اخیر شاهد ناهنجاری در موضوع حجاب در تهران و دیگر شهرها هستیم.» در آنسو اما به نظر می‌رسد برخی از مقامات چندان موافق برخورد‌های تند و تیز بسیجی‌ها و آتش به اختیاران با مردم نیستند و این اقدامات را نه به دلیل زیر پا گذاشتن حق زنان در انتخاب پوشش بلکه موجب «سوء استفاده دشمن» و در پی داشتن عواقب «امنیتی» می‌دانند.

از جمله مجتبی توانگر عضو شورای مرکزی فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به کاظم صدیقی رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر نوشته که «هرگونه اقدام به صورت بخشی و خارج از جمع‌بندی‌های انجام شده امکان بروز اشتباه و رفتارهای خارج از ضابطه را بیشتر کند و همین موضوع ممکن است مجدد سبب سوءاستفاده دشمن و بروز مسائل امنیتی و هزینه‌سازی برای کشور شود.»

عضو فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس در ادامه افزوده که «به نظر می‌رسد با توجه به شرایط معیشتی مردم یکی از مهم‌ترین وجوه امر به معروف و نهی از منکر همین حوزه معیشت و اقتصاد باشد و لذا انتظار از همه متولیان در همه حوزه‌ها این است هر اقدامی انجام می‌دهند یا هر موضعی می‌گیرند، به مسئله اصلی و اولویت کشور و مردم نیز دقت و توجه داشته باشند.»

مجتبی توانگر در پایان این نامه با کنایه به افرادی که حامی برخورد‌های خشن با زنان و دختران به بهانه حجاب و دادن وجوه قانونی به آن هستند نوشته که «شما و منصوبین را مشفقانه به سبیل رحمت نبی خدا، اولیا، صلحا و ائمه هدی فرا می‌خوانم. در بیان مواضع خدا را در نظر بگیرید و مصلحت دین خدا را. اگر شما و دوستانتان در پی فتح کامل پارلمان هستید و از فرط بی‌کارنامه بودن مجبورید به ریسمان حجاب متوسل شوید، در حال بسط منکر و زدودن معروف هستید.

دین خدا باز بچه و متاع دنیوی چند ظاهرالصلاح فاسد العقیده نیست که هر روز مانند مارگیران آن ملعبه قدرت‌طلبی کنند.»

بیشتر بیژن نوباوه نماینده تهران به زنان ایرانی هشدار داده بود: «فردی که مرتکب این خطا (برداشتن حجاب) می‌شود بداند که مجموعه نظام رصد می‌کند و رفتار او از چشم نظام پنهان نیست و حاکمیت نسبت به رفتار او بی‌تفاوت نمی‌ماند.» از سوی دیگر طی تعطیلات نوروزی صدها مرکز تفریحی و گردشگری و اقامتگاه توریستی به دلیل آنچه «عدم رعایت شئون اسلامی و حجاب اسلامی» خوانده شد پلمب شدند. همچنین گزارش‌های زیادی از برخورد‌های فیزیکی و کلامی افراد وابسته به حکومت که به نیروهای لباس شخصی و آتش به اختیار هستند منتشر شده است. در یکی از آخرین نمونه‌ها یک بسیجی و مداح در منطقه طرقله مشهد سطل ماست را بر سر یک مادر و دختر که روسری بر سر نداشتند خالی و با مالک فروشگاه و دیگر شهروندان حاضر در مغازه درگیر شد. آموزش و پرورش، وزارت علوم و وزارت بهداشت نیز همزمان با پایان تعطیلات نوروزی و بازگشایی دانشگاه‌ها و مدارس در اطلاعیه‌هایی جداگانه اعلام کردند که از ارائه خدمات آموزشی به دانش‌آموزان و دانشجویانی که شئون اسلامی و حجاب اجباری را رعایت نکنند، خودداری می‌شود.

بر اساس دستور مسئولان اداره‌ها و مراکز مختلف از جمله بانک‌ها و فرودگاه‌ها، این اماکن نیز از ارائه خدمات به زنان و دختران بدون حجاب اجباری خودداری می‌کنند. بر اساس ویدئوی منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، پرسنل فرودگاه شیراز از دادن کارت پرواز به زنانی که حجاب اجباری ندارند خودداری و به آنان اعلام می‌کنند، اگر می‌خواهید سوار هواپیما شوید باید روسری بپوشید.

شرکت مترو تهران نیز روز سه‌شنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۲ اعلام کرد طرحی را با عنوان «تذکر لسانی وظیفه همگانی» در مترو در زمینه حجاب اجباری آغاز کرده است.

بسیاری از مقامات سازمان‌های مذهبی و امنیتی نیز از هر تریبونی برای تهدید شهروندان استفاده می‌کنند. آیت‌الله ابوالحسن مهدوی نماینده اصفهان در مجلس خبرگان رهبری حجاب را «پرچم برافراشته» در جامعه اسلامی خواند و گفت: «دشمن با تمام توان قصد دارد آن را بیاورد.»

روابط عمومی استانداری اصفهان نیز اعلام کرده که شورای اداری این استان نشست فوق‌العاده‌ای را برای هماهنگی در زمینه مبارزه با بی‌حجابی برگزار کرده است.

رضا مرتضوی استاندار اصفهان در این نشست گفت وزارت کشور یک دستورالعمل ۱۷ ماده‌ای را ابلاغ و نوع مواجهه با «بی‌حجابی» را مشخص کرده و استانداری اصفهان «با جدیت» آن را برای «رعایت شئون جامعه اسلامی» اجرا خواهد کرد.

محمد رضا جان‌نثاری معاون سیاسی امنیتی و اجتماعی استانداری اصفهان هم با اشاره به جنبش اعتراضی ماه‌های



بیش از ۸۷۰ کشته در تصادفات نوروزی؛ سهم ۵۱ درصدی «پراید» و «پژو»

● ۸۷۱ نفر در نوروز امسال بر اثر تصادف جان خود را از دست دادند که ۲۸ درصد از این افراد زیر ۱۸ سال، سه درصد عابرین پیاده، ۱۰ درصد موتورسواران و ۳۳ درصد رانندگان وسایل نقلیه بوده‌اند.

جانشین فرماندهی پلیس راهور فرجا اعلام کرده در طول سه هفته تعطیلات نوروزی ۸۵ هزار و ۴۶۹ تصادف در جاده‌ها کشور رخ داده و تعداد کشته‌شدگان تصادفات جاده‌ای ۸۷۱ نفر بوده است.

تصادفات جاده‌ای در تعطیلات نوروزی امسال نیز سبب جان باختن، مصدومیت و نقص عضو شمار زیادی از شهروندان شد. بر اساس آخرین آمار اعلام شده از سوی جانشین فرماندهی پلیس راهور فرجا در طی تعطیلات نوروزی و در بازه زمانی ۲۴ اسفندماه تا ۱۴ فروردین ۸۵ هزار و ۴۶۹ تصادف توسط پلیس راه ثبت شده است.

سردار تیمور حسینی جانشین فرماندهی پلیس راهور فرجا گفته که «تا پایان روز چهاردهم فروردین‌ماه ۸۷۱ نفر در صحنه تصادفات در شهرها و جاده‌ها جان خود را از دست دادند که ۲۸ درصد از این افراد زیر ۱۸ سال، سه درصد عابرین پیاده، ۱۰ درصد موتورسواران و ۳۳ درصد رانندگان وسایل نقلیه بوده‌اند»

او همچنین درباره آمار جانباختگان تصادفات جاده‌ای به تفکیک استان گفته که «سهم استان سیستان و بلوچستان با ۷۳ مورد فوتی در طول اجرای طرح نوروزی به علت وسعت و پهناوری این استان از دیگر استانهای کشور بیشتر بوده است، همچنین بر اساس آمارها پلیس راه تهران بزرگ با ۲ نفر جانباخته در صحنه کمترین آمار جانباختگان را به خود اختصاص داده است.»

جانشین رئیس پلیس راهور فرجا شدیدترین تصادف فوتی رخ داده در طول اجرای طرح نوروزی ۱۴۰۲ را مربوط به واژگونی یک دستگاه سواری پژو در محور خاش- زاهدان اعلام کرد و افزود: «در این تصادف هشت تن کشته و چهار نفر مجروح شدند همچنین بر اثر واژگونی اتوبوس در محور خاش نیز پنج تن جان خود را از دست داده و ۲۲ مجروح بر جای گذاشت و این تعداد بیشترین مورد مجروح ناشی از یک تصادف در طول اجرای طرح نوروزی را به خود اختصاص داد.»

سردار تیمور حسینی درباره بیشترین و کمترین تصادفات فوتی رخ داده در معابر درون شهری نیز گفت: تهران بزرگ دارای بیشترین جانباخته درون شهری با ۲۱ نفر کشته در صحنه تصادفات در ایام اجرای طرح نوروزی است اما در استان‌های خراسان شمالی، سمنان، مرکزی، همدان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه بویر احمد، شرق استان تهران، قزوین

و کردستان نیز هیچ تصادف منجر به فوتی در معابر درون شهری گزارش نشده است.

این مقام پلیس راهور مدعی شده که سرعت غیرمجاز، سبقت غیرمجاز، تجاوز [انحراف] به چپ، عدم توجه به جلو و خستگی و خواب آلودگی از جمله مهم‌ترین دلایل وقوع تصادفات رانندگی در نوروز ۱۴۰۲ بوده است. همچنین ۵۹ درصد کل تصادفات در راه‌های اصلی، ۱۱ درصد مربوط به راه‌های فرعی، دو درصد مربوط به راه‌های روستایی و هفت درصد نیز مربوط به بزرگراه‌ها بوده است.

او در آمار تفکیکی دیگری گفته که ۱۶۱۸ مورد از تصادفات منجر به واژگونی اتومبیل شده است. به گفته او بیشترین آمار تصادفات در دوم فروردین با ثبت ۶۳ کشته و کمترین آمار هشتم فروردین با ۳۰ کشته بوده است.

جانشین رئیس پلیس راهور فرجا به نقش کیفیت جاده‌ها و غیراستاندارد بودن اتومبیل‌ها در تصادفات جاده‌ای اشاره نکرده اما گفته است که ۲۷ درصد اتومبیل‌هایی که در تصادفات منجر به مرگ نقش داشتند اتومبیل «پژو» و ۲۴ درصد نیز اتومبیل «پراید» بوده است. هر دو اتومبیل مونتاژ دو کارخانه «ایران خودرو» و «سایپا» در ایران هستند.

برخلاف ادعای مقامات حکومتی که همواره رانندگان را عامل تصادفات جاده‌ای معرفی می‌کنند به عقیده بسیاری از کارشناسان کیفیت نامناسب و غیراستاندارد بودن جاده‌های کشور و همچنین اتومبیل‌ها نایم مونتاژ ایران دو عامل مهم و محوری در بروز تصادفات جاده‌ای به ویژه تصادفات منجر به مرگ و نقص عضو و معلولیت هستند.

همین موضوع سبب شده که ایران همواره در صدر جداول کشورهای با آمار بالای تصادف قرار بگیرد. بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی پزشکی قانونی از نوروز ۱۳۹۶ تا نوروز ۱۴۰۱ در مجموع ۵۵۸۲ نفر در حوادث جاده‌ای نوروزی جان خود را از دست داده‌اند. کشته‌شدگان در نوروز ۱۳۹۶ طبق اعلام پزشکی قانونی ۸۷۴ نفر بود که در نوروز ۱۴۰۱ به ۱۱۴۶ نفر رسید.

آمار سالانه تصادفات جاده‌ای و مرگ ناشی از تصادف نیز در ایران قابل توجه است. آمارهای حکومتی تعداد کشته‌شدگان تصادفات جاده‌ای در ایران را سالانه حدود ۱۷ هزار نفر اعلام می‌کند اما برخی کارشناسان معتقدند آمارهای واقعی بیش از این تعداد است. همچنین بر اساس گزارشی که پژوهشکده بیمه مرکزی ایران در سال‌های قبل منتشر کرده بود، در میان ۱۹۰ کشور جهان، ایران پس از کشور آفریقای سیرالئون، بالاترین نرخ مرگ‌ومیر را در جاده‌ها داشته است.

دو سال و نیم پیش سرهنگ ایوب شرافتی جانشین پلیس راه کشور درباره تعداد نقاط نایم در جاده‌های کشور گفته بود که «در سال ۹۵ حدود ۳۵۰۰ نقطه نایم یا همان حادثه‌ساز

در جاده‌های کشور شناسایی شد که با پیگیری‌های پلیس راه و راهداری این نقاط شناسنامه‌دار شدند. از این تعداد حدود ۱۵۸۰ نقطه به عنوان نقاط دارای ضرورت و پرخطرتر شناسایی شده و بنا شد تا در اولویت رفع خطر و معایب قرار بگیرد، ما حتی از این تعداد نیز حدود ۲۵۰ نقطه ویژه را نیز احصا کرده و این موضوع را به وزارت راه منتقل کردیم که در نهایت حدود ۶۰ نقطه از این تعداد ایمن‌سازی شد.»

جانشین پلیس راه با بیان اینکه در حال حاضر بیش از ۳۲۰۰ نقطه حادثه‌خیز در جاده‌ها باقی مانده است، گفته بود که «اقداماتی مانند آشکارسازی و نصب علائم هشدار دهنده در عمده این نقاط انجام شده، اما لازم است که به شکل اصولی نقاط حادثه‌خیز در جاده‌ها اصلاح شود.»

با توجه به بحران‌های مالی حکومت از دو سال و نیم پیش تا کنون، مشخص است که اگر تعداد نقاط نایم جاده‌ای بیشتر نشده باشد، کمتر هم نشده است. قابل توجه اینکه سازمان ملل متحد در مهر سال ۱۴۰۰ در طرحی برای کمک به ایمن‌سازی جاده‌های در ایران بودجه‌ای به مبلغ ۳۳۰ هزار و ۴۴۰ دلار به جمهوری اسلامی پرداخت شد.

بنا بر گزارش درج شده در سایت صندوق ایمنی جاده‌ها در سازمان ملل، این پروژه با همیاری دانشگاه خوارزمی تا شهریور امسال ادامه خواهد یافت.

از سوی دیگر طی سال‌های گذشته جمهوری اسلامی هیچ اقدامی برای بهبود کیفیت اتومبیل‌های مونتاژ شده داخلی انجام نداده و با جلوگیری از واردات آزاد اتومبیل‌های با کیفیت خارجی، بازار ایران را برای چند شرکت داخلی به یک بازار انحصاری تبدیل کرده و تولیدکنندگان اتومبیل اجبار و انگیزه‌ای برای رقابت و ارتقاء کیفیت محصولاتشان ندارند.

اتومبیل‌های مختلف پراید محصول شرکت سایپا، خطرناک ترین و بالاترین جایگاه در لیست منفی شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران را دارند از جمله مدل‌های «تیبیا»، «سایپا ۱۲۱»، «سایپا ۱۳۲» و وانت پراید.

گفتنی است اتومبیل‌های چینی وارد شده به ایران، مانند «لیفان ایکس ۶۰»، «ولیکس س ۳۲»، «ام وی پارس»، «ام وی ام ۵۳۰»، «ام وی ام ۱۱۰» و «پژو پارس» که در کشور مونتاژ می‌شوند نیز نه تنها از کیفیت چندانی برخوردار نیستند، بلکه در لیست منفی شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران قرار دارند. در گروه وانت‌ها نیز «مزدا تک کابین» رکورددار نمره منفی است.

همچنین مقامات حکومتی در حالی همواره عامل انسانی در تصادفات جاده‌ای را پررنگ می‌کنند که هیچ برنامه مشخص و موثری برای آموزش و فرهنگ‌سازی برای رانندگان نیز انجام نشده است.

ادامه مسمومیت دانش‌آموزان دست‌کم در پنج شهر دیگر؛ وزیر کشور می‌گوید «تأیید» نمی‌کنیم!



همچنین روز گذشته خبر دیگری در شبکه‌های اجتماعی از حمله شیمیایی به مدرسه ابتدایی «حمزه حشمتی» در ارومیه منتشر شده اما هیچیک از رسانه‌های داخلی این خبر را تأیید یا تکذیب نکرده‌اند.

ظهر روز دوشنبه ۱۴ فروردین نیز شماری دانش‌آموزان دختر در مدرسه دخترانه «۲۲ بهمن» نقده منتشر شد. کانال تلگرامی «مردم ارومیه» ظهر دوشنبه خبر از انتقال ۵ دانش‌آموز مدرسه «۲۲ بهمن» واقع در بخش «محمدیار» در شهرستان نقده به بیمارستان داد.

ساعاتی بعد اما رسانه‌ها شمار دانش‌آموزان مسموم شده در این مدرسه را ۷۵ نفر اعلام کردند. خبرگزاری «رکنا» که خبرهای مربوط به حوادث در ایران را گزارش می‌دهد نیز مسمومیت ۷۵ دانش‌آموز را تأیید کرده است.

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ در پاسخ به خبرنگاران درباره مسمومیت دانش‌آموزان در شهر تبریز گفت: «نه، ما تأیید نمی‌کنیم و باید بررسی دقیق کنیم.»

همزمان اما قاسم احمدی لاشکی معاون حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش از ابلاغ دستورالعمل ۲۷ ماده‌ای در خصوص مسمومیت‌ها به همه مدارس کشور خبر داده است.

قاسم احمدی لاشکی گفته که در حال حاضر کمیته مشترکی که مجلس شورای اسلامی درباره مسمومیت دانش‌آموزان در مدارس از چهار کمیسیون مختلف تشکیل داده بود، در کمیسیون شوراها و امور داخلی زیر نظر سید حمیدرضا کاظمی نماینده پل دختر در حال فعالیت است.

معاون حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش درباره جزئیات دستورالعمل ابلاغ شده به مدارس کشور توضیحاتی نداده است اما گفته که موضوع مسمومیت‌ها به صورت دقیق مورد بررسی است و تمام دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی، بهداشت و آموزش و پرورش همگی در جریان این بررسی‌ها هستند.

شبهه فرفره به داخل حیاط مدرسه پرتاب شده که از آن دود متصاعد شده و در پی آن دانش‌آموزان دچار سوزش چشم، تهوع و مسمومیت شده‌اند.

همچنین صفحه توئیتری «۱۵۰۰ تصویر» که خبرهای حقوق بشری را پوشش می‌دهد گزارش داده که امروز چهارشنبه ۱۶ فروردین‌ماه دانش‌آموزان یک مدرسه در محمودآباد استان مازندران، یک مدرسه در تبریز، و یک مدرسه در قزوین نیز دچار مسمومیت شده‌اند. همچنین دانش‌آموزان مدرسه «مقبل» در شهر سنندج با علائم حاد تنفسی دچار مسمومیت شده‌اند.

مسمومیت سریالی دانش‌آموزان که از نهم آذر ۱۴۰۱ شروع شده بود، از روز دوشنبه ۱۴ فروردین و در نخستین روز بازگشایی مدارس پس از تعطیلات نوروزی از سر گرفته شد.

روز سه‌شنبه ۱۵ فروردین هم دانش‌آموزان دو دبیرستان دخترانه در تبریز و اصفهان هدف حملات بیولوژیک قرار گرفتند. ۲۰ دانش‌آموز دختر ۱۵ ساله دبیرستان دخترانه «حضرت معصومه» در شهرک باغ‌میشه تبریز مسموم و به بیمارستان منتقل شدند.

همزمان در شهر اصفهان نیز تعدادی دانش‌آموز دختر دبیرستانی در دولت‌آباد دچار مسمومیت شدند. خبرگزاری «رکنا» در گزارشی با تأیید خبر مسمومیت دانش‌آموزان نوشت که دانشگاه علوم پزشکی اصفهان اعلام کرده که تعداد دانش‌آموزان مسموم شده در منطقه دولت‌آباد اصفهان هنوز مشخص نیست و دانش‌آموزان بدحال به بیمارستان منتقل شده‌اند. برخی منابع خبری تعداد دانش‌آموزان بستری شده در بیمارستان را هشت تن عنوان کرده‌اند.

خبرگزاری «هرانا» نیز به نقل از یک منبع آگاه نوشته که مسمومیت این دانش‌آموزان در «دبیرستان دخترانه‌ی سحر» واقع در منطقه دولت‌آباد شهر اصفهان صورت گرفته و دانش‌آموزان مسموم شده، جهت طی مراحل درمان به بیمارستان «امام‌رضا» منتقل شده‌اند.

● صداسویمای جمهوری اسلامی از بدحال شدن ۷ دانش‌آموز مدرسه دخترانه سلامت در خیابان «۱۹ دی» قم در پی مسمومیت خبر داده است.

● گزارش دیگری از حمله شیمیایی به مدرسه دخترانه طلعت بهاری (عذرا) در منطقه ۱۰ تهران و مسمومیت شماری از دانش‌آموزان حکایت دارد.

● با وجود گزارش‌های رسمی، سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی درباره مسمومیت دانش‌آموزان در شهر تبریز گفته که «نه، ما تأیید نمی‌کنیم و باید بررسی دقیق کنیم.»

● معاون حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش از ابلاغ دستورالعمل ۲۷ ماده‌ای در خصوص مسمومیت‌ها به همه مدارس کشور خبر داده است.

ادامه مسمومیت سریالی دانش‌آموزان در سومین روز پس از بازگشایی مدارس در سال جدید با مسمومیت دانش‌آموزان در دست‌کم پنج شهر ایران ادامه یافته است. وزیر کشور جمهوری اسلامی مسمومیت دانش‌آموزان در سال جدید را «تأیید» نکرده است.

امروز چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ صداسویمای جمهوری اسلامی از بدحال شدن ۷ دانش‌آموز در مدرسه دخترانه سلامت، خیابان «۱۹ دی» قم در پی مسمومیت خبر داده است. بر اساس این گزارش، دانش‌آموزان دچار علائمی مانند سردرد و سرگیجه شده‌اند.

همچنین گفته شده پیش از بدحال شدن دانش‌آموزان بویی شبیه لاستیک سوخته در فضای مدرسه استشمام شده است. گزارش دیگری از حمله شیمیایی به مدرسه دخترانه طلعت بهاری (عذرا) در منطقه ۱۰ تهران و مسمومیت شماری از دانش‌آموزان حکایت دارد. گفته شده مدیر این مدرسه از تماس با اورژانس جلوگیری کرده و دانش‌آموزان را به «تماز» متهم کرده است. این در حالیست که دانش‌آموزان می‌گویند یک شیء

طرح شهرداری تهران برای تبدیل «سراهای محله» به قرارگاه‌های امنیتی در محلات



سخنرانی علیرضا زاکانی شهردار تهران در اجتماع گردان‌های بسیج شهرداری تهران / آذر ۱۴۰۰

در خیابان‌هاست اما در مواقع اضطراری در سرکوب اعتراضات از این نیروها نیز استفاده می‌شود. وی در سال ۱۳۷۸ در جریان اعتراضات «کوی دانشگاه» تهران فرمانده بسیج دانشگاه‌های تهران بود.

بخش عمده سرکوب‌ها در دو دهه اخیر توسط نیروهای لباس‌شخصی صورت گرفته است. آنهایی که از هیچ نوع خشونت و جنایتی بیم نداشتند اما مسئولیتی نیز متوجه آنها نبود زیرا مأموریت اصلی آنها سرکوب به نیابت از حکومت است بدون آنکه مسئولیتی متوجه یگان یا نیرویی خاص باشد.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر چند طرح به اجرا گذاشت که با همکاری بسیج برای تقویت نیروهای سرکوب از بین اقشار مذهبی جامعه یا حامیان نظام به ویژه جوانان نیرو جذب شود. یکی از این طرح‌ها استفاده از «گشت رضویون» برای تامین امنیت محلات بود. طیف گسترده‌ای از مأموریت‌ها به این گشت‌ها واگذار شد. از خبرچینی و مخبری در محلات گرفته تا استقرار ایست بازرسی در شب‌های تعطیل و گشت ماشین‌ها و تفتیش بدنی و فیزیکی رهگذران در شب.

حسین اشتری فرمانده سابق نیروهای انتظامی آذرماه سال ۱۴۰۱ در اوج تظاهرات خیابانی گفت یکی از برنامه‌ها نیروی انتظامی «برون‌سپاری برخی امور» است.

مقامات حکومتی می‌دانند اعتراضات در ایران آتش زیر خاکستر است. در همین ارتباط ششم فروردین ماه ۱۴۰۲ سردار پاسدار حسن کرمی فرمانده یگان‌های ویژه نیروی انتظامی خیزش ضدحکومتی اخیر را «آبرفته» نامید و با تمجید از نیروهای تحت امر خود گفت «پوشش ۴۰۰ نقطه برای مقابله با اعتراض‌های احتمالی در سال جدید در دستور کار این نهاد نظامی قرار گرفته است.»

● پاسدار علیرضا زاکانی شهردار تهران در مراسم افطار با شماری از جانبازان و نیروهای جهادی گفته «سراهای محله» قرار است به «قرارگاه محلی» تبدیل شود که علاوه بر «شورایاران» نیروهای بسیج و مساجد و حوزو‌ها در آن گرد هم می‌آیند.

● وی با اشاره به اینکه تهران ۳۵۳ محله و ۳۴۷ سرای محله دارد تأکید کرده با این اقدام «امنیت پایدار» و «توسعه فرهنگی» با «محوریت مساجد، مدارس و خانواده‌ها در بستر تشکیل امنای محلات محقق خواهد شد.»

علیرضا زاکانی شهردار تهران ۱۴ فروردین در مراسم افطار با شماری از جانبازان و نیروهای جهادی گفته «سراهای محله» قرار است به «قرارگاه محلی» تبدیل شود که علاوه بر «شورایاران»، نیروهای بسیج و مساجد و حوزو‌ها نیز در آن گرد می‌آیند.

وی با اشاره به اینکه تهران ۳۵۳ محله و ۳۴۷ سرای محله دارد تأکید کرده با این اقدام «امنیت پایدار» و «توسعه فرهنگی» با «محوریت مساجد، مدارس و خانواده‌ها در بستر تشکیل امنای محلات محقق خواهد شد.»

این اقدام شهرداری در عمل یک طرح امنیتی است که در آن پرسنل پیمانی شهرداری دست‌شان برای همکاری با نیروهای بسیج در آنچه «امنیت پایدار» در محلات خوانده شده بیشتر باز می‌شود.

علیرضا زاکانی شهردار تهران که در دوره‌ای نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی بود سال‌ها به عنوان رئیس سازمان بسیج دانشجویی برای سرکوب اعتراضات دانشجویی و تظاهرات خیابانی دارودسته داشت.

بعد از اعتراضات سال ۱۳۸۸ شهرداری‌ها به ویژه شهرداری تهران نیروهایی را استخدام کردند که در مواقع عادی کارشان جمع کردن بساط دستفروشان و مقابله با سدمعبر

→ مسمومیت در پی حملات بیولوژیک در تعطیلات نوروز نیز برای مهمانان یک عروسی اتفاق افتاد. خبرگزاری مهر نیز دوم فروردین به نقل از امین بابایی فرماندار سیهاکل نوشت که شامگاه سه‌شنبه در نخستین روز سال نو ۱۰ تن از میهمانان زن یک مجلس عروسی در این شهر «با استنشاق گاز دچار سرفه و بدحالی شده و راهی بیمارستان شدند.» فرماندار سیهاکل در توضیح علت انتقال این افراد به بیمارستان از عبارت «بدحالی تنفسی» بجای «مسمومیت» استفاده کرده است. عبارت «بدحالی تنفسی» با اوج گرفتن مسمومیت سریالی دانش‌آموزان در ده‌ها مدرسه در شهرهای مختلف مورد استفاده مقامات جمهوری اسلامی قرار گرفت تا از واژه «مسمومیت» استفاده نکنند.

حملات تروریستی و بیولوژیک به مدارس ایران از نهم آذر ۱۴۰۱ در قم آغاز و به دیگر شهرها کشیده شد. این حملات در ابتدا دبیرستان‌های دخترانه را هدف قرار داد اما تعدادی از دبیرستان‌های پسرانه، دبستان‌های دخترانه و پسرانه و خوابگاه‌های دانشجویی و دانشگاه‌ها نیز هدف این حملات قرار گرفتند. بنا بر گزارش‌های رسمی، این حملات در بیش از ۲۵ استان و ۲۵۰ شهر رخ داده و دست‌کم ۱۳ هزار دانش‌آموز بر اثر این حملات که هنوز علت و عوامل آن اعلام نشده است، آسیب دیدند.

بی‌کفایتی جمهوری اسلامی در شناسایی و اعلام نام آمران و عاملان حملات سبب شده بخش گسترده‌ای از افکار عمومی دست داشتن بخشی از نظام در این حملات را مسلم بدانند. همچنین گزارش‌ها از حضور نیروهای امنیتی در مدارس پس از وقوع حمله و دوشادوش مأموران انتظامی و اورژانس حکایت دارد که نشان می‌دهد از همان نخستین مورد حملات، نهادهای امنیتی از جمله وزارت اطلاعات در جریان حملات بیولوژیک سازمانیافته قرار داشته‌اند.

هر چند هنوز مشخص نیست آمران و عاملان حملات سازمانیافته بیولوژیک که دانش‌آموزان و دانشجویان را هدف قرار داده چه گروه، دولت یا افرادی هستند اما همچنان مردم شواهدی مانند گسیل نیروهای سرکوبگر به مدارس و سرکوب دانش‌آموزان و خانواده‌ها و توصیه مسئولان به دروغ و پنهانکاری را برای دست داشتن جمهوری اسلامی در حملات شیمیایی کافی می‌دانند.

بر اساس اطلاعات پراکنده‌ای که از سوی وزارت بهداشت منتشر شده اغلب مسمومیت‌ها با استفاده از ترکیباتی از گاز نیتروژن (N₂) صورت گرفته. گاز نیتروژن بی‌بو و بی‌رنگ است که انتشار خالص آن در فضای بسته و یا ترکیبات آن می‌تواند به شدت خطرناک باشد. زنگ زدن گوش، حالت تهوع، تشنج و خستگی شدید و بی‌حالی، سرگیجه، سردرد، تنگی نفس، گرفتگی و بی‌حسی عضلات و علائم عصبی از جمله علائم مسمومیت با گاز نیتروژن است.

برخی دیگر از مقامات جمهوری اسلامی در اظهاراتی مبهم مدعی شدند که مسموم‌سازی دانش‌آموزان از سوی «دشمنان» صورت گرفته و سازمان مجاهدین خلق و اسرائیل از جمله مقصران این حملات معرفی شدند. افکار عمومی در ایران چنین ادعاهایی را باور نکرده و همچنان دست داشتن سازمانیافته جریانی از درون جمهوری اسلامی در این حملات را باور دارد.

اینهمه در حالیست که حتی اگر بر مبنای ادعای مقامات جمهوری اسلامی این حملات از خارج نظام صورت گرفته باشد اما این حکومت مستقر است که مسئولیت حفظ امنیت و جان شهروندان را برعهده دارد و کم‌کاری و سهل‌انگاری نهادهای امنیتی و قضایی و اجرایی در سه ماه گذشته نشان می‌دهد جمهوری اسلامی با بی‌مسئولیتی مزمن قادر به حفاظت از امنیت و جان شهروندان نیست.

بررسی پرونده قتل کیان پیرفلک در دادگاه نظامی

● داوود شاه ولی وکیل خانواده پیرفلک: با تصمیم شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ایذه مبنی بر صلاحیت دادسرای نظامی استان خوزستان در رسیدگی به پرونده کیان پیرفلک، پرونده جهت ثبت و رسیدگی به دادسرای نظامی مرکز استان ارسال خواهد شد.

● ارجاع پرونده قتل کیان پیرفلک به دادگاه نظامی به معنای پذیرش احتمال شلیک مأموران حکومتی به اوست؛ موضوعی که بیشتر از سوی جمهوری اسلامی تکذیب شد و حتی چند شهروند را با اتهام قتل کیان و با اهداف تروریستی بازداشت کرده بود.

پرونده کیان پیرفلک کودک ۱۰ ساله‌ای که آبان ۱۴۰۱ در اعتراضات شهر ایذه به ضرب گلوله مأموران حکومتی جان باخت در دادگاه نظامی بررسی خواهد شد.

سجاد پیرفلک عمومی کیان پیرفلک متنی از سوی وکیل این خانواده منتشر کرده که از رسیدگی پرونده شکایت خانواده پیرفلک درباره قتل فرزند خردسالشان در دادسرای نظامی مرکز استان خوزستان حکایت دارد.

بر اساس متن منتشر شده از سوی سجاد پیرفلک، داوود شاه ولی وکیل پرونده قتل کیان پیرفلک گزارش داده که «با تصمیم شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ایذه مبنی بر صلاحیت دادسرای نظامی استان خوزستان در رسیدگی به پرونده کیان پیرفلک، پرونده جهت ثبت و رسیدگی به دادسرای نظامی مرکز استان ارسال خواهد شد. با توجه به روند طی شده پرونده و برخورد قانونی دادرها و دادگاه‌های نظامی با تخلفات ضابطین قضایی و وجود دلائل عدیده که بر توجه اتهام قتل کیان به ضابطین قضایی دلالت دارد، همچنان به کشف حقیقت امیدواریم.»

سجاد پیرفلک همچنین از اظهار بی‌اطلاعی دادستانی از ویدئوهای شب حادثه خبر داده و نوشته است: «در پرونده‌ای که برای شب خونین ایذه در ۲۵ آبان ماه ۱۴۰۱ ساخته شده، برای محکومیت برخی از معترضین به دوربین‌های مسلط بر صحنه قتل کیان، در زمان‌های قبل و بعد از قتل استناد شده است اما دادستانی از وجود فیلم در زمان قتل کیان اظهار بی‌اطلاعی کرده است.»

ارجاع پرونده قتل کیان پیرفلک به دادگاه نظامی به معنای پذیرش احتمال شلیک مأموران حکومتی به اوست؛ موضوعی که بیشتر از سوی جمهوری اسلامی تکذیب و حتی چند شهروند را با اتهام قتل کیان و با اهداف تروریستی بازداشت کرده بود. بهمن بهمنی و مجاهد کورکور دو نفر از بازداشت‌شدگان این پرونده هستند که شش آزمون در اهواز بازداشت و به «فساد فی الارض» متهم شده‌اند.

خانواده کیان پیرفلک از ابتدا بر کشته شدن فرزندشان در پی شلیک مأموران حکومتی را تأکید کرده و دیگر شاهدان عینی شب خونین ایذه نیز این موضوع را تأیید کرده بودند. زینب مولایی‌راد، مادر کیان پیرفلک، پیشتر در واکنش به متهم کردن بهمن بهمنی به قتل کیان از سوی مسئولان جمهوری اسلامی، در اینستاگرام نوشت: «بهمن برادر منه. من مادر کیان، هر گس از همشهریانم را که به عنوان قاتل معرفی کنی هرگز



با دید واضح (متعلق به فروشگاه‌های زنجیره‌ای، اداره هلال احمر و راهنمایی و رانندگی) بوده است. متأسفانه روز بعد از حادثه مبادرت به جمع‌آوری هارد این دوربین‌ها شده است.»

میثم پیرفلک روز چهارشنبه ۲۵ آبان به همراه همسر و دو فرزند ۱۰ ساله و ۵/۳ ساله‌اش، کیان و رادین، در ایذه در حال عبور از خیابان بودند که اتومبیل آنها از سوی مأموران جمهوری اسلامی هدف رگبار گلوله قرار گرفت. میثم و کیان فرزند ۱۰ ساله‌اش که روی صندلی عقب سمت راننده نشسته بودند مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. کیان در دم جانباخت و میثم بیهوش به بیمارستان منتقل شد.

وضعیت میثم به حدی وخیم بود که شبانه از ایذه به بیمارستان گلستان اهواز منتقل شد. در بیمارستان گلستان چند عمل جراحی روی میثم انجام شد و در نهایت پس از سه هفته، در پی ناپایداری شدن دوباره وضعیت و به توصیه پزشکان، او به بیمارستان «عرفان» در تهران منتقل کردند. هفته گذشته میثم پیرفلک از بیمارستان به خانه‌ای در تهران منتقل شد تا ادامه روند درمان در خانه ادامه پیدا کند. او به دلیل آسیب نخاعی توان نشستن، راه رفتن و ایستادن را ندارد. شامگاه چهارشنبه ۲۵ آبان بیش از ۱۰ نفر در ایذه با شلیک مأموران حکومتی کشته و زخمی شدند. در این میان به جز کیان، دو کودک دیگر به نام سپهر مقصودی و آرتین رحمانی نیز جان باختند.

جان باختن کیان، کودکی تیزهوش و دوست‌داشتنی و با استعداد و با آرزوهای بزرگ بود از جمله اینکه مخترع شود، نه تنها خانواده بلکه کل ایرانیان را تحت تأثیر قرار داد. شب حادثه پس از آنکه کیان در بیمارستان ایذه جان می‌بازد، مادر کیان از هراس اینکه مبادا مأموران امنیتی پیکر کودک‌کش را بدزدند و پنهانی به خاک بسپارند، با کمک اقوام نزدیک پیکر کیان را از بیمارستان تحویل گرفت و به خانه برد و با گرفتن یخ از همسایه‌ها برای قرار دادن روی پیکر فرزندش تا صبح در کنار او ماند تا ساعت خاکسپاری فرا برسد.

بلافاصله پس از جان باختن کیان ویدئوهای او که از علاقه‌اش به اختراع و رباتیک گفته بود و ویدئوی قایقی که خودش اختراع کرده بود تا در جشنواره علمی «جابرین حیان» شرکت کند در شبکه‌های اجتماعی هزاران هزار بار چرخید و دیده شد. کیان در ویدئوی آزمایش قایق‌اش با عبارت «به نام خدای رنگین کمان» توضیحات‌اش را آغاز کرد و با «پس نتیجه می‌گیریم که کار می‌کند» به پایان برد.

«به نام خدای رنگین کمان» و «قایق» به سرعت با نام کیان پیرفلک پیوند خورد. همچنین «یخ» برای بسیاری از ایرانیان یادآور رنج بی‌پایان و توصیف‌ناشدنی و تصورناپذیر مادر کیان در شب از دست دادن فرزندش است.

نمی‌پذیریم. چرا که می‌خواهید طایفه‌ها رو به جان هم بندازید.» او همچنین به طعنه نوشت «حالا خوبه که دو ساعت بعد از اتفاق تروریست‌ها رو در مرز ماکو که ۲۴ ساعت با ایذه فاصله داره گرفته بودید!»

زینب مولایی‌راد چند روز پیش از انتشار این متن نیز تصویری از دیدار خودش با مادر مجاهد کورکور را منتشر کرده بود که حاوی این پیام بود که از دید خانواده پیرفلک مجاهد قاتل فرزندشان نیست.

سجاد پیرفلک عمومی کیان نیز اواسط اسفندماه خبر داده بود که دادستان پرونده قتل کیان پیرفلک گفته که «از جنبه عمومی جرم برای متهم این پرونده به نام مجاهد کورکور، کیفرخواست صادر و برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان نیز ارسال شده است.»

سجاد پیرفلک اما «به صراحت» تأکید کرده که قتل برادرزاده ۱۰ ساله‌اش توسط «ضابطان قضایی در حضور پدر و مادر کیان» صورت گرفته و در زمان وقوع قتل هیچ اثر و نشانی از مجاهد کورکور در صحنه جرم نبوده است.

در همین ارتباط، داوود شاه ولی وکیل خانواده کیان پیرفلک هفتم اسفندماه در مورد آخرین وضعیت پرونده کیان گفته بود که «شکایت ما به تازگی ثبت شده است و پرونده در شعبه دوم بازپرسی ایذه قرار دارد.»

این وکیل دادگستری توضیح داده بود: «از زمان وقوع حادثه تا کنون، خانواده پیرفلک در خصوص طرح دعوی مردد بودند؛ چرا که خودشان از واقعیت ماجرا مطلع بودند و امیدی به دادخواهی نداشتند. تا اینکه متوجه شدیم اخیراً درگیری مسلحانه‌ای در حومه ایذه رخ داده و منتهی به مجروح و کشته شدن دو طرف واقعه شده است.»

او افزوده بود «اراده‌ای وجود دارد که قتل مرحوم کیان پیرفلک به دستگیرشدگان آن درگیری منتسب شود. من به عنوان یک وکیل به خانواده مرحوم اعلام کردم که نه مانع طرح شکایت آنان می‌شوم و نه آنها را به نتیجه پیگیری امیدوار می‌کنم.» شاه ولی با اشاره به وجود دو تأثیر مهم در طرح شکایت توسط این خانواده گفته بود: «نخست اینکه اظهارات خانواده در مقام شاکی به سرنوشت آن شخص دستگیرشده کمک می‌کند و دوم آنکه اظهارات خانواده، شهود و مراحل تحقیقات به عنوان یک پرونده کیفری حقوقی ثبت و ضبط می‌شود. با وجود عدم طرح شکایت توسط خانواده مرحوم، مقام تحقیق و تعقیب نیز از باب جنبه عمومی جرم اقدامی نکرده است.»

این وکیل دادگستری درباره ادله اثبات ادعای خانواده کیان پیر فلک نیز توضیح داده که «کیان در جایی مورد اصابت گلوله قرار گرفت که تحت پوشش ۶ یا ۷ دوربین مداربسته

خروش اعتراضات خیابانی در زادروز حمیدرضا روحی جانباخته راه میهن



جمعه ۲۷ آبان ۱۴۰۱ و در جریان خیزش انقلابی ۱۴۰۱ با شلیک مستقیم نیروهای سرکوب گر جمهوری اسلامی به قتل رسید. بر اساس گزارش‌ها حمیدرضا روحی در حالی که به همراه دیگر دوستانش در اعتراضات خیابانی حضور داشت کوکتل مولوتف را روشن و به سوی نیروهای سپاه که بطور مسلحانه برای سرکوب مردم آمده بودند پرتاب کرد. او در حالی که قصد

خودمانی بود، اما امسال جشن تولدی به وسعت ایران داری.» علی روحی، پدر حمیدرضا روحی، اسفندماه در یک استوری در اینستاگرام خطاب به پسرش نوشت: «می‌گویند شهر را با زدن شما آرام کردند، دیگر کسی جرأت نمی‌کند به چیزی اعتراض کند، شهر امن و امانه... حالا همه راضی‌اند و به زندگی عادی برگشته‌اند.» تظاهرات دیشب در غرب تهران بار دیگر



داشت کوکتل مولوتف دوم را پرتاب کند، از فاصله نزدیک مورد هدف چندین گلوله مأموران سپاه قرار گرفت و جان باخت. مقامات حکومتی نخست تلاش کردند که او را بسیجی معرفی کنند، اما بعدها تأیید شد که او در جمع معترضان بوده است.

پیگر حمیدرضا روحی روز شنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۱ با حضور هزاران نفر در «بهشت زهرا»ی تهران به خاک سپرده شد. همزمان با مراسم خاکسپاری حمیدرضا روحی همدانشگاهی‌های وی در دانشگاه آزاد شهر «قدس» اعتراضات گسترده‌ای را در محوطه دانشگاه برگزار کردند.

ثابت کرد که ایران تا جمهوری اسلامی هست، آرام نمی‌گیرد. پس از جان باخت حمیدرضا، ویدئویی از او در حالی که به همراه برادرش روی موتورسیکلت نشسته و ترانه «قاف» علیرضا طلیسچی را همخوانی می‌کند منتشر شد. این ویدئو هزاران بار در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده و حالا دیگر یادآور حمیدرضا روحی است.

شامگاه گذشته نیز مردم معترض بخشی از این ترانه را که حمیدرضا در آن ویدئو خوانده بود به یاد او همخوانی کردند. حمیدرضا روحی جوان ۱۹ ساله ساکن منطقه «شهر زیبا»ی تهران و دانشجوی سال اول رشته مهندسی عمران شامگاه

- «این آخرین پیامه، هدف کل نظامه»، «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه»، «حمیدرضا می‌جنگیم، خونتو پس می‌گیریم»، «هر یه نفر کشته شه، هزار نفر پشتشه» و «حمیدرضا مُرده... سیدعلیه که مرده» از جمله شعارهای مردم در اعتراضات شب گذشته بود.

- مردم در اتوبان «باکری» تهران تظاهرات کرده و بخش‌هایی از اتوبان به دلیل جمعیت زیاد مردم مسدود شد. معترضان با روشن کردن آتش در این اتوبان شعارهای ضدحکومتی سر دادند.

- مأموران امنیتی و انتظامی به سوی مردم معترض حمله کرده و آنها را مورد ضرب و جرح قرار دادند. هنوز از آمار بازداشت‌شدگان احتمالی تجمع دیشب اطلاعی در دست نیست.

صدها نفر از مردم معترض شامگاه چهارشنبه ۱۶ فروردین و همزمان با زادروز حمیدرضا روحی از جانباختگان انقلاب ملی مقابل خانه و خیابان‌های اطراف محل سکونت او اعتراضاتی گسترده برگزار کردند.

مراسم یادبود حمیدرضا روحی جوان ۱۹ ساله‌ای که ۲۷ آبان ۱۴۰۱ با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر در اعتراضات «شهر زیبا» در تهران کشته شد قرار بود روز چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ بر سر مزار او برگزار شود. نیروهای جمهوری اسلامی با مسدود کردن مسیرهای منتهی به مزار حمیدرضا روحی و همچنین محاصره خانه او و حبس اعضای خانواده‌اش در خانه، از برگزاری مراسم در بهشت زهرا تهران جلوگیری کردند.

شهروندان اما شامگاه چهارشنبه در بیستمین سال تولد حمیدرضا روحی مقابل خانه و خیابان‌های اطراف محل سکونت خانواده‌ی وی تجمع کرده و به اعتراض علیه جمهوری اسلامی پرداختند.

صدها نفر با تظاهرات و تجمع در شهر زیبا با زنده کردن یاد و نام حمیدرضا روحی علیه حکومت شعار دادند و خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی شدند. «این آخرین پیامه، هدف کل نظامه»، «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه»، «حمیدرضا می‌جنگیم، خونتو پس می‌گیریم»، «هر یه نفر کشته شه، هزار نفر پشتشه» و «حمیدرضا مُرده... سیدعلیه که مرده» از جمله شعارهای مردم در اعتراضات شب گذشته بود.

با وجود فشارهای روزهای گذشته برای حفظ حجاب اجباری، زنان و دختران در اعتراضات دیشب نیز روسری‌های خود را از سر برداشتند و شعارهایی چون «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند. بر اساس ویدئوهای منتشرشده مأموران امنیتی و انتظامی به سوی مردم معترض حمله کرده و آنها را مورد ضرب و جرح قرار دادند. هنوز از آمار بازداشت‌شدگان احتمالی تجمع دیشب اطلاعی در دست نیست.

در ادامه اعتراضات شب گذشته تهران مردم در اتوبان «باکری» تهران تظاهرات کرده و بخش‌هایی از اتوبان به دلیل جمعیت زیاد مردم مسدود شد. معترضان با روشن کردن آتش در اتوبان «باکری» شعارهای ضدحکومتی سر دادند.

پیشتر در شامگاه سه‌شنبه خانواده حمیدرضا روحی در و دیوار خانه‌شان را برای تولد او گل‌آذین کرده و با بادکنک‌های سبز و سفید و قرمز به رنگ پرچم ایران تزئین کرده بودند، اما حساب «۱۵۰۰ تصویر» در توئییتی نوشت: «ساعت هفت صبح، نیروهای جمهوری اسلامی به آنجا رفته و همه را کتک زدند و بردند.» پوریا روحی، برادر حمیدرضا روحی با انتشار آلبومی از عکس‌های این معترض جانباخته با تبریک تولد او «در آسمان‌ها»، نوشت: «سال‌های قبل که خودت بودی، جشن تولدت



KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com



عکس هفته | ۱۴ فروردین ۱۴۰۲ چهلمین روز اعتصاب غذای وحید بهشتی بود که برای قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست سازمان‌های تروریستی بریتانیا در مقابل وزارت خارجه این کشور تحصن و اعتصاب کرده است.